Knowledge Is Power



انجمن علمی آموزشی

نواندیشان

www.NOANDISHAAN.com

تحلیل فضاهای شهری



مؤلف:

دکتر مریم چرخچیان

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

به نام خداوند جان و خرد

۱. فصل اول: آشنایی با مفهوم طراحی شهری

۱ ـ ۱ -اهداف فصل:

در این فصل ضمن معرفی و تبیین علم طراحی شهری و ارائه حیطه حرفه ای آن، رویکردها و نگرش های مختلف متخصصین و نظریه پردازان در این باره مطرح گردیده است. از آنجاییکه آشنایی با این علم بدون شناخت فرایندها و مسائل دخیل در آن و شناخت مسائل و مباحثی که متخصصین با آن دست و پنجه نرم می کنند میسر نیست سعی گردیده تا فرایند طراحی شهری و مقوله های مرتبط با آن، مورد طرح و بررسی قرار گیرند. علاوه براین، علوم مختلف و متخصصینی که با این حوزه از علم در رابطه اند نیز مطرح گردیده است.

در پایان این فصل انتظار می رود دانشجویان با مقوله های زیر آشنا گردند:

- شناخت نسبی علم طراحی شهری؛
- آشنایی با رویکردهای مختلف در تبیین طراحی شهری و آشنایی با برخی از مصادیق آن؛
- آشنایی با فرایند طراحی شهری؛
- شناخت تخصص های وابسته در طراحی شهری و نقش معماران در این حوزه.

۱ ـ ۲ -مقدمه:

طراحی شهری مناسب آن نوع از طراحی ست که با موضوعات و دغدغه های حیاتی شهر و شرایط بنیادی انسانی و طبیعی در ارتباط می باشد و بنابراین بر مفهوم شهر بیش از مفهوم طراحی تکیه دارد. طراحی شهر با شناخت شهر آغاز گردیده و با پاسخ به پرسش هایی در رابطه با چگونگی کارکرد شهر، نحوه شکل گیری تحولات در شهر و نحوه مداخلات سازنده و یا مخرب در شهر ادامه می یابد. از سوی دیگر طراحی شهری با شهروندان و ایجاد رضایت، انگیزه و آگاهی آنان نیز سروکار دارد که خود مستلزم نگاه اجتماعی، فرهنگی و انسانی به این مقوله می باشد. بنابراین طراحی شهری پیوند و پلی ست میان انسان، شهر و کالبد آن که نگاه همه جانبه و عمیق طراحان شهری را در تحقق اهداف عملکردی، معنایی و کالبدی شهر، طلب می کند. بر این اساس، طراحی شهری ملموس ترین و محسوس ترین فعالیتی است که می تواند ارزش ها، خواست ها و هدف های یک جامعه را تحقق بخشیده و نقش فعال، سازنده و هدفمند خود را در جامعه به نحو مؤثری به انجام رساند.

طراحی شهری اهداف مختلفی را در راستای حل مسائل شهرهای معاصر دنبال می نماید. این اهداف دامنه وسیعی را در بر می گیرند که برخی از آن ها شامل: توانمند سازی و انسجام اجتماعی اقشار محروم، توسعه اقتصادی، احیای نواحی مرکزی شهر، پایداری زیست محیطی، بالا بردن کارآیی کاربری

ها و ایجاد تنوع در فضاهای شهری با هدف ایجاد محیط های شهری غنی، سالم، ایمن و سرزنده ونیز توسعه اجتماعی می باشد. بنابراین پروژه های طراحی شهری می باید فرایندهای توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت محیط انسان ساخت را به طور همزمان تسهیل نمایند. منظور از توسعه اجتماعی، ایجاد زمینه مشارکت آگاهانه مردم در طراحی شهری از طریق برقراری ارتباط و گفتگو میان نمایندگان، طراحان شهری و مسئولین شهر می باشد که موجب انعکاس یافتن خواسته های مردم و هویت فرهنگی آن ها در شهرها خواهد شد. بنابراین برخی پرسش های اصلی در این رابطه آن است که آیا طراحی شهری به توسعه اجتماعی کمک کرده یا برای آن محدودیت ایجاد می کند؟ آیا کیفیت زندگی را برای همه گروه های ذی نفع ارتقاء بخشیده یا اینکه تنها گروه خاصی را منتفع و عده بسیاری را نیز متضرر می سازد؟ آیا طراحی شهری با قطبی شدن اجتماعی و کنار گذاشتن قشری از جامعه برخورد کرده یا آن را تشدید و تقویت می کند؟ آیا ماهیت طراحی شهری، مشارکت عمومی را در فرایند شکل گیری شهر تسهیل می کند و یا صرفاً با دیدی خلاقانه به موضوع نگاه می کند؟ و بالاخره آیا طراحی شهری در جهت حفاظت از محیط زیست شهری و ارتقای کیفیت آن فعالیت می کند یا طبق دستورالعمل های اقتصادی و سیاسی؟

با این همه، طراحی شهری علیرغم اهمیت آن هنوز فاقد تعریف جامع می باشد. برخی طراحی شهری را معماری با مقیاسی وسیع، برخی برنامه ریزی شهری و برخی از آن به عنوان معماری منظر تعبیر می کنند. در این میان، همپوشانی این حوزه با برنامه ریزی شهری همواره مورد تأکید قرار گرفته است. مروری بر تعاریف برنامه ریزی شهری نیز نشان می دهد هدف این حوزه برآوردن نیازهای اجتماعی- اقتصادی بوسیله ساماندهی کالبدی خیابان ها، بناها، پارک ها و سایر کاربری های محیط شهر است که به نحو وسیعی تحت تأثیر ساسیتگذاری های دولت، مسائل تکنیکی، پیمایش، تحلیل، پیش بینی و طراحی قرار دارد و محصول تحولات اجتماعی، عملکرد دولت و نقش متخصصین است. با این تعریف، طراحی شهری بخشی از برنامه ریزی شهر است که با فرم کالبدی سروکار دارد. در واقع می توان گفت بخش خلاقانه برنامه ریزی شهری است که در آن تصورات و ظرفیت های هنری دخیل هستند. به عبارت دیگر طراحی شهری با عنایت به خط مشی ها و سیاست های کلان برنامه ریزان شهری و با ایجاد زمینه برای مشارکت معماران در این حوزه، زمینه تعبیر کالبدی و عملی دیدگاه های آنان را فراهم می سازد. یعنی نقطه ای که به نگرش ها و ایده ها جنبه کالبدی بخشیده می شود و معماران نیز در این فضا شروع به فعالیت می نمایند. توانایی و میزان موفقیت طراحی شهری، وابسته به درک و شناخت مردم، ابعاد مختلف تجربه محیطی و فرایند تصمیم سازی است. به طور کلی طراحی شهری درحوزه مشترکی میان برنامه ریزی شهری، معماری و معماری منظر قرار دارد که در عین حال هدفش وسیع تر از هریک از حوزه های مذکور است.

۱ ۳ - تعریف طراحی شهری

رشد اقتصادی، تداوم تاریخی، انضباط اخلاقی و اجتماعی و دستیابی به مفهوم عدالت و موقعیت یکسان برای تمام شهروندان و بازدیدکنندگان، پاسخگویی به نیازهای جسمی و روحی افراد از نیاز به ایمنی گرفته تا تعاملات اجتماعی، ارتقاء کیفیت مکان و در نهایت حفظ طبیعت و محیط زیست از جمله اهداف مهم در طراحی شهری می باشد. علیرغم این که مفهوم طراحی شهری قرن ها پایه نظر و عمل در فعالیت های مرتبط با شهر قرار داشته است و افراد مختلفی در حوزه های متفاوت مذهبی، سیاسی، فلسفی و اجتماعی در این امر فعالیت داشته اند. این واژه در قرن بیستم در دهه ۱۹۵۰ میلادی ابداع شد که با تکیه بر اصول زیبایی شناسی، کیفیت قلمرو عمومی و ایجاد مکان برای استفاده و تفریح مردم سروکار دارد. طراحی شهری به عنوان فعالیتی که به محیط انسان ساخت و سکونتگاه های انسانی شکل داده و انسجام می بخشد، از ابتدا از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. اما اگرچه در اهمیت و ضرورت طراحی شهری در شهرهای امروزی هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد، ارائه تعریفی جامع و مانع برای آن مشکل است. به عنوان مثال مدنی پور در مروری گسترده بر عرصه طراحی شهری، لزوم پاسخگویی به ابهامات زیر را در تعریف طراحی شهری مطرح می کند:

- آیا طراحی شهری بر مقیاس مشخصی از فضا تمرکز دارد؟
- آیا طراحی شهری بر کیفیات زیبایی شناسانه ی از محیط شهری تکیه دارد و یا به طور گسترده تر بر اداره و تنظیم فضای شهری تمرکز دارد؟
- آیا طراحی معطوف به فرم فضاست و یا ارتباطات فرهنگی، اجتماعی را نیز ملحوظ می دارد؟
- آیا طراحی شهری عرصه فعالیت معماران برنامه ریزان ومعماران منظر می باشد؟
- آیا این عرصه در حوزه فعالیت بخش عمومی و دولتی ست و یا با حوزه خصوصی در رابطه است؟
- آیا فرایندی عقلانی هدف گرا، به شکلی علمی ست و یا فرایند ذهنی و هنری می باشد؟

یکی از متداول ترین تعاریف، طراحی شهری را چنین توصیف می کند: «طراحی شهری با شکل کالبدی عرصه عمومی در یک منطقه ی محدودِ شهری سر و کار دارد و بنابراین بین دو مقیاس شناخته شده معماری (که با شکل کالبدی عرصه خصوصی ساختمان در ارتباط است) و برنامه ریزی شهری و منطقه ای (که با سازمان فضایی عرصه عمومی در مقیاس وسیع تری سر و کار دارد) قرار گرفته است».

بنابراین می توان گفت طراحی شهری علمی ست که در حوزه ای میان رشته ای قراردارد که این ماهیت سبب گردیده حوزه نظر و عمل در این علم در هم تنیده گردد. مودون (۱۹۹۲) این علم را در فضایی میان معماری و برنامه ریزی شهری تعریف می نماید. اگرچه برخی این حوزه را به عنوان معماری با مقیاس وسیع مطرح می نمایند ولی لینچ در تعریف طراحی شهری طیف وسیعی از مقیاس

های متفاوت فضایی را مطرح می کند که ممکن است شامل طراحی یک شهر جدید، پارک منطقه ای، میدان عمومی، خیابان های یک واحد همسایگی و شبکه دسترسی یک منطقه باشد و یا شامل تدوین ضوابط توسعه و حفاظت شهری، ساماندهی فرایند مشارکتی، تنظیم دستور العمل طراحی و حتی برگزاری یک جشن شهری باشد. لزلی مارتین این حوزه از علم را به صورت تعبیر کالبدی و شکلی از برنامه ریزی شهری مطرح نموده است که آن را دارای دو بُعد می داند. بُعد اول آن با نظم و عوامل بصری شهرها در رابطه است که مورد توجه افرادی چون کامیلوسیته و ریموند آنوین قرار داشته که در شهرهایی مانند شیکاگو تحت عنوان جننش زیبایی به کار گرفته شده است و بُعد دوم آن جنبشی عملگراست که ریشه در اوایل قرن بیستم داشته و معطوف به جنبه های علمی بوده است. این جنبه از طراحی شهری مبتنی بر تصمیم گیری های کلان در مورد کاربری اراضی و کارکرد عملکردی بخش های مختلف شهر و منطقه بندی شهرها می باشد.

در ادامه برخی از تعاریف طراحی شهری آمده است.

- هدف طراحی شهری ترکیبی از ویژگی های عملکردی و ظاهر و کالبدی مطلوب است.
- طراحی شهری به منزله اداره شهر یا واحدهای همسایگی و حل هنرمندانه ی مسائل معمارانه با مقیاس بزرگ است.
- طراحی شهری خلق مکان با توجه به فعالیتها و وقایع جاری در آن است.
- طراحی شهری ارتباط بین بناهای متفاوت؛ ارتباط بنا و خیابان، میدان، پارک و عرصه های دیگر قلمرو عمومی شهرها؛ ارتباط یک قسمت از شهرک با قسمت های دیگر و بررسی الگوهای حرکت و فعالیت در شهرهاست که ارتباطات پیچیده بین عناصر فضای ساخته شده و ساخته نشده را در برمی گیرد.
- دپارتمان حمل و نقل و محیط زیست و نواحی و کمیسیون معماری و محیط ساخته شده بعدها یک تعریف واضح تر و مشخص تر ارائه داد که طراحی شهری هنر خلق مکان برای مردم است که طی آن، مکان ها یافته و فعال می گردند و با موضوعاتی نظیر امنیت اجتماعی، ارتباطات مردم و مکان ها، تحولات کالبدی شهر، طبیعت و بافت ساختمان ها سروکار دارد. این فرایند، متضمن خلق شهرها، شهرک ها و دهکده های موفق است.

شهر سازی معاصر به طراحی فضای شهری به عنوان ماهیتی زیبا و بستری رفتاری با تأکید بر تنوع برای خلق مکان های شهری و پشتیبانی کالبدی مکان از فعالیتها و عملکردهایی که در آن اتفاق می افتد می نگرد. با این تفکر، طراحی شهری به عنوان طراحی و مدیریت قلمرو عمومی شهرها با توجه به نماهای عمومی ساختمان ها و فضاهای مابین آن ها و فعالیتهایی که درون آن ها اتفاق می افتد و مدیریت این فعالیت ها و تأثیرات آن بر فضا، مطرح می گردد.

۱ ٤ - طراحی شهری در قرن بیستم و الگوهای آن

طراحی شهری در قرن بیستم میلادی جریان های مختلفی را تجربه کرده است که شرایط و رویکردهای آن به اختصار در ادامه آمده است.

۱ ٤ ۱ جنبش زیباسازی شهر:

این جنبش از پلان شهرهای باروک الهام گرفته شده است که شهر واشینگتن و رم از جمله مصادیق آن هستند. خیابان های مستقیم و پهن با نقاط کانونی، پلازاهای وسیع و احداث ساختمان های کلاسیک در پیرامون آن ها از جمله ویژگی های آن محسوب می گردد.

۱ ٤ ۲ جنبش حرکت مدرن:

در این دوران نظریه های جامعی پدید آمد که مشتمل بر دو جریان اصلی هدایت کننده در زمینه طراحی شهری می باشد:

الف- جریان خردگرا: مبتنی بر نظم، هندسه و خلوص معماری و تأکید بر عملکردگرایی؛

ب- جریان تجربه گرا: مبتنی بر نحوه تعامل انسان و مکان، نیازها و ارزش ها ی انسانی و حل مسائل پس از انقلاب صنعتی با نگاه به گذشته که افرادی مانند جین جیکوبز، کالن، مور و زوکر از نظریه پردازان آن به شمار می روند.

۱ ٤ ۳ باغشهرها:

این تفکر از توماس جفرسون تا لویدرایت مطرح بوده است. ایده های اصلی آن توسط کلرنس پری (جامعه شناس)، کلرنس اشتاین و هنری رایت مطرح و بعدها توسط فرانک لوید رایت دنبال شد. هدف آن تمرکززدایی از شهر، ایجاد حومه های شهری به شکل شهر-روستا و تکیه بر فضاهای امن و باز برای حرکت پیاده بود.

۱ ٤ ٤ جنبش پست مدرن:

پروژه هایی چون لادفانس در پاریس و یا مرکز تجاری ناپل اثر تانگه نمونه هایی هستند که علیرغم پیروی از دیدگاه های مدرن از مبانی زیبایی شناسی جنبش پست مدرن تبعیت می کنند. در سایه این جنبش، بسیاری از نظریه های نوگرا مانند نوخردگرایانی چون آلدو روسی پدید آمدند که دو جریان اصلی فلسفی زیر را در بر می گرفت:

- نو سنت گرایان مانند کوئینلان تری؛
- دیکانستراکتیویست ها مانند چومی.

۱ ۵ - اهداف و رویکردهای مختلف در تبیین طراحی شهری:

نظریه پردازان شهرسازی رویکردهای مختلفی به طراحی شهری دارند که مبنای کار طراحان شهری قرار گرفته است. به عنوان مثال کارمونا، ٤ رویکرد را مطرح می نماید که شامل موارد زیر می باشد:

۱) طراحی شهری برای مردم؛

۲) تأکید بر ارزش و اهمیت مکان و فضای شهری؛

۳) طراحی شهری تحت تاثیر نیروهای سیاسی (قوانین) و اقتصاد بازار؛

٤) طراحی به عنوان یک فرآیند.

جان لنگ نیز قائل به چهار تفکر پایه در تعریف طراحی شهری می باشد:

۱. برنامه ریزی شهری مبتنی بر تقاضای بازار و ضرورت های توسعه
۲. طراحی شهری به عنوان هنر؛
۳. طراحی شهری به مثابه حل مسأله بر پایه تجارب گذشته؛
٤. طراحی شهری به مثابه طراحی محله با مشارکت مردم در فرایند تصمیم سازی.

مودون نیز در مطالعه خود ۹ طبقه از رویکردهای موجود به طراحی شهری را شرح می دهد که در ادامه آمده است:

۱. رویکرد تاریخی به شهرها با تکیه بر فرایندهای فرهنگی و تأثیر آن بر محیط مصنوع که توسط افرادی چون مامفورد، موریس، رپس، ونس و کستف مطرح گردید.
۲. طراحی شهری به مثابه طراحی منظر که بر کیفیات بصری شهر تکیه داشته و افرادی چون بیکن، کالن و کامیلوسیته از پیشروان آن بوده اند.
۳. رویکرد تصویری به شهر بر پایه نحوه ادراک و شناخت مردم از شهرها که توسط کپس، لینچ و آشیهارا مطرح گردید.
٤. رویکرد محیط-رفتار که به نحوه بهره بردای مردم از شهرها و نحوه تعامل آن ها با مکان اشاره دارد و مورد توجه افرادی چون مارکوس، راپاپورت، وایت، اپلیارد و گِل مطرح گردیده است.
۵. رویکرد «مکان» که شناخت عوامل مختلفی که شهر را خاطره انگیز، به یادماندنی و معنادار می سازد، را هدف بررسی قرار می دهد. از جمله افراد شاخص با این نگرش می توان به الکساندر، نوربرگ شولتز، لینچ، گرینبی، جیکوبز و هیس اشاره نمود.
٦. رویکرد مبتنی بر جنبه های مادی فرهنگ که فرم را در بستر فرهنگ مورد مطالعه قرار می دهد، مانند مطالعات جکسون، شلرت و گروث.

۷. رویکرد الگوشناسانه و ریخت شناسانه که فرایندهای اصلی و اساسی را در شکل گیری شهر مورد مطالعه قرار می دهد مانند مودون، روسی و گونزن.
۸. رویکرد ریخت شناسانه- فضا که به صورت سیستماتیک به دنبال مدل، ساختار و هندسه شهرها می باشد که از جمله مصادیق آن مطالعات افرادی چون: وبر، مارتین و مارچ، هیلیر و هانسن می باشد.
۹. رویکرد اکولوژی-طبیعی که ارتباط فرایندهای طبیعی و محیط مصنوع را مورد بررسی قرار می دهد. افرادی چون گدس، مک هارگ، هاگ، کالتورپ و وَندِراین، این رویکرد را مبنای مطالعات خود در زمینه طراحی شهری قرار داده اند.

سورکین در طراحی شهری ۱۱ عرصه و هدف مختلف ذیل را مطرح می کند:

۱ -تحکیم و تقویت همسایگی:

همسایگی به عنوان ابزاری در راستای دستیابی به شهر اجتماعی و پیوند اجتماعی میان شهروندان، در مرکز این تفکر قرار دارد. این هدف ضرورتی در زندگی روزمره است که خودکفایی، امکان قدم زدن و ارتقاء اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به همراه دارد.

۲ -پایدارسازی شهر:

منطق اکولوژی شهری نیاز به حفاظت از منابع بومی و کاهش وابستگی به آن دارد. در این راستا، طراحان شهری باید به عواملی چون: چرخه انرژی، تولید اکسیژن، توزیع حرارت، مصالح قابل بازیافت و کشاورزی توجه داشته باشند تا بتوانند به مدیریت و بهبود آن بپردازند.

۳ -تأمین فضای سبز در بخش های مختلف شهر:

شهر و فضای سبز در رابطه تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند به نحوی که بهره گیری از فضای سبز در شهرها مبنای حقوق شهروندی بوده و ضامن تنوع و کارآیی شهر در عرصه های عمومی و خصوصی می باشد. برآوردن این نیاز مستلزم توزیع عادلانه فضای سبز در سطح شهرها، حتی به صورت ایجاد فضای سبز مصنوع یا پارک ها در سطح شهر می باشد.

٤ -امن نمودن لبه های شهری:

امنیت لبه های شهری، عامل بقا و زندگی شهری، هم به لحاظ ادراکی و هم به لحاظ عملکردی می باشد که اولین گام در ایجاد حس شهروندی و بنابراین دموکراسی شهری به شمار می رود. از سوی دیگر منطق اداره شهر به لحاظ اقتصادی و فرهنگی نیز این امر را ایجاب نموده و نفوذپذیری لبه های شهری به عنوان یک اصل، به غنای آن می افزاید.

۵ -ایجاد فضاهای عمومی:

می توان به سادگی ادعا نمود که فضاهای عمومی در سطح شهرها با هیچ فضای دیگری قابل جایگزینی نیستند. نقش آن ها به لحاظ ارتباطات، تأسیسات شهری، مکان تجمع در شهرها و نیز نقطه عطف طراحی شهری، غیر قابل انکار است. این فضاها لایه ای از طراحی شهری هستند که به عنوان عنصری رابط بین عرصه خصوصی و عمومی، به شهرها زیبایی بخشیده و حفظ آن ها در سطح شهر ضروری می نماید. مصادیق مختلف آن در سراسر شهرهای جهان دیده می شود که مکان ابراز آزادانه افراد و مواجهات آن ها با یکدیگر بوده و بسترساز دموکراسی می باشند.

٦ -ایجاد دید و منظر مناسب برای ساختمانها

شهرسازی مدرن جنبه های مثبتی نیز در درون خود داشت. لوکوربوزیه در نظریه خود سه کیفیت نور، هوا و سرسبزی را مطرح نمود که هنوز در عرصه طراحی شهری مطرح است. نتیجه این کیفیات سبب تنوع در منظر شهری می گردد. با این نگاه شهر به عرصه ای بدیل می گردد که موجبات شادی و لذت شهروندان را فراهم نموده و به آن ها امکان انتخاب بخشیده و از یکنواختی اجتناب می کند.

۷ -ایجاد زمینه مناسب برای اختلاط

شهر باید بستری مناسب برای اختلاط گروه های مختلف اجتماعی اعم از طبقه، نژاد و ملیت شهروندان باشد تا در کنار هم زیستن، تحمل یکدیگر، تعامل با یکدیگر و در عین حال لذت بردن را بیاموزند. این اختلاط در مورد کاربری ها و عملکردهای گوناگون در شهر نیز مطرح است، چنانکه منطقه بندی تک عملکردی در شهرها به هیچ عنوان توصیه نمی شود. اما جهت دستیابی به این هدف، برنامه ریزی، مطالعه و شناخت مسائل و ویژگی های مثبت و منفی همجواری عناصر مختلف در کنار یکدیگر باید مورد توجه طراحان قرار گیرد که گاه مستلزم پیش بینی و تعیین برخی اولویت گذاری های ضروری در سطح شهر می باشد.

۸ -تبیین و تعریف جابجایی ها و تحرکات شهری

وجود اتومبیل در شهرها با وجود تراکم بالای شهرهای امروزی امری اجتناب ناپذیر است. تقویت و بهبود گره های ترافیکی و تسهیل جابجایی با ایجاد امنیت، فضای سبز و لذت، نکته قابل تأمل برای طراحان شهری می باشد. امروزه حل این معضل به یک بحران در شهرها تبدیل گردیده است. اما اولویت دادن به پیاده در برابر حرکت اتومبیل و تسهیل و ساماندهی حرکت اتومبیل در شهرها، در کنار سایر تخصص های مرتبط، در حوزه عملکرد طراحان شهری قرار دارد.

۹ -بومی سازی معماری

یکی از وظایف طراحی شهری شناخت فرم ها و شکل های متناسب و بهینه بر مبنای منطق زیبایی است. شهر محصول فرم و عملکرد است که در این میان، خلق فرم با بهره گیری از ابعاد بومی می تواند به عملکرد شهر نیز غنا بخشد. این نگاه که برخاسته از فرهنگ و خاطرات بومی مردم و در عین حال خلاقیت است می تواند موجد تمایز و تنوع نیز باشد.

۱۰ حمایت از خلوت و حریم

یکی از عواملی که سبب موفقیت فضاهای عمومی در سطح شهرها می گردد، امکان انتخاب در آن و حفظ حریم و خلوت افراد است که به راحتی قابل دستیابی نبوده و مستلزم مطالعات رفتاری و بررسی عوامل مؤثر در حمایت از فعالیت های افراد در فضا و ایجاد خلوت و حریم خصوصی درون قلمرو عمومی می باشد. بنابراین نقش دیگر طراحی شهری ایجاد این پیوند است.

۱۱ زیباسازی

هیچ هدفی برای طراحان شهری به اندازه دستیابی به این بُعد، یعنی زیباسازی شهر ارزشمند نیست. طراحان شهری در این باره روش ها و رویکردهای مختلفی اتخاذ نمودند که حس شهری را توسعه می دهد.

به طور کلی ایده طراحی شهری، معطوف به ایجاد مکان بهتر و باید و نبایدهایی در این باره است که بر مبنای طبقه بندی فوق الذکر می توان برخی گرایشات را در یکدیگر ادغام نمود. به عنوان مثال رویکرد مکان و رویکرد محیط-رفتار علیرغم آن که در یکی تأکید بر مکان و در دیگری تأکید بر مردم است ولی به دلیل آن که هر دو بر تعامل انسان و مکان دارند قابل ادغام در یکدیگرند. اما در مجموع دیدگاه های متفاوتی نیز وجود دارد که جمع بندی کریگر به دلیل جامعیت نسبی آن به سایر طبقه بندی های موجود در ادامه مطرح گردیده است:

۱ ۵ ۱ طراحی شهری پلی میان معماری و برنامه ریزی شهری:

این رویکرد مدنظر بسیاری از محققین در این زمینه است که به تبلور فضایی برنامه ریزی در قالب توزیع فضا، الگوی سکونت، اختصاص منابع، راهبردهای کالبدی و ضوابط طراحی معماری اشاره دارد. تدوین معیارهای کاربری زمین و منطقه بندی و نحوه ارزیابی و تأیید پروژه در خلال طراحی و ساخت آن از جمله مثال ها در این زمینه می باشند که بخش عظیمی از حوزه طراحی شهری را به خود اختصاص داده است. این امر نقش معماران را در طراحی و ساخت، به همراه داشته و با این تعریف،

طراحی شهری ابزار تعبیر برنامه برنامه ریزی به معماری بدل می گردد که در فضایی تعاملی بین این دو مقوله قرار دارد.

۱ ۵ ۲ طراحی شهریِ فرم محور براساس سیاستگذاری کلان

این نگاه در اواسط دهه ۱۹۷۰ با انتشار کتابی با همین نام توسط جاناتان بانت[1] مطرح گردید. این تعریف که مورد توجه بسیاری از متخصصین قرار گرفت به قضاوت های زیبایی شناسانه تکیه داشت و به تدوین ضوابط طراحی مانند محدودیت های ارتفاع، منطقه بندی، تراکم و مباحثی از این دست پرداخت. اما این نگاه در عمل با موفقیت چندانی روبرو نگردید چراکه در ارتقاء کیفیت و نحوه توسعه مؤثر بوده ولی فاقد خلاقیت و پویایی بود.

۱ ۵ ۳ طراحی شهری به مثابه «معماری شهر»[2]

این تعریف، ریشه در جنبش زیبایی در شهرهای امریکا در قرن بیستم و برخی فعالیت های شهری در اروپا در قرن ۱۹ دارد که در این زمان واژه معمار-شهرساز مطرح گردید. شکل گیری فضاهای عمومی و تأکید بر نقش آن در ساختار شهرها اولین دستاورد شهرسازی با این مفهوم و نقش معماران در این زمینه می باشد. این مفهوم در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ همزمان با ظهور «پروژه های شهری» مطرح گردید که بر حفظ ویژگی های منحصر به فرد هر شهر و تداوم آن در طول زمان و نیز ترویج صنعت توریسم تکیه داشت و رجعتی بود به شکل شهرهای پیش از دوران انقلاب صنعتی مانند رم.

۱ ۵ ٤ طراحی شهری به مثابه «مرمت شهری»[3]

شکل شهرهای غربی پیش از صنعتی شدن، فشرده، متراکم، لایه لایه و توأم با تغییرات تدریجی در طول زمان بود. شهرهای سنتی، زیبا، قابل مدیریت، دارای مقیاس انسانی و ساختاری روشن بودند یعنی همان ویزگی هایی که در شهرهای مدرن دیگر به چشم نمی خورد. رویکرد حاضر به مفهوم طراحی شهری گرایشی به سمت ویژگی های مذکور و حفظ آن در شهرها داشت. این رویکرد زاییده ی دو عامل دلتنگی برای شهرهای قبل از دوران مدرن و جستجوی الگوهای آشنا در خلق سکونتگاه ها و واحدهای همسایگی بود. در واقع این رویکرد گرایشی دوباره به سمت شهری با خیابان ها، میادین عمومی، ارتفاع کم، تراکم زیاد، واحدهای همسایگی و شهری عاری از اتومبیل داشت. با این نگاه، طراحی شهری به تدوین ضوابطی که سعی در به حداقل رساندن تغییرات و حفظ شرایط گذشته،

[1] Jonathan Barnett
[2] Architecture of city
[3] Restorative urbanism

حفاظت معمارانه، حذف تغییرات نامطلوب و ناخواسته و نیز بازگرداندن مقیاس انسانی به ساخت مکان تبدیل گشت.

۱ ۵ ۵ طراحی شهری به مثابه «ساخت مکان»[1]

این ایده پس از گذار از نگاه مرمتی و حفاظتی و با ظهور واژه هایی چون مکان و بی مکانی مطرح شد و به خلق مکان های متمایز با کیفیتی انسانی می اندیشید. با جهانی که هرسال ۶۰ میلیون به جمعیت آن اضافه می شود دیگر نگاه صرفاً مرمتی نمی توانست پاسخگو باشد. با طرح این ایده کیفیات مختلفی چون: تداوم، توالی، مقیاس انسانی و کاربری مختلف را مورد توجه قرار گرفت که در عین حال با ابعاد زیبایی شناسانه و فرم های سنتی و آشنا هم بیگانه نبود.

۱ ۵ ۶ طراحی شهری به مثابه «رشد هوشمند»[2]

توسعه مراکز شهری و رشد حومه شهرها سبب رشد روزافزون شهر و لزوم توجه به جنبه های مدیریتی و سرمایه گذاری و ارائه طرح های راهبردی گردید. این بحث، مدیریت هوشمند منابع و زمین را در قرن ۲۱ مطرح نمود. با این نگاه به مفهوم طراحی شهری، ضرورت توجه متخصصان معماری و شهرسازی به حوزه های علوم طبیعی، اکولوژی، مدیریت انرژی، تحلیل سیستمی و توسعه اقتصادی زمین، بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت که در نهایت سلامت عمومی را به همراه داشت. این امر به معنای لزوم مشارکت علوم مرتبط در حفاظت زمین، مدیریت منابع و نیز عامل مهم حمل و نقل شهری در شهرسازی می باشد.

۱ ۵ ۷ طراحی شهری به مثابه «زیرساخت های شهر»[3]

سازماندهی خیابان ها و بلوک ها، توزیع فضاهای عمومی و باز، تنظیم حمل و نقل شهری و پیش بینی خدمات مورد نیاز، مهم ترین اجزاء شهرسازی هستند. در این میان حمل و نقل شهری بیش از سایر عوامل مستلزم توجه می باشد چراکه اقدامات معمارانه در این باره به تنهایی کارآمد نخواهند بود و از سوی دیگر زندگی مدرن هنوز به اتومبیل وابسته است. حل این مسائل، دامنه ای از کالبد شهر تا حمل و نقل شهری را دربر می گیرد که مستلزم نگاه طراحانه به شهر است نه نگاه سخت افزاری (مانند توسعه بزرگراه ها). هدف طراحی شهری با این تعریف، بهینه سازی زیر ساخت های فرهنگی، اقتصادی، پایداری و سرزندگی شهر است.

۱ ۵ ۸ طراحی شهری به مثابه «شهرسازی منظر»۱

[1] Place making
[2] Smart growth
[3] Infrastructure of city

این تعریف که حاصل مشارکت اکولوژی، معماری منظر و رویکرد زیرساختی می باشد در سال های اخیر مطرح گردیده است. این برداشت از طراحی شهری به دنبال تراکم کم تر، عدم توجه صرف به زیبایی، خلق فضاهای باز وسیع و توسعه حومه شهرها می باشد. این نگاه سعی در غلبه بر تضاد انسان و طبیعت دارد و در فصل مشترک: اکولوژی، مهندسی، طراحی و سیاستگذاری اجتماعی قرار دارد. برخلاف رویکردهایی که به شهر به عنوان مجموعه ای از ساختمان ها و سپس فضاهای مابین آن ها می نگرد، فضاهای سبز و باز در این رویکرد از اولویت برخوردارند.

۱ ۵ ۹ طراحی شهری به مثابه «شهرسازی رویاپردازانه»[2]

این رویکرد جنبه عملگرا دارد که مبتنی بر نظریه ها، دانش و مدل هایی است که ضمن مشخص نمودن بایدها و نبایدها با فرضیاتی پیرامون آینده سروکار دارد. شهرسازی رویاپردازانه در نقطه مقابل نگرش همسان سازی و جهانی شدن قرار دارد که هسته اولیه آن در کشورهایی مانند چین که با رشد روزافزون شهرنشینی روبرو هستند شکل گرفت. چراکه شهرها در قرن بیستم با آسیب هایی مواجه شدند که ریشه در نگرشی واحد به شهرها در سراسر جهان و مقوله جهانی شدن داشت. بنابراین به گواهی فرهنگ هر جامعه، تکنیک به تنهایی کافی نیست و متخصصین می باید عموم مردم را در شهرسازی جدید به مشارکت بطلبند و نظر آنان را مورد توجه قرار دهند.

۱ ۵ ۱۰ طراحی شهری به عنوان «مدافعه از جامعه»[3]

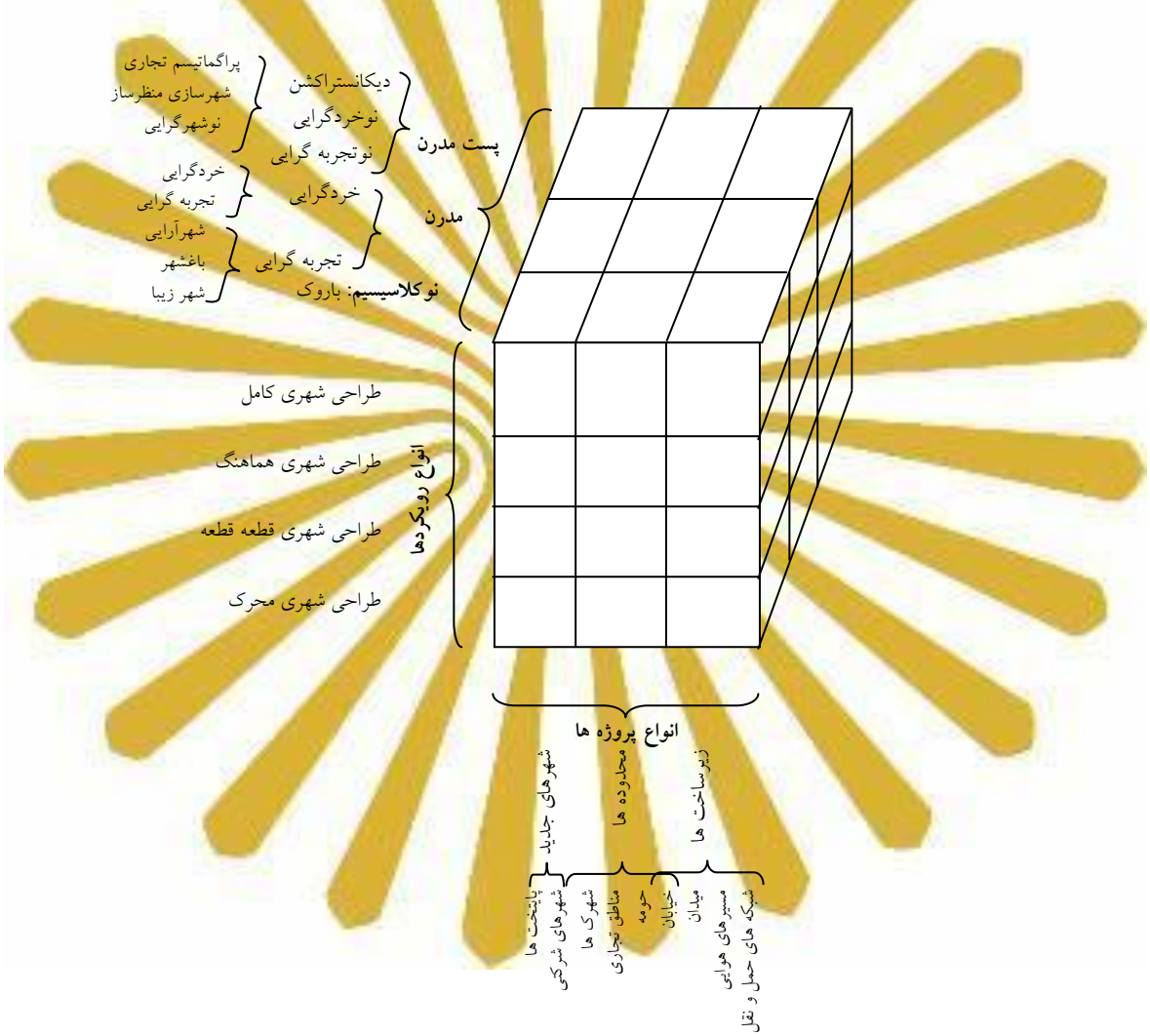
در اواسط قرن بیستم، طراحی شهری به معنای طراحی پروژه هایی با مقیاس عظیم بود در حالی که بعدها این گرایش به صورت فزاینده ای به سمت ابعاد بومی و محلی، ترافیک آرام، احیاء مفهوم همسایگی، کاهش اثرات منفی توسعه، افزایش گزینه های مختلف مسکن، حفظ فضاهای باز، بهبود منظرآرایی خیابان و خلق فضاهای انسانی منعطف گردید. به این ترتیب با سیاستگذاری های از پایین به بالا، مشارکت شهروندان در فرایند طراحی شهری، رویکرد راهبردی و سیاستگذاری به جای برنامه ریزی کالبدی و نگرش حل مسئله، جایگزین مفاهیم گذشته شد. با طرح مبحث مشارکت، طراحی شهری به سمت برآوردن نیازهای انسان و خلق فضاهای بهتر برای کار، تجارت و زندگی روزمره حرکت نمود.

۱ ٦ - رویکرد جان لنگ به مقوله طراحی شهری:

اصولاً چارچوب های گوناگونی در طراحی شهری مطرح هستند که از یک سو شکل گیری جنبش زیباسازی شهری و از سوی دیگر تجربه گرایی و خردگرایی را سبب گردید. جنبش زیباسازی رویکردی

[1] Landscape urbanism
[2] Visionary urbanism
[3] Community advocacy

باروک داشت و مصادیق آن باغشهرها و طرح واحدهای همسایگی بود در حالی که تجربه گرایی و خردگرایی، با رویکردی مدرن، طرح شهرهای صنعتی تونی گارنیه و ایده های لوکوربوزیه و مدرسه باوهاوس را شکل داد. این رویکرد، تمام توجه و تلاش خود را بر تجارب گذشته و ارزیابی میزان موفقیت و عدم موفقیت آن متمرکز می سازد. اما نکته در آن است که مفهوم روستا-شهر و شهر قرون وسطایی، دو مقوله کاملاً متفاوت هستند که با آن که هر دو ریشه در گذشته دارند اولی منجر به طرح شهرهای ارگانیک و دومی به هندسه های خطی منتهی گردیده است. در نیمه دوم قرن بیستم این رویکردها کم و بیش از مسیر خود منحرف گردید و به سمت تفکرات پست مدرنیستی گرایش یافت و جنبش های نوخردگرایان در بطن آن شکل گرفت. این گرایش ها و رویکردها در تصویر زیر آمده است.



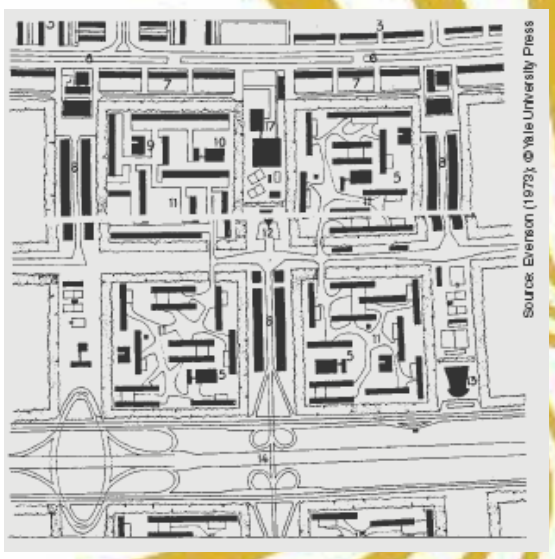
تصویر۱-۱- طبقه بندی جان لنگ از گرایشات طراحی شهری و پروژه های آن

۱ ٦ ۱ طراحی شهری کامل

در این نوع طراحی شهری، طراح به عنوان عضوی از توسعه دهندگان شهری محسوب می شود و در تمام مراحل طراحی تا ساخت حضور دارد. این الگو تلفیقی از معماری و معماری منظر در مقیاسی وسیع است که مهندسان ترافیک را نیز در آن دخیل هستند. با آن که طراحی کامل یک شهر از جمله نمونه های آن است ولی با این همه مصادیقی نیز وجود دارد که این تفکر مبنای طراحی بخشی از شهر(مانند طراحی مرکز شهر شاندیگار)، قرار گرفته است.

نمونه: شهر برازیلیا

ایده شکل گیری این شهر مربوط به سال ۱۹٤۰ می باشد که پایتخت برزیل از ریودژنیرو به مکان دیگری که در تملک دولت بود با هدف توسعه پایتخت آن کشور، منتقل گردید. موقعیت شهر پس از مطالعات گسترده و بررسی عوامل مختلف چون: توپوگرافی، کیفیت خاک، بارندگی و باد تعیین گردید. پس از آن، در سال ۱۹٥٦ مسابقه ای برای تهیه طرح کلان برازیلیا با گروهی از داوران و حضور معمار برزیلی، اسکار نیمایر؛ برگزار گردید و در میان ۲٦ گروه شرکت کننده، طرح لوسیو کاستا، شهرساز؛ انتخاب گردید. طرح دارای دو محور اصلی می باشد که یکی محوری مونومانتال (نمادین) است که در راستای آن ادارات دولتی قرار می گیرد و محور دیگر آن منطبق بر شبکه زه کشی شهری ست که فعالیت های مسکونی و وابسته به آن در این محور استقرار یافته اند.



تصویر۲-۱-پلان شهر برازیلیا (Lang, 2005: 155)

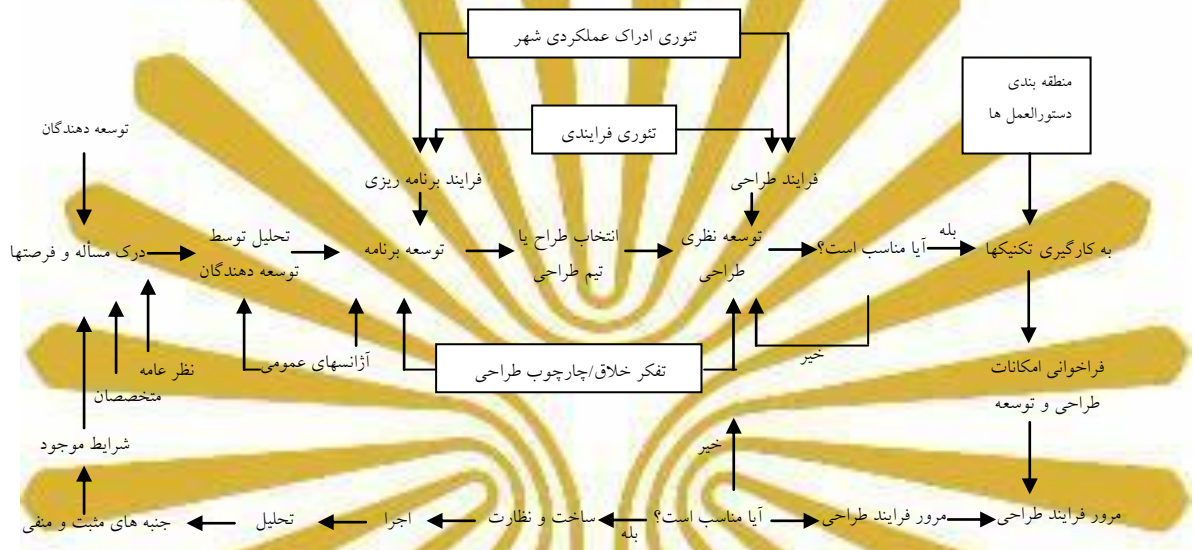


تصویر۳-۱- شهر برازیلیا (Lang, 2005: 156)

شهر شامل چهار بخش اصلی می باشد: ساختمان های دولتی، بلوک های بزرگ مسکونی، شبکه حمل و نقل موتوری و مرکز شهر که تا حدودی مبتنی بر ایده های لوکوبوزیه می باشد که در فصل بعد به آن اشاره خواهد گردید.

۱ ٦ ۲ طراحی شهری هماهنگ

گاه در رویارویی با پروژه های توسعه و یا بازسازی شهری با مقیاس وسیع و سرمایه گذاران گوناگون، پس از تعیین اهداف کلان و یا طرح جامع، پروژه به چند بخش کوچکتر تفکیک گردیده و به گروه های مختلف طراحی واگذار می گردد و هر گروه در محدوده مورد نظر، طراحی می کند. جهت نظارت و انجام هماهنگی کمیته مشترک و کمیته هایی جداگانه تشکیل می گردد که در عین حال مسائل اجرایی، مالی و اهداف کارفرما را در نظر می گیرد.

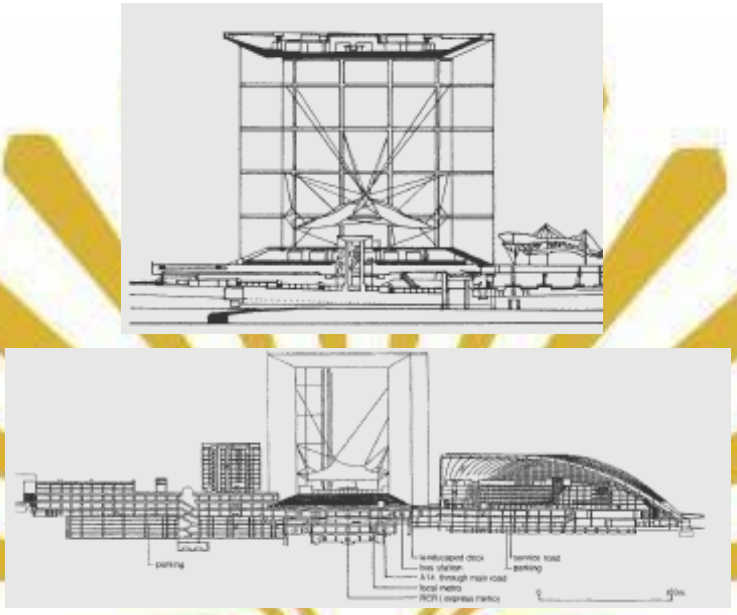


تصویر٤-۱- گام های اصلی در طراحی شهری هماهنگ

نمونه: لادفانس در فرانسه

لادفانس در زمینی به وسعت ۷۵۰ هکتار در بیرون محدوده قانونی شهر پاریس قرار دارد که به گونه ای متمایز از آن طراحی شده است. طرح های منطقه ای و نیز مسابقه طراحی در سال ۱۹۳۱ ایده شکل گیری آن را تقویت کرد. هدف شکل گیری آن انتقال تراکم جمعیت به حاشیه شهر پاریس و حفظ هسته تاریخی پاریس بود که سالانه میلیون ها توریست را به خود دعوت می کند. در سال ۱۹۵٦ پروژه لادفانس پس از شناسایی موقعیت مناسب آغاز گردید. ایده اولیه آن، ساخت آسمانخراشی میان واحدهای مسکونی و فضاهای عمومی باز و خطوط راه آهن بود ولی مورد تأیید واقع نشد. پس از ریاست جمهوری ژرژپمپیدو در زمان ژیکاردستن پیشنهاد جدیدی مطرح گردید که مبنای طراحی آن قرار گرفت. اولین قدم، احداث زیرساخت ها، خطوط راه آهن و محورهای پیاده بود که زمینه را برای جذب سرمایه گذاری مهیا می نمود. پس از آن، مرکز ملی صنایع و فن آوری با سقف مثلثی خود شکل گرفت

که یکی از بناهای شاخص و محرک برای توسعه آتی محسوب می شد. در بخشی از بلوار منتهی به این مرکز، بنای لادفانس ساخته شد که به وسیله معمار هلندی اسپرکلسن، طراحی گردید. این بنا نه تنها حس مکان پاریس را شکل می دهد بلکه امکان تداوم محور شهری پاریس را از ابتدای شانزه لیزه به طرف طاق پیروزی و از آنجا به کاخ ورسای را فراهم می کند.



تصویر۵-۱- مقطع و برش عرضی از لادفانس و مجموعه آن (Lang, 2005: 220)

ولی از انتخاب طرح تا ساخت لادفانس، تغییرات زیادی در آن در قالب طراحی هماهنگ اعمال گردید. اما این مجموعه به لحاظ هماهنگی چندان موفق نبود و نتیجه آن شکل گیری آسمانخراش هایی بود که بی ارتباط با یکدیگر قرار گرفته بودند ولی به لحاظ جاذبه ای که برای حضور شرکتهای معتبر و بزرگ در خود فراهم نمود توانست سرلوحه و الهام بخش پروژه های مشابهی در سراسر جهان قرار گیرد.



تصویر٦-۱- پروژه لادفانس(Lang, 2005: 221)



تصویر۷-۱- پروژه لادفانس(Lang, 2005: 221)

۱ ٦ ۳ طراحی شهری قطعه قطعه

همه شهرها، دارای مصادیقی از این رویکرد به طراحی شهری هستند که پس از تعیین سیاست های توسعه و اهداف کلان برپایه قطعات یا محلات، صورت می گیرد. در بسیاری از شهرهای سراسر جهان، محلات مختلفی با این دیدگاه طراحی شده و ساختمان ها و تسهیلات آن ها شکل گرفته است. این روش در پی بهبود کیفیت محدوده های موجود شهر بوده ولی برخلاف طراحی هماهنگ با تصور کلان کالبدی آن محدوده آغاز نمی گردد. بلکه با تصویر کلی از اهداف، عملکردهای مورد انتظار و نحوه دستیابی به آن هدف، گام های بعدی برداشته می شود. با این هدف از تمام انگیزه ها برای احداث ساختمان ها و یا تسهیلات مورد نظر بهره گرفته می شود تا سیاستی که برای آن محدوده در نظر گرفته شده است تأمین گردد.

نمونه: محدوده مرکزی شهر فیلادلفیا

این محدوده در هسته تاریخی شهر قرار دارد. در این منطقه با آن که رکود اقتصادی یا ضعف کالبدی و یا تخریب محیط زیست به چشم نمی خورد ولی با رکود روبرو بود. ایده ایجاد مراکز جدید کنفرانس در این منطقه در دهه ۸۰ مطرح و در دهه ۹۰ با هدف احیای این مرکز شهری به بهره برداری رسید تا الگوی اقدامات آتی شهر را جهت بخشد. طراحی و برنامه ریزی جدید آن تحت نظر ادموند بیکن انجام شد که علاوه بر ساماندهی بخش فرسوده و هماهنگی شبکه راه ها، ساخت گالری و مجتمع خرید درون مرکز شهر را نیز دربرگرفت. این اقدامات افزایش تعداد سکنه را به همراه داشت که ارزیابی مطلوبی از آن داشتند. در سال ۱۹۹۰ شورایی برای بخش مرکزی شهر تشکیل شد که پس از تأمین بودجه، اقدامات خود را برای بهبود شرایط حرکت پیاده و ارتقاء امنیت مکان متمرکز نمود. هدف، افزایش افراد حاضر در مکان اعم از کارکنان، ساکنان، خریداران و گردشگران بود. این شورا ۷۵ پیشنهاد از گروه ها و افراد

مختلف مبنی بر نورپردازی، درختکاری، نصب علائم، بهبود کفسازی و تسهیل حرکت افراد معلول و بسیاری موارد دیگر دریافت کرد تا چهره ای تازه به منطقه ببخشد. مرحله بعد بهسازی نمای ساختمان ها و تغییر کاربری برخی از آن ها بود که این بهسازی، محرک بهسازی های خودجوش توسط مالکان نیز گردید.



تصویر۸-۱- خیابان بازار در مرکز شهر فیلادلفیا (Lang, 2005: 315)

۱ ٦ ٤ طراحی شهری محرک

هدف این رویکرد، پدید آوردن تحرک و سازندگی در شهر است که یا به صورت زیرساخت های شهری در بخشی از شهر یا حومه آن و یا در بافت موجود شهری به جهت ارتقاء کیفیت آن صورت می گیرد. در این رویکرد نیز هر اقدامی در چهارچوب دستورالعمل های از پیش بینی شده است که تا حدودی به این لحاظ به طراحی شهری هماهنگ شباهت دارد. زیرساخت ها می توانند در ارتباطات، مکان ها و ساختمان های خاص باشند که می تواند بر توسعه شهر و مستغلات اثر مطلوب داشته باشد. چراکه در شهرهای جدید، زیرساخت ها هستند که بیش از سایر عوامل در چهره شهر تأثیرگذارند. شهر میناپلیس از جمله مصادیق این رویکرد است. در توضیح ماهیت زیرساخت های شهری می توان گفت زیر ساخت های شهری مقیاس و وسعت های متفاوتی دارد که عبارتند از:

- عناصری مانند خیابان ها و خدماتی که توسعه را امکانپذیر می سازند؛
- سرمایه گذاری بر گونه های خاصی از ساختمان، مانند موزه ها، مدارس، پارکینگ ها و غیره که افزایش میزان سرمایه گذاری را در پیرامون خود به همراه دارد.

نمونه: نمایشگاه ۹۲ سویله در اسپانیا

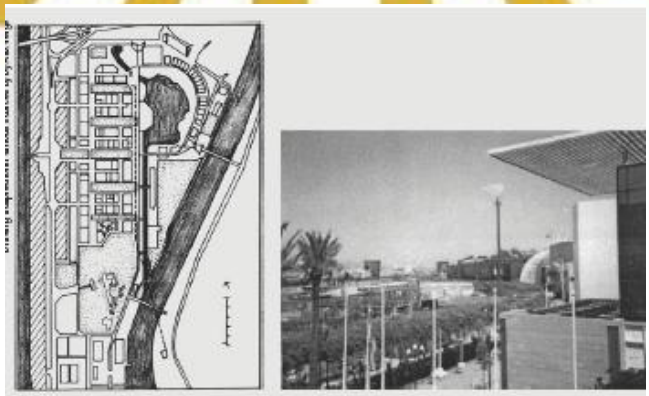
نمایشگاه های جهانی محل عرضه و نمایش معماری و فرهنگ ملل مختلف هستند که جلب گردشگران بین المللی را به همراه دارد. ساخت این نمایشگاه در سال ۱۹۹۲ در شهر سویله به پیشنهاد نخست وزیر وقت اسپانیا مطرح گردید. هدف وی ، معرفی شهر به جهان و جلب سرمایه گذاری برای

احداث فرودگاه، ایستگاه قطار و یک قطار سریع السیر بود. این اقدامات نه تنها زیرساختی برای یک نمایشگاه موفق بلکه محرکی با آثاری پایدار برای شهر فراهم نمود و سبب گردید این شهر به مرکزی برای منطقه پیرامون خود بدل گردد. پس از برگزاری مسابقه ای، امیلوآمباسز و یک گروه از مهندسان اسپانیایی به عنوان برنده اعلام گردیدند. اما پس از آشکار شدن نقاط ضعف طرح های پیشنهادی، از جولیو کانولاسو درخواست گردید که ایده های طرح های برنده را تلفیق و اجرایی گرداند. طرح نهایی ایده ای درون گرا داشت و با چند پل که توسط کالاتراوا طراحی گردید به شهر متصل می شد و فضای عمومی و باز در کنار ساحل داشت.



تصویر۹-۱- پیشنهاد امیلو آمباسز (Lang, 2005: 342)

این پروژه مجموعه متراکمی به نام لاگوداسپانیا در اطراف دریاچه موجود در محل شکل داد که در کنار خود غرفه های بین المللی و محل ساخت و سازهای دائمی مانند برجها را ساماندهی نمود. طرح سایت پلان مجموعه خلاقانه نبود ولی به لحاظ کارکردی کارآمد و دارای وحدتی بصری و فضایی سرسبز بود. پس از اتمام نمایشگاه برخی از غرفه ها جمع آوری شدند ولی برخی از ساختمان ها پابرجا مانده و به سالن های نمایش و موزه اختصاص یافته و بخشی از آن به پارک های علمی، مناطق تفریحی و فضای سبز تبدیل گشتند.



تصویر۱۰-۱- پلان و تصویری از نمایشگاه سویله (Lang, 2005: 343)

۱ ۷ - تخصص های وابسته در طراحی شهری و نقش معماران در این حوزه:

در عرصه طراحی شهری افراد بیشماری مشارکت دارند که هریک به هر نحوی در تصمیمات طراحانه دخالت دارند. افرادی چون:

- سیاستمداران که خط مشی های کلان را برنامه ریزی می کنند؛
- زمامداران محلی و منطقه ای که مجری خط مشی های کلان هستند و در تغییر و توسعه شهرها بر اساس سرمایه گذاری بخش عمومی مشارکت دارند؛
- تشکل های تجاری و مؤسسات خدمات شهری که بر زیر ساخت های کالبدی سرمایه گذاری می کنند؛.
- مشاوران مالی که به بخش های عمومی و خصوصی در مورد نحوه سرمایه گذاری ایشان مشاوره می دهند؛
- مهندسان که زیر ساخت ها، حمل ونقل عمومی و جاده ای را طراحی می کنند؛
- سرمایه گذاران که فرصت های مادی را ارزیابی می کنند؛
- ارگان های نوسازی شهری که با سرمایه گذاری بخش عمومی پروژه های نوسازی را به انجام می رسانند؛
- فراهم آورندگان زیر ساخت ها (گاز، تلفن، و برق...) که در تأمین این بخش از خدمات عمومی سرمایه گذاری می کنند؛.
- گروه های اجتماعی که ضمن پشتیبانی از توسعه در فرایند آن نیز مشارکت دارند؛
- خانه داران و شهروندان که از دارایی و مستغلات خود نگهداری نموده و به آن هویت می بخشند.

اما مهم ترین مسئله ای که در تفکر و حرفه امروزی طراحی شهری به چشم می خورد این است که طراحی شهری، معماری در مقیاس بزرگتر است. در چنین تفکری، تأکید بیش از حد بر طراحی وجود دارد در حالی که شناخت کافی شهر و ساخت کالبدی- فضایی شهر، در طول زمان شکل می گیرد و مانند پروژه های معماری به صورت قطعی قابل خاتمه نمی باشد. برخورد معمارانه با طراحی شهری بدون تردید نادرست و خطرناک است زیرا بر خلاف یک ساختمان که یک شیء است، شهر پدیده ای فوق العاده پیچیده، بزرگ و پویا بوده و تعداد کثیری از استفاده کنندگان را در برمی گیرد. طراحی شهری، طراحی مجموعه ای از بناها توسط معماران نیست! این حرفه به لحاظ بصری با معماری رابطه تنگاتنگی دارد اما به لحاظ کیفیت و رفتاری متفاوت است. با این حال، معماران به لحاظ هندسه، نظم و سبک در شهرسازی نقش به سزایی دارند. طراحی شهری و معماری دارای یک خصیصه مشترک می باشند که تغییر محیط کالبدی با هدف برآوردن نیازهای انسان و افزایش قابلیت مکان برای زندگی انسان است. در

این راستا به تعداد نظریه پردازان این حوزه، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد از رایت تا لوکوربوزیه و از ارسکین تا فوریه.

همانگونه که در تعاریف مختلف طراحی شهری اشاره گردید این حرفه از یک سو با برنامه ریزی شهری و از سوی دیگر با حرفه معماری در رابطه است. اما به طور کلی متخصصین گوناگونی در حوزه طراحی شهری ایفای نقش می نمایند که این نقش به لحاظ میزان پیچیدگی و کنترل، مقیاس و تنوع، زمان، کمیت ها و کیفیت ها و ابعاد طراحانه با تفاوت هایی روبرو هستند. معماران با طراحی بناها و مجموعه بناها و مجتمع ها سروکار دارند و معماران منظر (که بعدها به عنوان حوزه ای مستقل مطرح گردیده و همپوشانی هایی نیز با طراحی شهری دارد) با طراحی باغ، پارک و پلازاها و مهندسان ترافیک با حمل و نقل شهری و مهندسان تأسیسات با سیستم بهداشتی و فاضلاب شهری با حرفه طراحی شهری سروکار دارند. تصویر۱۱ حاکی از آن است که متخصصین طراحی صنعتی که با طراحی در مقیاس های کوچک و خلاقیت سر و کار داشته و محصول آن در زمان کوتاه و با قطعیت حاصل می گردد در رأس هرم قرار دارد. انتهای این هرم نیز به برنامه ریزی منطقه ای ختم می شود که به لحاظ مقیاس، پیچیدگی، زمان، عدم قطعیت نتیجه و میزان کنترل با سایر حوزه های متفاوت است. قرارگیری طراحی شهری در میان این طیف از متخصصین نشان دهنده خصوصیت دوگانه آن است که گاه قابل کنترل و پیش بینی است و گاه غیرقابل کنترل بوده و با پیچیدگی هایی روبروست. در واقع طراحی شهری می تواند با توجه همزمان به محصول و فرایند در طول زمان خلأ میان حوزه معماری را به عنوان طراح ساختمان و برنامه ریزی شهری به عنوان پیش بینی کننده نیازها و تصمیم ساز، پر نماید.

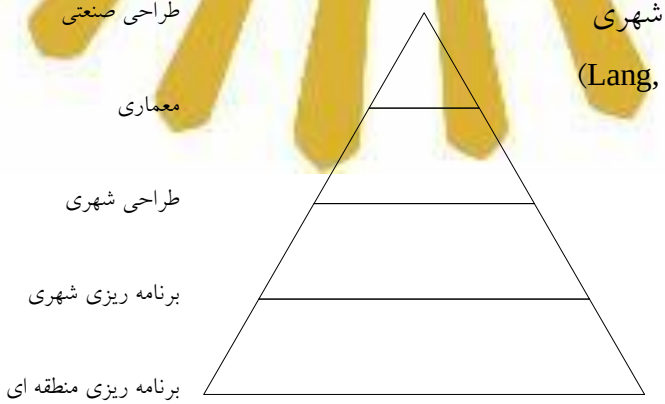
جان لنگ در این باره اشاره می کند که عرصه عمومی شهرها متأثر از عملکرد و تصمیمات چهار گروه از متخصصین می باشد:

۱ -معماران منظر

۲ -مهندسان ترافیک

۳ -مهندسان تأسیسات شهری

٤ - معماران(Lang, 1994:16)



تصویر۱۱-۱- متخصصین حوزه طراحی شهری (بحرینی، ۳۲:۱۳۷۸)

۱ ۸ - جمع بندی:

حوزه امروزه تکنولوژی و ارتباطات جدید شهرها و نقش طراحی شهری را دگرگون نموده است. در این دوران، هر قطعه جدید معماری یا معماری منظر که بر چهره شهر اثر بگذارد طراحی شهری تعریف می شود. در این مرحله سه وجه زیر مورد تعمق هرچه بیش تر معماران و طراحان شهری قرار گرفت:

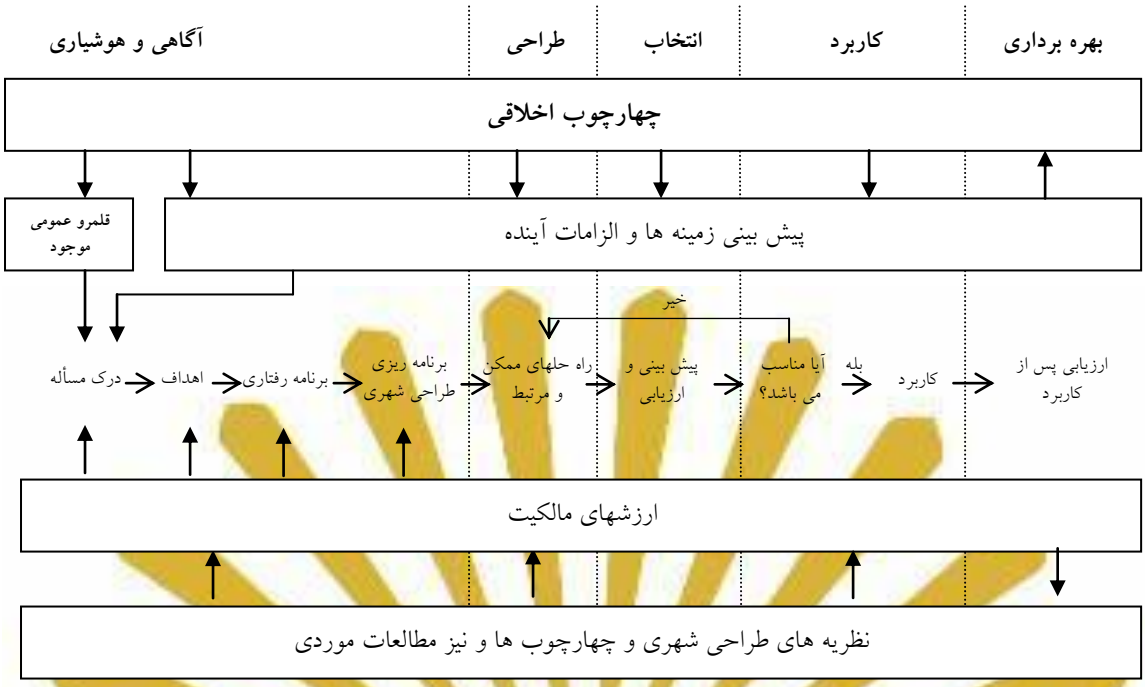
۱ -مسائل عقلانی که با آن روبرو هستند؛

۲ -میزان قدرت و کنترل طراحان شهری در ایجاد نتایج بهتر؛

۳ -عرصه و یا محدوده جغرافیایی فعالیت طراحی شهری.

کامل ترین تعریف از طراحی شهری نگرش فرایندی و کل نگر به این مقوله است که ضمن توجه به ابعاد مختلف زیبایی، عملکرد، تکنولوژی و اقتصاد، بر شناخت مسأله، ارائه راه حل های ممکن و ارزیابی و انتخاب بهترین آن هاست. اصولاً فرایند طراحی شهری شامل شناخت مسأله، آغاز به کار و ارزیابی پس از اجرای پروژه مطرح می گردد ولی به طور دقیق طراحی شهری به دلیل ماهیت خود فرایندی پیچیده دارد. اصولاً فرایند طراحی شهری شامل شناخت مسأله، آغاز به کار و ارزیابی پس از اجرای پروژه مطرح می گردد ولی به طور دقیق طراحی شهری به دلیل ماهیت خود فرایندی پیچیده دارد. در این فرایند در سطح شناخت ابتدا نظام ارزشی جامعه و شکل کالبدی شهر و همچنین محدودیت ها و فرصت ها مورد مطالعه قرار می گیرد. پس از شناخت اهداف و امکانات گروه های ذی نفع، دیدگاه های خود را مطرح می نمایند. در این مسیر، متغیرها و محتوای یک طرح مناسب شناسایی گردیده و مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و پس از پیش بینی نتایج، ارزیابی ها آغاز می گردد. سپس اهداف کوتاه و بلند مدت شکل گرفته و در این خلال ضوابط و استانداردهای طراحی و راه حل های موجود مشخص می گردد و بر این اساس راه حل های موجود مورد ارزیابی قرار می گیرد که به انتخاب یک راه حل یا ترکیبی از چند راه حل منجر می گردد. در مرحله بعد ساستگذاری های طرح و مراحل مختلف آن تبیین می شود که در اجرای آن با مشارکت شهروندان و متخصصان بررسی ها و ارزیابی های مجدد صورت می گیرد که بهینه سازی طرح را به همراه دارد.

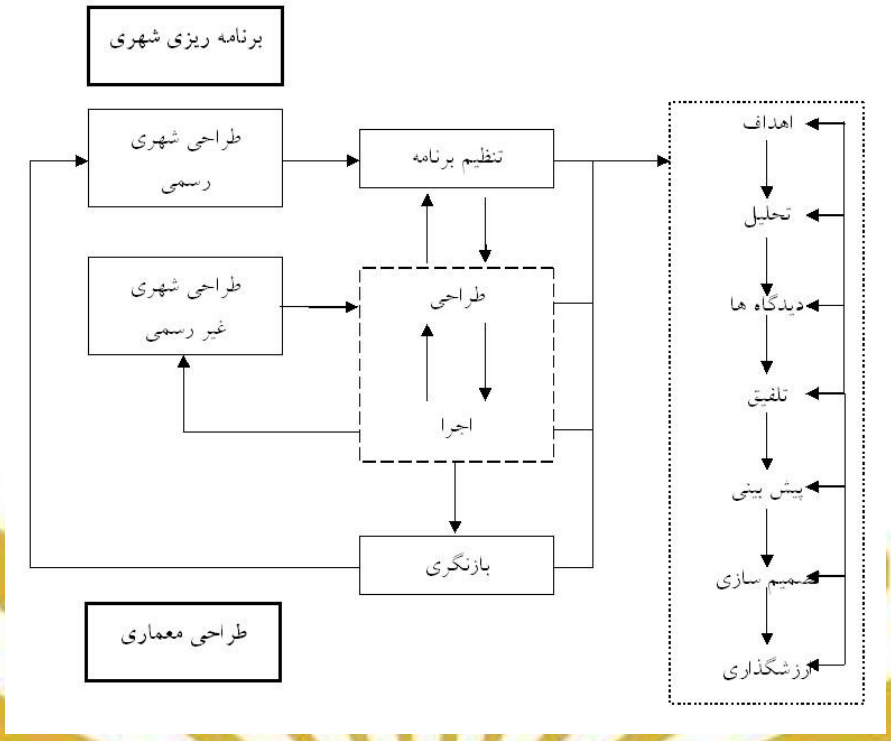
با این تعریف، براساس مدل ذیل، ذهن طراحان شهری پُر از پاسخ های محتمل و نظریه های هدایت کننده است که بر اساس این فرایند وارد عمل می گردد. همانگونه که در تصویر مشاهده می شود مطالعات موردی گرچه در بسترهای اقلیمی و فرهنگی متفاوت صورت می گیرد و خلاقیت نیز در این میان مطرح است ولی آموزنده بودن آن غیر قابل انکار است.



تصویر۱۲-۱- مروری بر فرایند طراحی شهری از دیدگاه جان لنگ

کارمونا نیز با قائل شدن به فرایندی بودن طراحی شهری با توجه به چند جنبه کلیدی آن، مجموعه‌ای از مراحل زیر را توصیف می کند که به دلیل جامعیت آن در این بخش آمده است::

- **اهداف زمینه:** برقراری ارتباط با سایر نقش ها (مخصوصاً کارفرمایان و سرمایه گذاران) و توجه داشتن به واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی، مقیاس زمانی پیشنهادی و خواسته‌های کارفرما و سرمایه گذار؛
- **تحلیل:** جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و نظراتی که می‌تواند راه حل‌های طراحی را شکل دهد؛
- **تصور:** ایجاد و توسعه راه حل‌های ممکن از طریق فرایند تکرارشونده تخیل و ارائه بر مبنای تجربه و دیدگاه های شخصی طراح؛
- **تلفیق و پیش بینی:** آزمودن راه حل‌های به دست آمده برای تعیین گزینه‌های مناسب؛
- **تصمیم‌سازی:** تعیین گزینه‌های غیرقابل قبول و مواردی که باید بیشتر پالایش شده و توسعه یابند، تا به عنوان راه حل طراحی برگزیده شوند؛
- **ارزیابی:** بازنگری محصول نهایی و میزان موفقیت آن. در این مرحله، طراحی شهری فرایندهای هم راستا در برنامه‌ریزی کل شهر، طراحی معماری ساختمان‌ها، مهندسی زیرساخت‌ها و طراحی منظر را در بر می گیرد.



تصویر۱۲-۱- دیاگرامی از فرایند طراحی شهری

به طور کلی تعاریف و دیدگاه های موجود را در تعریف طراحی شهری می توان اینگونه طبقه بندی نمود:

۱ -طراحی شهری اساساً با جنبه های کالبدی و فضایی محیط سروکار دارد، لیکن شکل و فضای شهر به هر حال از عملکردهای آن قابل تفکیک نمی باشد.

۲ -طراحی شهری اقدامی ست در راستای بخشیدن فرم زیبا و عملکرد مناسب به شهر با تمرکز بر توده ساختمان ها، سازماندهی و فضای مابین آن ها.

۳ -فرایندی است که سیری تکاملی دارد. در واقع طراحی شهری همانقدر به محصول کار طراحی توجه می کند که به فرایند و مراحل تهیه و تدوین طرح. این امر سبب می گردد طراحی شهری به فرایندی مبدل گردد که باید در چارچوب تغییرات مداوم محیط تحقق پذیرد و این روند طراحی تا حدود زیادی در نتیجه و حاصل کار نیز موثر است.

٤ -مشارکتی و تعاملی است میان همکاری وسیع گروه های ذی نفع و ذی نفوذ با متخصصین حرفه ای است که گاه با یکدیگر در تضاد هستند.

۵ -حوزه فعالیت طراحی شهری، فضاهای عمومی شهر است، لیکن فضاهای خصوصی نیز می تواند چه به صورت انفرادی و چه جمعی وارد حیطه فعالیت طراحی شهری شود.

٦ -چارچوب زمانی فعالیت های طراحی شهری معمولاً بلند مدت است و محصول آن اغلب نا تمام، نسبی و محدود می باشد.

٧ -زمینه ساز تحولات کیفی در محیط شهری با تدوین مقررات در عرصه ساخت و ساز

٨ -شمول مقیاس های مختلف محیط: منطقه شهری، شهر، بخشی از شهر، پروژه های بزرگ و پروژه های کوچک.

٩ -طراحی شهری به لحاظ محتوا نیز با مسائلی از قبیل: مکان، تراکم، کاربری های مختلف و نحوه همجواری های آن ها، مقیاس انسانی، مقوله فرهنگ و نیز عامل طبیعت در رابطه است.

١٠ - طراحی شهری به عنوان عرصه زندگی اجتماعی انسان ها ضمن توجه به عوامل و ابعاد اقتصادی نباید تحت تأثیر نگاه یکسو نگرانه تجاری و منافع اقتصادی بازار قرار گیرد.

۲ فصل دوم: انسان، شهر و عناصر مختلف آن

۲ ۱ اهداف فصل

در این فصل پیش از ارائه برخی مفاهیم کالبدی و ساختاری شهر، ابتدا مقدمه ای از شهر و شهرسازی و رابطه آن با انسان و عوامل فرهنگی و نیز عوامل طبیعی بستر شهر که نقش مستقیم بر کالبد شهرها دارند آمده است. در ادامه با توجه به تحولاتی که به لحاظ کالبدی در شهرها روی داده و تجارب گوناگونی که در این باره کسب گردیده است، آشنایی با الگوهای مختلف ساماندهی شهر و نظریه هایی که در این باره توسط نظریه پردازان مختلف مطرح گردیده که معرفی ویژگی های آن ها یکی از عمده ترین اهداف این فصل می باشد. علاوه براین دستاورد دیگر این فصل همانگونه که پیشتر ذکر گردید شناخت عوامل کالبدی و نیز عناصر مختلف سازنده شهر می باشد که ضمن آشنایی با این عناصر، به نقش و اهمیت آن در ایجاد رابطه مطلوب میان شهر و شهروندان پرداخته می شود. مبحث پایانی این فصل نیز به معرفی سیمای شهر و عوامل سازنده آن بر مبنای مطالعات کوین لینچ اختصاص یافته است. این مبحث به نقش سیمای شهر در شکل گیری تصویری مطلوب از شهر در ذهن شهروندان که آنان در شناخت کالبد شهر و یافتن مسیر کمک می نماید.

مفاهیم که در این فصل با آن آشنا می شویم عبارتند از:

- آشنایی با مفهوم شهر؛
- رابطه انسان، شهر و مقوله طبیعت و فرهنگ؛
- آشنایی با انواع گوناگون الگوهای ساماندهی شهر و نظریه های مرتبط با آن؛
- آشنایی با بافت و ساختار شهر؛
- آشنایی با سیمای شهر و شناخت عوامل مؤثر در ادارک آن.

۲ ۲ مفهوم شهر

منظور از شهر، منطقه جغرافیایی ست که دارای جمعیت و تراکم جمعیتی مشخص بوده و افراد آن به اموری غیر از کشاورزی اشتغال داشته باشند. اما نکته اینجاست که مبنای جمعیت شهرها در کشورهای مختلف متفاوت است. به عنوان مثال این مبنا در ایران حدود۵۰۰۰نفر، در فرانسه ۲۰۰۰نفر و در هند ۱۰۰۰۰ نفر می باشد. نقاط شهری معمولاً ارتباط و آشنایی فراوانی با ارزش های مادی جدید و شیوه های امروزین زندگی دارند. به عبارت دیگر، نقاط شهری به خاطر ویژگی های مربوط به پویایی خود به عنوان جامعه ای باز، همواره شاهد تحولات ارزشی، فرهنگی و دگرگونی در نظام هنجاری خود

می باشند. به طور کلی شهر، بزرگترین نماد تمدن بشری است که انسان آن را برای امنیت، آسایش و رفاه خود بنا نهاده است. این محصول بشری، تأثیری دائمی و فراگیر بر زندگی وی داشته و خواهد داشت. شهر که مجموعه‌ای از ابعاد کالبدی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، انسان را در سطحی بسیار وسیع و در بستری از ارتباطات پیچیده، به سویی رهنمون می‌سازد که علی‌القاعده باید در راستای دست‌یابی او به کمال انسان باشد. از سوی دیگر شهر، فقط یک سکونت‌گاه نیست بلکه عرصه ای ست که روح اجتماع را متبلور کرده و از آن هویت می‌گیرد. لذا شهر هویتی برخاسته از فرهنگ شهرنشینان خود دارد که در شهر انعکاس یافته و به آن هویت می بخشند و در عین حال نسل‌های بعدی ساکنانش را در خود پرورش می دهد.

شهر، به منزله سکونتگاه انسان و مجموعه ای از عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط ساخته ی دست بشر می باشد که توسط سیاستمداران، قانون گذاران، توسعه دهندگان، مهندسین تأسیسات، معماران، برنامه ریزان، تاجران و مالکان شکل می گیرد. در تعریف شهر رویکردهای گوناگونی وجود دارد و متخصصین حوزه های مختلف نگاه متفاوتی به این امر دارند. برخی از نظریه پردازان شهر را براساس تفاوت مشاغل موجود در آن در مقایسه با روستا تعریف می کنند. برخی دیگر شهر را بر پایه سیما و منظر آن و گروه دیگر براساس سبک زندگی و نوع روابط متفاوت افراد در شهر و روستا تعریف می نمایند. در این میان تعاریف متفاوتی وجود دارد که در ادامه آمده است:

- **تعریف عددی**: مبنای این تعریف جمعیت شهر و ارائه حداقل جمعیت برای شناخت یک سکونتگاه به عنوان یک شهر است با این مبنا که ۲۵۰۰ نفر حد جمعیت شهری می باشد. این تعریف ضمن آن که روشن و صریح است ولی نمی تواند تعریف جامعی باشد.
- **تعریف تاریخی**: در این تعریف شهرهایی که به لحاظ تاریخی به آن ها واژه شهر اطلاق می گردیده است به عنوان شهر شناخته می شوند.
- **تعریف حقوقی**: این تعریف به تفاوت های ساختاری شهر و روستا با لحاظ نظامات اداری، اقتصادی، صنایع و نظامی تکیه دارد.

عوامل گوناگونی مؤثر در رشد شهرها مؤثر می باشند که برخی از آن شامل موارد ذیل است:

۱ – افزایش صنایع در شهرهایی که منابع مازاد یا منابع کافی باشند؛

۲ – صنعتی و تجاری شدن تحت تأثیر فنون تازه که مصداق بارز آن انقلاب صنعتی به شمار می رود؛

۳ – توسعه حمل و نقل و ارتباطات؛

٤ – کشش اقتصادی شهر به دلیل رونق اقتصادی در شهرها؛

۵ – عوامل فرهنگی و ابزار گذران اوقات فراغت که با وجود مؤسسات آموزشی، بنیادهای فرهنگی و پیدایش مراکز دانشگاهی شکل تازه ای به خود گرفته است.

شهرها به لحاظ عملکردی و یا ویژگی های خاص خود، انواع گوناگونی دارند که به شرح زیر است:

۱ –شهرهای صنعتی؛

۲ –شهرهای تجاری و بازرگانی؛

۳ –شهرها به عنوان مراکز و پایتخت های سیاسی؛

٤ –شهرها به عنوان مراکز فرهنگی؛

۵ –شهرها به عنوان مراکز تفریحی و دیدنی؛

٦ –شهرهای مختلط یا چند کارکردی.

۲ ۳ -تاریخ مختصری از تحولات شهر:

لوئیس مامفورد از متفکرین برجسته قرن بیستم در مشهورترین اثر خود یعنی «شهر در تاریخ پیدایش و توسعه»، مفهوم شهر را در دوران مختلف مورد بررسی قرار داده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲ ۳ ۱ –شهرهای دوران باستان:

نخستین مشخصه این شهرها گذار از دهکده به شهر، افزایش جمعیت و گسترش نواحی ساخته شده است. هدف این شهرهای نخستین، خدمت به اهداف خدایان بوده نه اهداف انسان ها. جنبه مادی گرفتن عقاید و ایجاد نقش های جدید و متفاوت برای شهروندان که هنجارها و ارزش های اخلاقی، آداب و رسوم، معماری و در نهایت شهرها را دگرگون کرد از جمله خصوصیات شهرهای این دوران است.

۲ ۳ ۲ –شهرهای قرون وسطی:

ساخت متناسب با اقلیم، عدم تمرکز، درنظر گرفتن مقیاس انسانی در ساخت شهر، اهمیت ابعاد زیباشناسانه، مشارکت شهروندان و روابط صمیمانه آن ها از جمله ویژگی های شهرهای این دوران است. به لحاظ شهرسازی، شهرهای قرون وسطی از هسته مرکزی با منحنی های ارگانیک در اطراف آن تشکیل شده بود که غالباً به شکل مدور، هسته شهر را حفاظت می کرد. اجزای اصلی شهرهای این دوران عبارت بودند از: قصر، صومعه، کلیسای جامع، تالار شهر و تالار اصناف بود. غافلگیری بازدیدکنندگان و مواجهه ناگهانی با فضاهای باز نیز از جمله ویژگی های شهرهای دوران قرون وسطی به شمار می رود. در این شهرها، تمرکز بر حرکت پیاده به جای تأکید بر وسایل چرخدار و

طراحی خیابان های باریک با نمای منظم است که در برابر شرایط اقلیمی از عابران حفاظت می کنند.

۲ ۳ ۳ –شهرهای دوران باروک:

به دلیل آن که مامفورد اعتقاد داشت شهرسازی دوران پس از قرون وسطی در تداوم شهرسازی آن دوران است پس از معرفی آن دوران به بررسی شهرهای دوران باروک می پردازد و نظم و قدرت را مشخصه آن می داند. علاوه براین، ارتش و دیوان سالاری نیز دو مشخصه نظام شهری جدید بودند. خیابان نیز واحد اصلی برنامه ریزی شهری در دوران باروک بود که سایر عناصر مانند: محله ها، خانه ها، مغازه ها و کلیساها تحت تأثیر آن شکل می گرفتند. در این دوران، کارکرد کلیسا به سایر بخشها منتقل گردید. به عنوان مثال آموزش به مدارس و ازدواج به دادگاه ها انتقال یافت.

۲ ۳ ٤ –توسعه تجاری و زوال شهر:

در قرن هفدهم میلادی همزمان با ظهور سرمایه داری و توسعه بازار، بانکها و صرافی ها، شهرها دچار کاهش روابط اجتماعی گردیدند. شهرها به صورت تولیداتی استاندارد درآمدند و فعالیت های مختلف آن که برای کارکردی خاص طراحی نشده بودند به راحتی قابل جایگزینی با یکدیگر بودند. در این دوران زمین به کالایی جهت سودجویی و معامله بدل شد و حمل و نقل سریع از جمله ویژگی های بارز شهر گردید و شهرها گسترش یافتند. اما این تغییرات، آلودگی، تراکم و زندگی اجتماعی نابسامان و پر از خشونت را به همراه داشت. به تعبیر پاتریک گدس شهر به نیمه زاغه، زاغه و اَبَرزاغه تغییر یافت.

۲ ۳ ۵ –شهرهای دوران صنعتی:

اجزای اصلی شهر صنعتی، کارخانه، معدن و راه آهن بود و این شهرها مکان تبادل کالا و محصولات بودند تا بستر ارتباطات انسانی. در این شهرها جای هنر، علم و فرهنگ خالی بود. هسته اصلی شهر را کارخانه ها تشکیل می داد که در مجاورت خود مراکز سکونتی را ساماندهی می کرد. کمبود فضاهای شهری، خانه های بدون نور و فاقد کیفیت مطلوب و گسست پیوندهای اجتماعی به همراه آلودگی هوا و صدا و نیز تخریب طبیعت، همه و همه از جمله ویژگی های شهرهای این دوران به شمار می رود.

۲ ۳ ٦ –حومه شهر:

پدیده حومه شهری در واکنش به شرایط غیربهداشتی شهرها بود که طبقه مرفه جامعه را به خود

جلب نموده و سبب گسترش شبکه حمل و نقل و گران شدن زمین در این مناطق و گسترش بی رویه آن گردیده بود. اما این امر، خصوصی شدن بیش از حد زندگی به سمت خانواده و محروم شدن افراد از روابط اجتماعی را نیز به همراه داشت.

۲ ۳ ۷ -شهرهای معاصر:

رشد شهرها و ارتباط میان آن ها شکل گیری مادر شهرها را در این دوران در پی داشت. عصر آسمانخراش ها، روابط پیچیده، انحصار طلبی های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، کنترل یک جانبه مردم با وسایل ارتباط جمعی، شکل گیری مؤسسات بیمه، ظهور احزاب و گروه های سیاسی و اقتصادی، انسانی وحشت زده و شهری خالی از معانیِ انسانی را به همراه داشت. این تحولات، بازنگری مفهوم شهر را ورای مکانی برای تجارت و حکومت و به عنوان نهادی انسانی که نمادی از پیوند شهر، انسان و طبیعت است، طلب می کند.

۲ ٤ -انسان، شهر، فرهنگ وطبیعت

طراحی شهری مستلزم توجه به ابعاد مختلف زمینه خود می باشد. به طور کلی پروژه های طراحی شهری در هر مقیاسی که باشند در زمینه محلی خود قرار گرفته و آن را تقویت و یا تضعیف می کنند. بنابراین تمامی فعالیتهای طراحی شهری درون کلی بزرگتر، قابل ارزیابی هستند. قاعده طلایی فرانسیس تیبالدز به این امر اشاره دارد که: زمینه ها اولین مؤلفه های سازنده طراحی شهری موفق هستند. در واقع کیفیت منحصر به فرد هر مکان شاید با ارزش ترین منبع در دست طراحان شهری باشد و بنابراین به عنوان یک پاسخ مطلوب، ارجحیت با طرحی است که به شخصیت و زمینه محلی احترام می گذارد و به آن توجه می کند. در این رابطه لازم به ذکر است که نه تنها کیفیت زیباشناختی یا تاریخی بستر یا زمینه بلکه کیفیت اجتماعی یا فرهنگی محیط ارزشمند و قابل توجه و ملاحظه است.

بوکانان معتقد است که زمینه فقط شامل محدوده بلا فصل نیست بلکه تمام شهر و شاید حتی ناحیه پیرامونش را نیز شامل الگوی کاربری زمین، ارزش زمین، منظر طبیعی، اقلیم، اهمیت تاریخی و سمبولیک، روابط فرهنگی- اجتماعی، شاخصه های خاص و ویژه هر مکان و موقعیت آن در شبکه بزرگتر حمل و نقل و دسترسی را نیز در بر می گیرد.

در این میان عوامل مختلفی وجود دارند که بدون توجه به آن، تعامل مطلوب انسان و شهر که هدف اصلی طراحی شهری ست برآورده نخواهد شد، عواملی چون: اقلیم، خرداقلیم محلی، شناخت بستر طبیعی، شکل زمین، عوارض طبیعی، تهدیدهای محیطی و منابع آب و غذا و ابعاد فرهنگی و اجتماعی مانند: اهداف و انتظارات شهروندان، الگوی مالکیت زمین، فرهنگ ساکنین و نحوه تعاملات اجتماعی با سایرین. توجه به زمینه تنها توجه به کالبد مکان نیست بلکه افرادی که آن مکان را خلق، تصرف و

استفاده می کنند نیز حائز اهمیت اند. شناخت زمینه های اقتصادی، اجتماعی، محلی و تفاوت های فرهنگی، مکان های شهری را قابل فهم نموده و امکان تبلور آن را در کالبد شهرها فراهم می سازد.

همزمان با تغییر زمینه های تکنولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، محیط شهری نیز دستخوش تغییر می گردد. این تغییرات غیرقابل اجتناب و غالباً ضروری هستند. تا پیش از انقلاب صنعتی، تغییر در محیط مصنوع به آرامی صورت می گرفت ولی پس از آن، سرعت و مقیاس تغییرات وسعت یافت. در پی یکنواختی که جنبش مدرن در معماری و شهرسازی با خود به همراه داشت، ظهور پست مدرن و در پی آن دیکانستراکشن، گرایشات تازه ای را در طراحی محیط های سرزنده تر و خوشایندتر در رابطه با تجربه جهان از پیرامون خود پدید آمد. این گرایشات تنها در جستجوی فرمی زیبا نبوده و در پی خلق طراحی مطلوب با نگاه به انسان و نیازهای او بود که موفقیت خلق محیط مصنوع را در چهارچوب ویژگی های فرهنگی–اجتماعی بستر آن و حتی توجه با مسائل محیط زیست و پایداری آن می دید. در این رابطه مقوله فرهنگ یکی از مهم ترین عوامل می باشد که در وهله اول تعاریفی از آن آمده است.

۲ ٤ ۱ -عامل فرهنگ:

به طور کلی فرهنگ دارای دو جنبه فردی (ارزش ها) و جمعی (اعتقادات و تجارب روزمره زندگی یک گروه) می باشد. این واژه در معانی گوناگونی چون رشد و توسعه مهارت های عقلی، دستاوردهای هنری انسان، مصنوعات ساخته دست بشر و حتی ایده آل های مشترک گروهی از مردم، تعریف می شود. راپاپورت با تأکید بر چندگانگی این تعاریف آن ها را در قالب سه محور زیر طبقه بندی می کند:

۱. روش زندگی مشترک میان یک گروه؛
۲. سیستمی از نشانه ها و مفاهیم ذهنی در تعبیر استعاره ها و نشانه ها؛
۳. راهبردهای سازگاری و تطابق با دنیای پیرامون و رابطه با منابع اکولوژیک.

با این نگاه، فرهنگ خصیصه ای انسانی می باشد که گروه ها را از یکدیگر متمایز می سازد. مقوله فرهنگ از اجزاء متفاوتی تشکیل شده است: سیستم های ارزشی و نیز دانش و تکنولوژی که به معنای کاربرد مؤثر دانش می باشد. در متغیرهای سازنده فرهنگ، مسائل اکولوژی مانند اقلیم و سکونتگاه نیز نقش دارند. در این راستا کل چرخه برنامه ریزی، طراحی، ساخت و کاربرد، متأثر از مقوله فرهنگ است. حوزه طراحی و داوری آن متأثر از ارزش ها، حوزه برنامه ریزی متأثر از مهارت ها (دانش تکنیکی) و حوزه ساخت متأثر از دانش و تکنولوژی بوده و کاربرد نیز از بخش عملی (مهارت) از دانش و تکنیک و نحوه به کارگیری آن ها تکیه دارد.

۲ ٤ ۲ شهر و فرهنگ:

اگر شهر را نماد و تجسمی از فرهنگ ساکنین آن بدانیم، طراحی شهری یکی از عرصه هایی ست که

می تواند مصداق تبلور مقوله فرهنگ در کالبد شهرها باشد. این امر توجه طراحان شهری را با اتخاذ روش ها و فرایندهای مناسب، جهت شناخت جنبه های کالبدی و نمادین فرهنگ و در نتیجه انتخاب شکل مطلوب شهری به فراخور ویژگی های فرهنگی آن شهر، طلب می کند. در این فرایند است که ارزش هایی که می باید حفظ شده و مورد تأکید قرار گیرند، شناسایی می گردد. در غیراینصورت رابطه انسان با گذشته، فرهنگ و خواسته های او قطع شده و یا ممکن است برخی از گروه های فرهنگی نادیده گرفته شوند. چراکه انسان در حباب های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی و محیطی احاطه شده است. بنابراین تعامل او با مکان هیچگاه در تعادل نخواهد بود مگر آن که ویژگی های این حباب های گوناگون مورد توجه قرار گیرد. این امر ضمن پاسخگویی به نیازهای انسان، روح تمایز و تفاوت نیز به جوامع می بخشد و بازتابی از روح اجتماعی فرهنگی شهروندان می باشد. به عنوان مثال، پیش بینی فضاهای عمومی، ضمن ایجاد بستری برای برخوردهای اجتماعی مطلوب شهروندان، می تواند فرصتی برای برگزاری مراسم مختلف اجتماعی و فرهنگی می باشد و این امر می تواند به توسعه رابطه میان انسان و شهر نیز کمک کند.

به علاوه، انسان براساس ترجیحات و خاطرات خود و براساس باورهای خود که ریشه در فرهنگ او دارد مکان را ارزیابی نموده و از آن براساس الگوهای رفتاری خود که آن هم ریشه در فرهنگ او دارد، استفاده می کند و در آن به فعالیت می پردازد. چنین نگرشی در مقیاس های مختلف شهری مؤثر خواهد بود و شکل و اندازه مطلوب شهر و حتی ساختارهای فضایی مورد نیاز در شهر و محلات را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدون توجه به این امر، شهرهایی خلق می شوند که تنها برای استفاده روزمره خلق شده اند و نه برای نیازهای انسان در سطوح بالاتر. با این نگاه، مقوله مشارکت، بستر مناسبی برای شناخت نیازهای گروه های مختلف فرهنگی و تبلور آن در کالبد شهر به شمار می رود که کیفیت مطلوب شهر را برای همه اقشار و ارتقاء حس و اعتماد به نفس و لحاظ شدن همه گروه ها را نیز در پی دارد. بنابراین خلاقیتِ طراح نیست که شهر را می سازد بلکه مردم نیز احساس می کنند در آن نقش دارند.

اگر از زاویه هویت فرهنگی نیز به این مقوله نگاه کنیم عنایت به این امر، حفظ و تداوم هویت های فرهنگی که طعم های گوناگون به شهر می بخشند را نیز به همراه دارد. چندان که مراکز محله، بازار و مساجد در عین آن که جزء اصلی ساختار ایرانی–اسلامی هستند در عین حال جزء لاینفک فرهنگ آن نیز می باشند. اصولاً طراحی شهری نیازمند حساسیت و توجه به تفاوت های فرهنگی است، این فرض که اصول طراحی شهری مناسب، جهانی و قابل انتقال بین فرهنگهای مختلف است، تهدیدی است برای محو کردن و ازبین بردن گوناگونی فرهنگی.

از سوی دیگر، رابطه فرهنگ و محیط رابطه ای دو طرفه است. در غالب موارد، انتخاب مردم، فرهنگ

خاصی را ایجاد می کند که محیط زندگی آن ها را می سازد و موجب تقویت آن می شود. شهرها در واقع بیان کننده و منعکس کننده مدل آرمانی انسان ها براساس تصاویری از محیط زیست آرمانی و مبتنی بر فرهنگ آن ها می باشند که کالبد شهرها آن را به طور نسبی به تصویر می کشد. چنانچه کالبدِ شهر را تعاملی یک طرفه و تابع هویت یک قوم یا جهان بینی خاص بدانیم، کالبد شهر نمی تواند عنصری هویت ساز فرض شود. بنابراین فرض معقول تر این است که بپذیریم هر فرهنگ، خصوصیات و ویژگی های خاص خود، هنر، معماری و ساختار کالبدی شهرهای آن قوم را شکل می دهد و همین میراث کالبدی در میان همه ساکنان و بیشتر در نسلهای بعدی به عنوان عنصری هویت ساز شکل می گردد که این امر به معنای رابطه ای دو سویه میان کالبد شهر و فرهنگ آن است.

۲ ٤ ۳ -شهر و طبیعت:

شهرها تضاد غیرقابل انکاری با طبیعت دارند چنانکه برخی از بلایای طبیعی نابودی شهرها را در پی دارد و شکل گیری شهرها، آلودگی و از بین رفتن طبیعت را به همراه می آورد. یکی از اصلی ترین عوامل تعیین کننده در فرایند طراحی شهری نحوه برخورد با طبیعت و توجه به مباحثی چون: پایداری محیط زیست، کاهش اثرات جبران ناپذیر ناشی از مداخلات بشر در آن و سازگاری هرچه بیشتر با طبیعت می باشد. این همان امری ست که در شهرهای کویری ایران، استفاده از سرداب ها، گودال باغچه ها و بادگیرها را پدید آورده و ساختار شهر، فرم، جهت گیری معابر و ساختمان ها، نحوه توزیع فضاهای باز و بسته و حتی توزیع کاربری ها را متأثر نموده است. نیروهای طبیعی شامل: شکل زمین، ویژگی های خاک و اقلیم، از طریق تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر شکل سکونتگاهها تأثیر می گذارد. هدف آن است که سکونتگاه شهری نسبت به مجموعه ای از ویژگی های منحصر به فرد طبیعت پیرامون خود سازگاری حاصل می کند. این ویژگی ها رشد و توسعه مراکز شهری را در به طور عمومی مشخص و هدایت می کند. علاوه براین نیروهای طبیعی در تعیین محل دقیق استقرار شهرها نیز تأثیرگذارند، چراکه موقعیت شهرها تابعی از ویژگی ها و ظرفیت های موجود در طبیعت هستند که برخی از آن ها در ذیل آمده است:

- منطقه محدود شده میان ویژگی های طبیعی متضاد مانند شهرهایی که در حد فاصل مناطق تپه ای و پست قرار گرفته اند و موقعیت مطلوبی به لحاظ تبادلات و تولید محصولات دارند؛
- منطقه تمرکز راه ها که به دلیل شکل طبیعی زمین در نقطه ای خاص به یکدیگر می رسند و امکان شکل گیری جاده ها و راه آهن را فراهم می کنند؛
- وجود منابع طبیعی خاص مانند معادن که به دلیل استخراج برخی عناصر مورد توجه قرار می گیرند؛

- مناطق ساحلی و شکارگاه های طبیعی.

عوامل طبیعی علاوه بر آن که در پیدایش شهر و نحوه توسعه آن نقش دارند می توانند شکل و یا توسعه آن را با محدودیت هایی روبرو سازند. چنانکه برخی از شهرهای ساحلی، الگویی خطی دارند و یا وجود موانع طبیعی در مسیر رشد شهر، آن را به شهری چند هسته ای مبدل ساخته است. به طور کلی، در مواجهه با مقوله شهر و طراحی شهری ابعاد گوناگونی از طبیعت باید مورد توجه قرار گیرند که در ادامه به آن اشاره گردیده است.

۲ ٤ ۳ ۱ اقلیم:

همانگونه که در منابع گوناگون به آن اشاره گردیده کالبد شهرها تابعی از اقلیم آن است(بحرینی، ۱۳۷۸). چراکه این امر بر نحوه ساخت و ساز، نوع مصالح و نحوه ساماندهی بناها درسطح شهرها و الگوی شکل گیری شهرها و سکونتگاه ها اثر می گذارد. تفاوت میان شهرهای واقع در اقلیم گرم و خشک مانند یزد و شهرهای سردسیر و کوهستانی مانند سنندج به وضوح قابل ادراک است. عدم توجه به این عامل، منجر به صرف هزینه و انرژی گردیده و گاه می تواند تأثیری نامطلوب بر طبیعت داشته و حتی آلودگی محیط پیرامون خود را به همراه داشته باشد. عامل باد با توجه به مطلوب و نامطلوب بودن آن و نیز شدت و جهت آن، دما در ساعات مختلف شبانه روز و سال، میزان بارندگی، رطوبت، تابش آفتاب و کیفیت هوا از جمله عوامل اقلیمی هستند که می باید مورد توجه طراحان شهری قرار گیرند. بنابراین برای ایجاد نوعی همزیستی مسالمت آمیز، هماهنگ و پایدار میان سکونتگاه و طبیعت و کاهش مصرف منابع، شهرها گاه می باید مورد بازنگری قرار گیرند. بنابراین می توان ادعا کرد رابطه ای دوسویه میان طبیعت و شهر وجود دارد.

۲ ٤ ۳ ۲ ویژگی های طبیعی منطقه:

این بُعد از ویژگی های طبیعی، از ابتدای شکل گیری شهرها جلوه گر است. شکل گیری شهرها در سواحل رودخانه ها، دشت های سرسبز و دره ها و یا شکل گیری شهرها در کوهستانها جهت برقراری امنیت شهر، نشان دهنده اهمیت این مقوله است. با این نگاه، امکان دسترسی به آب، توپوگرافی و در عین حال دید منظر به طبیعت پیرامون، از جمله نکات قابل تعمق هستند. به علاوه توجه به پوشش گیاهی منطقه و لزوم حفظ آن و در عین حال اهمیت آن به لحاظ کاهش آلودگی صوتی، تعدیل جریان باد نامطلوب، حفاظت از خاک، بهبود شرایط اقلیمی و جنبه های زیباشناسانه آن در سلامت جسمی و روحی افراد نیز از جمله موارد حائز اهمیت در برخورد با طبیعت می باشد.

۲ ٤ ۳ ۳ -زمین شناسی

در رابطه با مقوله زمین شناسی، عوامل مختلفی ایفای نقش می نمایند که شامل: جنس خاک، مکانیک خاک و عکس العمل های آن در برابر فشار، رانش و یا نشست زمین است. زمین هایی که در معرض لغزش هستند مانند نواحی کوهستانی به دلیل ناپایداری لایه های خاک و زمین های ماسه ای اشباع شده به دلیل مواجهه با خطر نشست زمین از جمله مواردی هستند که باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر ممکن است در هر شهر مناطقی وجود داشته باشد که به لحاظ ویژگی های طبیعی و بکر آن و یا نقش اکولوژیکی و زیباشناسانه آن، به عنوان سرمایه های ملی و طبیعی مطرح گردد که حفظ آن، اولویت اول هرگونه اقدام طراحانه بوده و می باید از هرگونه تغییر یا خللی در آن ها ممانعت به عمل آید. عامل دیگر در این رابطه خطرات و بلایای طبیعی مانند گسل های زلزله و مسیل ها می باشد که ساخت و ساز در این محدوده را ملزم به رعایت مواردی چون اجرای حریم مناسب و برخی دستورالعمل های خاص در این زمینه می نماید.

۲ ٤ ۳ ٤ -شهر به مثابه اکوسیستم:

یان داگلاس متخصص جغرافیای طبیعی پیشنهاد نمود که می توان شهر را به عنوان اکوسیستمی که انرژی و آب را دریافت نموده، سر و صدا، تغییرات آب و هوایی، فاضلاب، زباله و آلاینده تولید می کند در نظر گرفت. بنابراین آب پاکیزه به عنوان مایه حیات و نیز انرژی دو عنصر مهم در شهرها هستند که تعیین کننده رشد شهرها هستند. ولی دربرابر این هدیه طبیعت، شهرها گرمایش زمین و آلودگی را به طبیعت هدیه می کنند که در عین حال سبب کاهش کیفیت زندگی شهری نیز می گردند. علاوه براین، گاه برای بهبود و رشد شهر، دخل و تصرف های آگاهانه ای نیز مانند تغییر مسیر رودخانه ها انجام می گیرد. بنابراین نگاهی دوباره به این تعامل نامطلوب، لزوم بازنگری سیاست های طراحی شهری و به کارگیری تمهیداتی چون: به کارگیری و گسترش فضای شهر، افزایش حمل و نقل عمومی و کنترل رشد و گسترش توسعه شهرها (که رشد اتومبیل، آلودگی و سروصدا را به همراه دارد) را طلب می کند. این اقدامات باید متضمن پایداری شهرها و محیط زیست باشد که اهمیت آن در شهرهای کشورهای درحال توسعه مشهود تر است. چراکه شهرها در ابتدای پیدایش خود تأثیرات محیطی اندکی دارند اما با گسترش صنعت تأثیرات مخرب ماندگاری را به آن تحمیل می کنند که جبران آن گاه غیرممکن بوده و هزینه های گزافی را به شهرها تحمیل می کند. به علاوه، این امر به لحاظ عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد توسعه پایدار نیز حائز اهمیت است. به همین دلیل ایده شهرهای مستقل و خودکفا با هدف توسعه پایدار مطرح گردید که شهر کورتیبا در برزیل از نمونه های آن محسوب می شود. کنترل رشد مرکز شهر، اتکاء به حمل و نقل عمومی، پیش بینی مسیرهای پیاده، توزیع عملکردها در شعاعی که به راحتی در دسترس

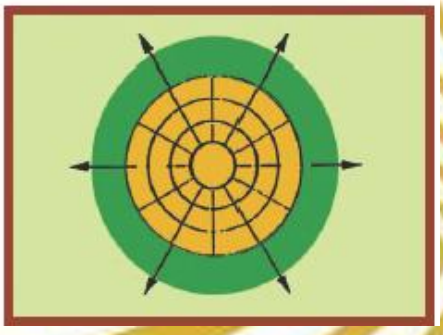
پیاده قرار دارد از جمله اقدامات انجام گرفته در شهرهای مذکور می باشد. چنین رویکردی به طبیعت که جنبش پارک شهری را پدید آورد تأثیرات غیرقابل انکاری در برخی از شهرهای جهان مانند نیویورک، سواحل شیکاگو، پارک های لندن و پاریس به جای گذاشت. امروزه دخل و تصرفات آگاهانه در طبیعت، عامل ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت شهرها محسوب می شود که در عین حال آن ها را به محیطی دلپذیر بدل می کند.

۲ ۵ الگوهای ساماندهی و مدل های شهری

همانگونه که پیش تر به آن اشاره گردید فرهنگ، طبیعت و ایده های نظریه پردازان شهری تأثیرات فراوانی بر کالبد شهرها دارند که الگوهای مختلفی در شکل و نحوه توسعه شهر را پدید آورده اند. بنابراین با توجه به اهمیت این امر، در ادامه به معرفی برخی از الگوهای مذکور پرداخته شده است.

۲ ۵ ۱ نظریه دوایر متحدالمرکز(هسته ای):

این نظریه به نوعی از ساختار شهری اشاره دارد که از مرکز به سمت خارج توسعه می یابد و قشرهای مختلف با پایگاه های اجتماعی مختلف در محدوده های مشخص به فاصله ای مشخص از مرکز قرار می گیرند. این لایه ها به ترتیب شامل: مراکز تجاری، اجاره نشینان، طبقات متوسط و بالای اجتماعی، اغنیا، تکنوکرات ها و صاحبان صنایع و در نهایت منطقه ارتباطی می باشند.

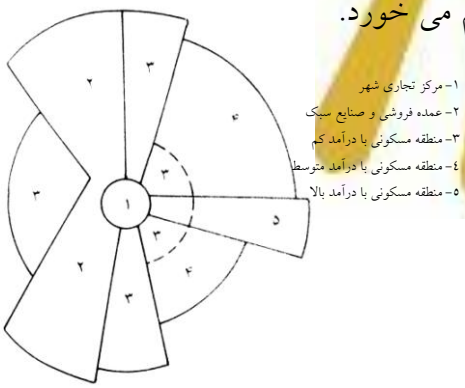


تصویر۲-۱-شهر هسته ای

از دیدگاه برگس این تفکیک و لایه بندی سبب گردیده است که منطقه دوم و یا حوزه اجاره نشینان به دلیل جابجایی های مستمر با مسائل اجتماعی مختلفی روبرو گردد. در این محدوده،ه خشونت، بزهکاری، فقر و گسسته شدن خانواده ها به چشم می خورد.

۲ ۵ ۲ مدل قطاعی

این مدل توسط هومر هویت در سال ۱۹۴۳ مطرح گردید. در این مدل شهری، بخش های مختلف صنعتی، تجاری و مسکونی با شبکه ای از راه آهن و شاهراه ها با یکدیگر در رابطه قرار می گیرند. این نحوه ارتباطات، قشرهای مختلف اجتماعی را نیز به



تصویر۲-۲-مدل شهر قطاعی

یکدیگر نزدیک می کند.

۲ ۵ ۳ مدل چند هسته ای

در این مدل، مراکز گوناگون با تخصص های گوناگون توسعه می یابند که در عین حال با یکدیگر در رابطه اند. این مراکز شامل: منطقه صنایع سنگین، خرده فروشی، فعالیت های مزاحم و غیرمجاز، مراکز عمده فروشی، منطقه حمل و نقل سنگین، منطقه صنایع سنگین جدید، منطقه و حومه های مسکونی و حومه های صنعتی می باشند. در چنین ساختاری گرایش به سمت خارج کردن مراکز عمده فروشی و صنایع سنگین به خارج شهر جهت کاهش آلودگی های محیطی وجود دارد.



تصویر۲-۳- شهر چندهسته ای

۲ ۵ ٤ شهر ستاره ای:

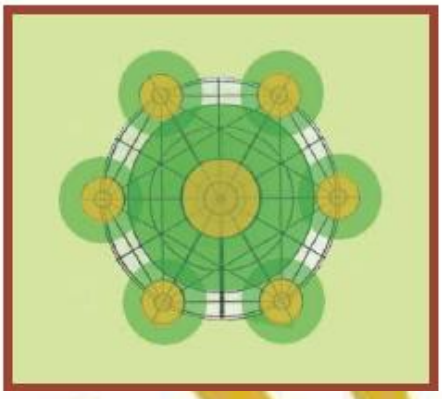


تصویر۲-٤- شهر ستاره ای

این الگو بهترین شکل برای شهرهای متوسط تا بزرگ می باشد. چنین شهری دارای یک مرکز شهری اصلی با تراکم زیاد و کاربری های مختلط است که راههای اصلی ارتباطی(شبکه های حمل و نقل) به آن منتهی می گردد. در فضای مابین این محورها فضاهای سبز شکل می گیرند و در فواصل مشخصی از مرکز شهر بزرگراه های کمربندی قرار می گیرند که در محل تقاطع آن ها با محورهای اصلی، ساختمان های مهم شهر شکل می گیرند.

در این الگو، علاوه بر مرکز اصلی شهر، مراکز درجه ۲ با تراکم کم نیز شکل می گیرند که امکان دسترسی مطلوب را به حمل و نقل عمومی دارند. نظریه شهر ستاره ای بر پایه ایده های هانس بلومفیلد مبنای طراحی شهرهایی چون: واشینگتن، کوپنهاگ و مسکو قرار گرفت. انتقادی که بر این الگو وارد است، لزوم نظارت در فضاهای سبز مابین محورهاست که به دلیل افزایش وسعت آن با دور شدن از مرکز و مشکلات دسترسی با دشواری هایی روبرو می باشد. بنابراین الگوی مذکور برای شهرهای متوسط مناسب تر است.

۲ ۵ ۵ شهرهای اقماری:



تصویر۲-۵- شهر اقماری

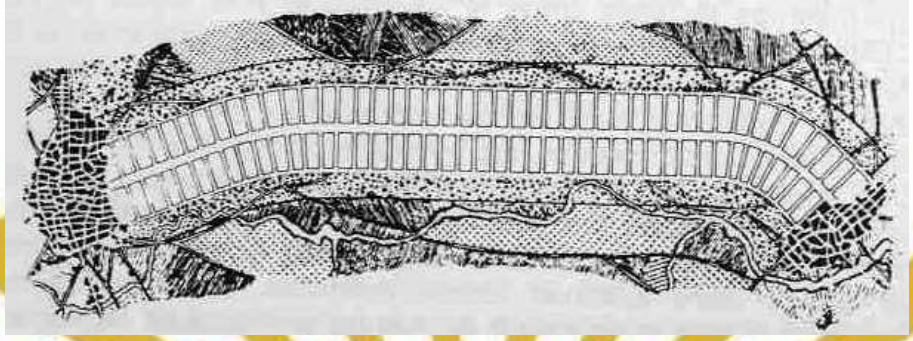
این الگو با شهرهای هسته ای در رابطه می باشد به این معنا که شهرهای اقماری به فواصل معینی از شهر مرکزی قرار می گیرند. با این تفاوت که به جای افزایش محورهای اصلی، مراکز جدید به صورت شعاعی به آن اضافه می شوند. این ایده با هدف کنترل توسعه شهر و ابعاد شهرک های اقماری مطرح گردید. این شهرک ها به وسیله اراضی کشاورزی از شهر مادر جدا می شوند که هریک دارای مرکز و خدمات خاص خود بوده و با کمربندی سبز محصور می گردد.

مبنای جمعیت در این گونه شهرها از ۲۵۰۰۰ نفر تا۲۵۰۰۰۰ نفر می باشد. نمونه کلاسیک این ایده توسط ابنزرهاوارد در باغشهرهای فردا مطرح گردید که در نوشهرهای انگستان مورد توجه قرار گرفت. این نظریه با ایده های دیگری چون محله و اشکال مطلوب مسکن نیز تلفیق شده است. یکی از انتقادهای اساسی به این الگو، اندازه آن است چراکه شهرهای بزرگ نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی به همراه دارند. علاوه براین، با آن که به لحاظ ارائه خدمات دارای مزیت است ولی با وجود کمربندی های سبز که توسعه را مهار می کند، مدیریت و اداره این شهرها پیچیدگی ها و تضادهای فراوانی دارد.

۲ ۵ ٦ شهر خطی:

این نظریه علیرغم آن که در نظر بسیار به آن پرداخته شده ولی در عمل کمتر مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً در شهرهای که با محدودیت های طبیعی(سواحل و یا دره ها) مواجه بوده مورد بهره برداری قرار گرفته است. این نظریه بر پایه یک محور پیوسته حمل و نقل و یا چند محور موازی که کلیه فعالیت های متراکم تولیدی، مسکونی، تجاری و خدماتی را در امتداد خود جای می دهد قرار دارد. در این ایده، فعالیت های کم تراکم و ناسازگار، در فضای پشت و در محورهای موازی محور اصلی قرار می گیرد. ساکنین ساختمان هایی که در امتداد محور اصلی قرار دارند بهترین موقعیت را به لحاظ دسترسی به حمل و نقل در بخش جلو و به لحاظ آرامش در بخش پشت ساختمان، در اختیار دارند. در این الگو، مرکز عمده و شاخص وجود ندارد و خدمات به فواصل معینی از یکدیگر توزیع می گردند که در فاصله مناسب جهت دسترسی پیاده قرار گرفته اند. در این الگو که توسط سوریاای ماتا در مادرید برای اولین بار مطرح گردید، شبکه حمل و نقل عمومی کارآیی بیشتری از

سایر الگوها دارد. این ایده به وسیله لوکوربوزیه در فرانسه و گروه مارس در لندن و در طراحی شهرهای برادکر و استالینگراد مورد استفاده قرار گرفت. البته این الگو نارسایی هایی مانند عدم وجود مرکز و سفرهای طولانی درون شهری دارد. به علاوه در این الگو خطر اختصاص یافتن محور اصلی به عنوان موقعیت بهتر برای گروه ها و طبقات اجتماعی و اقتصادی خاص نیز وجود دارد.



تصویر۲-٦- ایده شهر نواری (خطی) سوریای ماتا

۲ ۵ ۷ شهر شطرنجی منظم:

برخلاف شهرهای خطی، شهرهای بیشماری بر پایه الگوی شطرنجی ساخته شده اند که مبتنی بر شبکه مستطیل شکل معابر و بلوک های یکنواخت است. در این الگو، نقاط دارای دسترسی های برابر بوده و قطعات آنها دارای وضعیتهای متفاوتی هستند. در این الگو می توان معابر را برپایه سلسله مراتب احداث نمود بدون آن که شبکه کلی تحت تأثیر قرار گیرد. این ایده در گذشته نیز در شهر های ژاپن، چین، یونان و امریکای جنوبی به کار گرفته شده است. این الگو نیز دارای معایبی مانند سفرهای طولانی و غیر ضروری می باشد. برطرف نمودن این مشکل مستلزم پیش بینی راه های مورب میان بلوکهاست که تقاطع های نامناسب را به همراه دارد. تنها راه حل، تدابیری مانند سلسله مراتب خیابان های اصلی و محلی و پیش بینی راه های فرعی می باشد.

الگوی شبکه های شطرنجی انواع متفاوتی مانند الگوی شطرنجی غیرمنظم و شبکه های منظم مثلثی نیز دارد که با تغییراتی شبکه های شش ضلعی را نیز شامل می شود که تقاطع های نامناسب داشته که آن را در عمل ناموفق نموده است. شهر دهلی نو از جمله مصادیق این الگو می باشد.

۲ ۵ ۸ شبکه محوری باروک:

این الگو از چند نقطه شاخص به لحاظ بصری تشکیل شده که اتصال آن ها با یکدیگر مثلثی را پدید می آورد که محورهای اصلی شهر را شکل می دهد. تداوم و هماهنگی نما در محورهای اصلی مذکور، از شاخص های شهرهای باروک است که فعالیت های مهم و خاص، تراکم بالا و طبقات بالای اجتماعی را در خود جای می دهد. این الگو در قرن شانزدهم در روم مورد استفاده قرار

گرفت. در شهر واشینگتن نیز توسط لونفان مورد بهره برداری قرار گرفت که شهری به یادماندنی خلق کرد. این الگو در شهرهای متوسط مناسب تر خواهد بود.



تصویر۲-٦- نمونه ای از یک شهر باروک

۲ ۵ ۹ طرح مشبک توری:

این طرح به مجتمع های زیستی کم تراکم با راه های ارتباطی عریض و فضاهای باز اشاره دارد. ترکیبی از الگوهای شطرنجی و خطی بوده ولی به اندازه آنها متراکم نیست. این الگو که از برخی مناطق روستایی امریکا الهام گرفته شده، توانسته است تا حدودی از معایب الگوی خطی بکاهد. در صورت حل مسائل حمل و نقل می تواند الگوی مطلوبی در ساخت شهرها محسوب شود.

۲ ۵ ۱۰ - شهر درون گرا:

این شهرها که شهرهای اسلامی یکی از مصادیق آن است در بسیاری موارد به عنوان جاذبه توریستی به شمار می رود. در این الگوها لایه های مختلف شهر از جمله فضاهای مسکونی، خانه ها و اطاق ها درونگرا و دارای در و دروازه طراحی می شوند. الگوی راه در این شهرها برپایه سسله مراتب شکل می گیرد که در نهایت به کوچه های تنگ و بن بست منتهی می گردد. الگویی مانند شاخه و تنه اصلی درخت دارد که حتی برخی از معابر ممکن است در ساعات شب مسدود گردد. فضاهای شهری منحصر به تقاطع ها و خیابان ها می باشند. در محورهای اصلی شلوغ و متراکم و در حیاط های مسکونی آرام و خلوت است. هر محله، دارای مسجد یا کلیساست که در آن گروه های مذهبی متفاوت در محلات مختلف زندگی می کنند و حس محرمیت از خصوصیات بارز آن است.

۲ ۵ ۱۱ - شهر آشیانه ای:

این الگو از برخی مبانی نظری هندسی گرفته شده است. در این الگو نیز شهر در حصاری قرار می گیرد ولی منظم بوده و فاقد کوچه های تنگ و باریک است. این الگو از حلقه های مختلف و تودرتو

تشکیل شده است که هرکدام از آن به گروه خاص و مذهبی متفاوت اختصاص دارد. مرکز چنین شهرهایی جنبه تقدس دارد. خیابان ها به موازات شهر شکل می گیرند و برای مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می گیرند.

۲ ۵ ۱۴ – برخی ایده های نو:

ایده پردازی های طراحان معاصر، همواره الگوهای تازه ای را در مورد شکل شهر مطرح نموده است. نظریه کلان شکل ها که خطوط ارتباطی و تجهیزات شهری جزئی غیر قابل انفکاک از ساختار مطرح می گردد از آن جمله اند. در این ایده فضاهای باز شهر بر بام ها و تراس ها شکل می گیرند که بر تراکم بالا در فضاهای مسکونی گرایش دارد. طرح کنزوتانگه برای بندر توکیو به صورت خطی، طرح های پائولوسالری و و شهرهای احداث شده آت کامبرنالد در اسکاتلند است که جذاب و در عین حال پیچیده و پرهزینه اند از جمله مصادیق نوآوری در خلق شهر می باشند.

باکمینستر فول نیز حت تأثیر پیشرفت های تکنولوژی، طرح زندگی در حباب های شفاف عظیم را مطرح کرد تا به این طریق افراد بتوانند از شرایط جوی در امان باشند. برخی از ایده ها نیز به موقعیت خاص شهر اشاره دارد مانند شهرهای شناور ریچارد مایر و یا شهرهای معلق پال شیربات در دل اقیانوس که انرژی خود را از خورشید و مواد غذایی خود را از دریا تأمین می کند و یا ایده شهرهای زیرزمینی یا فضایی ، همگی به ایده های نظریه پردازان شهری اشاره دارند. در ادامه نظریه هایی که توانسته اند تحولاتی در شهرسازی پدید آورند مورد بررسی قرار گرفته اند.

۲ ۶ -مروری مختصر برنظریه ها و تحولات شهرسازی

ناکس اشاره می کند که اصولاً حرفه برنامه ریزی برپایه حل برخی بحران ها و پاسخ به آن ها شکل گرفته است. مانند بحران سلامتی (اپیدمی)، بحران اجتماعی (اعتصابات) و سایر بحران ها مانند آتش سوزی و سیل و مشکلاتی از این دست. نظریه های شهری به طور کلی در تصور مدینه فاضله یا شهر آرمانی ریشه دارند. جنبش روستا– شهر و دیدگاه هایی که هدف آن کاهش فقر و اثرات آن بود از این جمله اند. کمتر طراحی شهری است که شناخت کامل و درستی از عملکرد پیچیده شهر داشته یا برای دستیابی به چنین شناختی تلاش نماید. حقیقت این است که طرح هایی که بدین گونه تهیه می شود فاقد معنی، ارزش و اعتبار لازم می باشند. طراحی شهری معنی دار آن است که بهبود کیفیت زندگی شهروندان را به همراه داشته باشد. برای این منظور طراحی شهری باید هدفمند بوده و در ایجاد فرایندهای بلند مدت توسعه و یا کمک به آنها به عنوان کاتالیزور عمل نماید و در عین حال متکی بر ارزش های والای انسانی باشد. بر این اساس طراحی شهری فرایندی مستمر است که محصول آن فضاهای باز، بلوک های شهری، خیابان ها و محلات می باشد. اگر طرحی با شکست روبرو می شود

بدین علت است که فرایندهایی که در شکل دهی پروژه مؤثرند مورد توجه قرار نمی گیرد.چراکه فرایندها فعالیت را بوجود می آورند و به فضا معنی می بخشند. فرایند شکل گیری «مکان» را می توان در دوره های زمانی خاص و با توجه به ویژگی های فرم/ عملکرد/ معنای آن بررسی کرد. این امر سبب نیاز به انعطاف پذیری طراحی و محافظه کاری در ارائه راه حل های قطعی می شود، تا آنجا که برخی اساساً از طراحی شهری به عنوان فرایند یاد می کنند. بنابراین طراحی شهری و نظریه پردازی در این باره امر کار ساده ای نیست زیرا طراح به جای اندیشیدن به شکلی واحد و تمام شده و یک عملکرد خاص، می باید توانایی تجسم و پیش بینی ترکیب های متفاوتی از شکل ها و عملکردها را داشته باشد.

۲ ٦ ۱ -جنبش پارک:

این جنبش برپایه معماری منظر و طراحی باغ شکل گرفت که به سمت عرصه های عمومی شهری گرایش داشت و توسط فردریک لاو اُلمستد[1] که مسئول طراحی پارک مرکزی نیویورک در سال ۱۸۵۷ گردید مطرح شد. هدف وی تفکیک حرکت پیاده و سواره، حمایت از عملکردهای فعال و غیرفعال شهروندان، جمع آوری آب های سطحی و نگاهی اخلاقی به مقوله طراحی بود. ایده ی وی برنده طراحی پارک های مختلفی در آبشار نیاگارا، بوفالو و شیکاگو گردید. ایده مشترک او به همراه واکس طبیعت گرا و ارگانیک بود تا به این طریق بتواند تأثیر مطلوبی بر ساکنین خود ایجاد نماید. اساس تفکر وی شامل موارد زیر است:

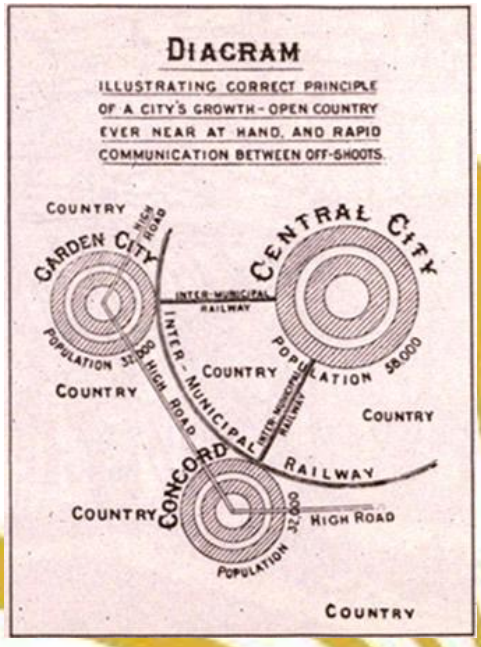
- تأمین چشم انداز و دید مطلوب با جزئیات بیشتر؛
- ارتقاء بهداشت جسمی و روانی؛
- کاربری مختلط؛
- کاهش تضاد میان طبقات اجتماعی؛
- تأکید بر ارزشهای خانوادگی و مذهبی؛
- خلق فضاهایی مناسب و درخور که وبژگی های طبیعی محیط را محترم بشمارد.
- طراحی الگوها و سبک های جدید با عنایت به دو مقوله: خلق فضای آرام با استفاده از درختان و آب و طراحی بدیع با استفاده از پوشش فضای سبز و طبیعت بکر؛
- تأمین خدمات با هدف برآوردن نیازهای روحی و اجتماعی؛
- توجه به نحوه تأثیر عناصر مختلف شهر بر مردم و نگاه هنری و خلاقانه به فضا؛



تصویر۲-۷- پارک مرکزی نیویورک

[1] Frederick Law Olmsted

– جداسازی محدوده های مختلف با الگوهای مختلف، جداسازی معابر سواره و پیاده با هدف برقراری امنیت و کاهش تضادها



تصویر۲–۸–نظریه ابنزرهاوارد

۲ ٦ ۲ –نظریه ابنزر هاوارد:

وی اولین نظریه پرداز جنبش مدرن در زمینه شهرسازی بود که به خلق فضایی سلامت برای ساکنان شهرها و روستاها گرایش داشت. رویکرد وی سه قطب را معرفی می کرد:

– شهر: که مرکز فرصتها، اشتغال و دستمزد بالا بود.

– روستا: که مبتنی بر زیبایی طبیعی، هوای تازه و کرایه های ارزان قیمت بود.

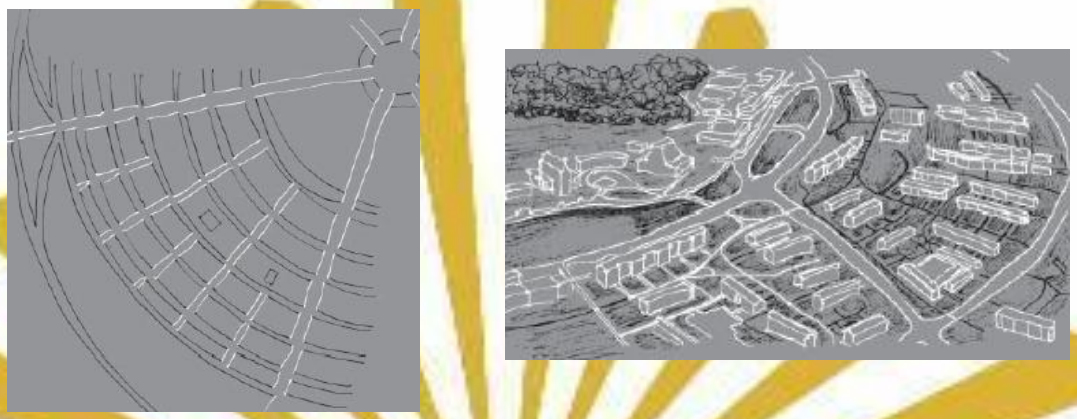
– روستا– شهر: که ترکیبی از دو هسته شهر و روستا به شمار می رفت.

ایده باغشهرها توسط این نظریه پرداز با هدف تمرکز زدایی از شهرها، تعادل و تساوی اجتماعی، ترکیب جاذبه های شهر و روستا، پایه ریزی حومه نشینی و جدا نمودن مرکز شهر از حومه با استفاده از فضای سبز مطرح گردید. این باغشهرها با این تفکر که هریک خودکفا بوده و صنایع و شاغلین خاص خود را دارند شکل گرفتند. محدودیت جمعیتی این شهرها حدود ۳۰۰۰۰ سکنه بود که به لحاظ توسعه کالبدی نیز با کمربندی سبز پیرامون خود محدود می گردید. در واقع طرح این نظریه با هدف آنکه بتواند شهری فشرده، مفید، سلامت و زیبا خلق نماید شکل گرفت. هاوارد در این ایده، شهر را به صورت دوایر متحدالمرکزی مطرح نمود که در مرکز این دوایر بناهای عمومی قرار گرفته بودند و دایره بیرونی نیز مشتمل بر زمین های زراعی بود که بخشی از آن به کارگاه ها و کارخانه ها اختصاص می یافت. در بخش مرکزی شهر پارکی پیش بینی گردیده بود که ضمن جای دادن بناهای عمومی در خود منظره ای زیبا برای بناهای پیرامون خود فراهم می نمود. در این ایده تنها یک ششم مساحت شهر به ساخت ابنیه اختصاص یافته و مابقی به فضای سبز تعلق می گیرد. از جمله مصادیق آن شهرهای لچ وُرث و ولوین در انگلستان می باشد.

- **نقد نظریه ابنزرهاوارد:**

این نظریه چنانکه وی پیش بینی می کرد مورد استقبال نگرفت ولی با تغییراتی دوباره مطرح گردید و چندین شهر بر این اساس تحت عنوان باغشهر شکل گرفتند. البته نمونه های کمی نیز که براین اساس

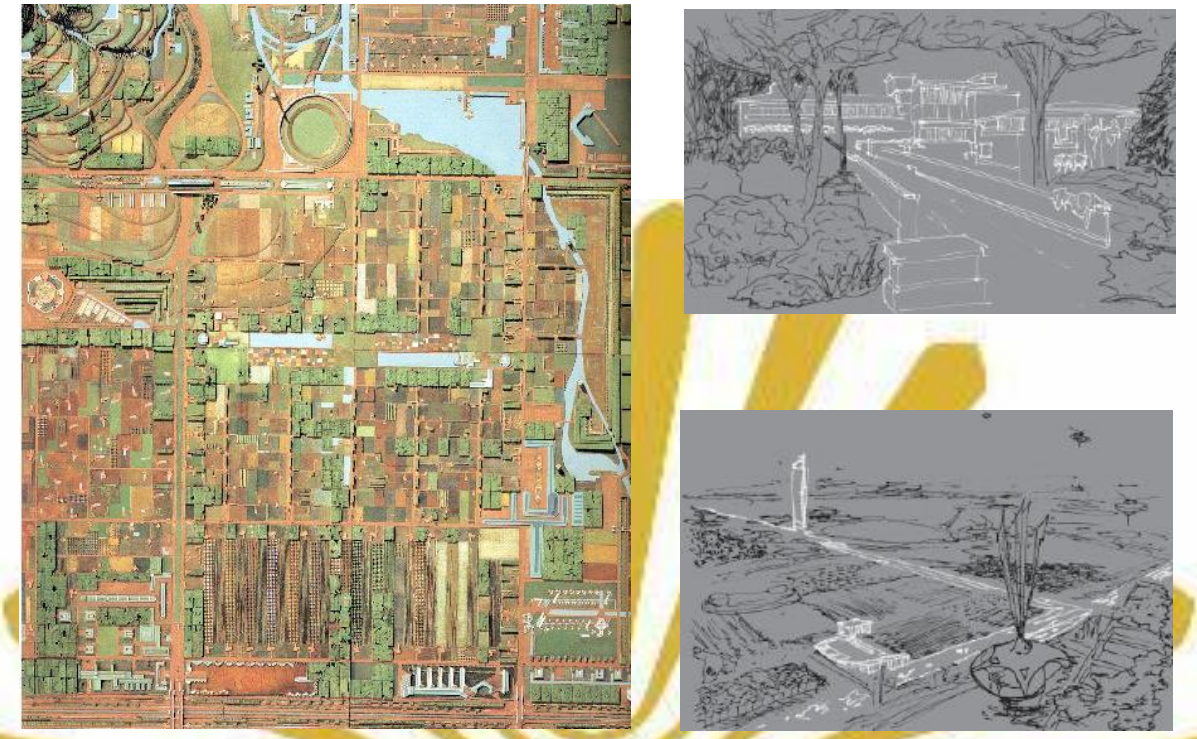
ساخته شدند چندان موفق نبودند. در حالی که این الگو، به نحو بارزی قابلیت منظرآرایی با گل ها و گیاهان را داشت ولی تنها یک فرد بی خانمان کافی بود تا این چهره زیبا را برهم بزند. با این همه لوئیس مامفورد نظریه هاوارد را مؤثرتراز سایر جنبش های طراحی شهری ارزیابی می کند. امروزه تفکر باغشهر منجر به شکل گیری شهرهای حومه گردید که افراد هر صبح از آن خارج گردیده، جهت کار به شهر می آیند و در شب دوباره به آن باز می گردند.



تصویر۲-۹- نمایی از نظریه ابنزرهاوارد

۲ ٦ ۳ -نظریه فرانک لویدرایت:

فرانک لوید رایت بر این باور بود که فردیت انسان ها باید در شهرها حفظ گردیده و هرفرد حق مالکیت زمین داشته باشد. با این نگاه، عدم تمرکز در شهر سبب می گردد تا هر فرد بتواند محدوده زندگی و مالکیت خود را داشته باشد. این نحوه برنامه ریزی شهر، تمرکززدایی را فراتر از ایده محله های هاوارد برده و نشان می دهد که این شهرهای کوچک می تواند برای خانه های مستقل فردی مناسب تر باشد. با این نگرش، مراکز اجتماعی به هزاران خانه ای منتقل می شود که حومه شهر را دربرگرفته اند. البته این ایده همزمان با رشد ظهور روز افزون اتومبیل و زمانی بود که اغلب مردم به صورت نیمه وقت در کارخانه، اداره و یا مغازه و نیز در مزرعه خود در حومه شهر کارمی کردند. شهر برادکر در سال ۱۹۳۵ بر پایه این تفکر و شبکه های وسیعی از شریان های شهری که در میان خود ویلاهای بزرگ را در زمین های وسیع جای داده بودند شکل گرفت. علاوه براین در این محدوده ها مزارع کوچک، صنایع سبک، منظرآرایی، مناطق تفریحی و سایر خدمات شهری نیز پیش بینی گردیده بود. شبکه ای از شاهراه ها این مناطق را به یکدیگر پیوند می زد و خدمات به نحوی منطقی و با فاصله ای معقول به لحاظ دسترسی پیش بینی شده بودند.



تصویر۲-۱۰- نمایی از نظریه لویدرایت و شهر برادکر

- **نقد دیدگاه لویدرایت:**

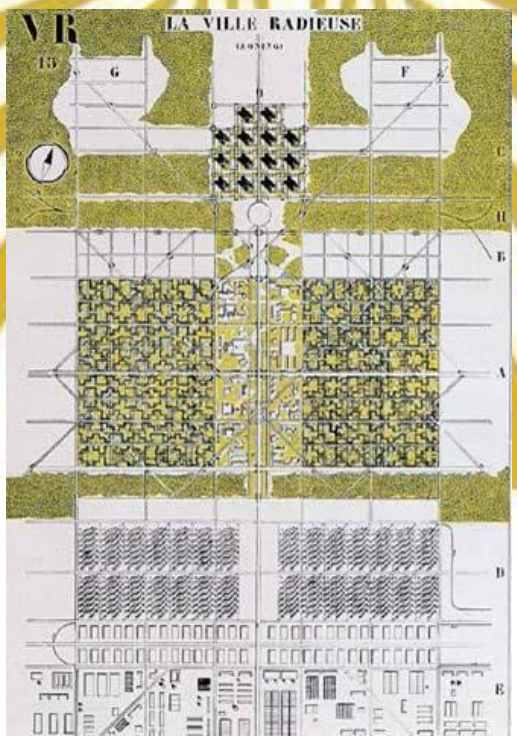
این تفکر به طور وسیعی توسعه فضاهای شهری حومه ای و نیز بازسازی شهرها را پس از جنگ جهانی دوم متأثر نمود. تنها اشتباه رایت آن بود که اعتقاد داشت این تفکر نه تنها جالب، سالم و به لحاظ بصری خوشایند است بلکه به لحاظ فرهنگی و اخلاقی نیز موجب ارتقاء محیط خواهد شد. دیدگاه رایت در برابر آینده بسیار خوش بینانه و مبتنی بر رشد و توسعه روزافزون شهرها بود. امریکائیان با اشتیاق فراوانی رویای وی را در توسعه بزرگراه ها و شهرها تحقق بخشیدند که نتیجه آن کابوس امروز را برای برخی از شهرهای امریکا به همراه داشت.

۲ ٦ ٤ -نظریه لوکوربوزیه:

برنهام و لوکوربوزیه تحت تأثیر جنبش زیباسازی شهر و گرایش به هنر فرانسه و معماری کلاسیک ایده هایی را در مورد شهر مطرح نمودند. برِنهام ایده شهر منظم و تمیز، زیبا و معقول و واضح و دور از ابهام را مطرح نمود. در این میان، لوکوربوزیه این باور را داشت که دولت می باید کنترل بیشتری بر هماهنگی توده ساختمان ها داشته باشد. وی برخلاف رایت که شهر را بسیار متراکم ارزیابی می نمود اعتقاد داشت

که شهرها هنوز تراکم لازم را دارا نیستند! لوکوربوزیه گرایش به سمت آسمانخراش ها و خیابانهای عمودی و حتی آن چه وی خیابان در آسمان می نامد داشت که امکان تراکم بیش تر را با حذف روح شهرهای کهن فراهم نمی نمود. بیرون از حلقه مرکزیِ فضاهای مسکونی، مرکز شهر قرار داشت و در ورای آن کمربندهای متفاوتی از خانه های آپارتمانی دارای فضای سبز باز قرار می گرفتند. در دیدگاه وی سطوح مختلف مسیرها از شاهراه ها و مسیرهای اتومبیل گرفته تا مسیرهای اختصاصی پیاده، وجود داشت. علاوه براین وی اعتقاد داشت شهر ها نیز برای موفقیت باید همراستا با سرعت رشد و توسعه در تکنولوژی و ساخت ماشین حرکت کنند و بازتابی از عصر سرعت باشند فعالیت کنند. طرح اولیه شهر رادیانتِ لوکوربوزیه مبتنی بر بزرگراه ها، تنها مدل رشد و توسعه شهرها در دوران پس از جنگ گردید. ایده این شهر با ایجاد نوآوری توانست در دوران افسردگی و جنگ، مردم را به لحاظ آن که شهرهای موجود بسیار فرسوده بودند جذب نماید. اساس تفکر لوکوربوزیه را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- تراکم ۱۲۰۰نفر در ایکر در آسمانخراش ها؛
- تراکم ۱۲۰نفر در هر ایکر در خانه های مجلل؛
- سیستم حمل و نقل چندلایه جهت کنترل ترافیک؛
- پیش بینی فضای باز با وسعت ٪ ۹۵-۴۸ مساحت، جهتِ اختصاص به فضاهای سبز، میادین، زمینهای ورزشی، رستوران ها و تئاترها در آن؛
- دسترسی سریع و آسان به محدوده های حفاظت شده (کمربندهای سبز و فضاهای باز).



تصویر۲-۱۱- طرح شهر رادیانت بر پایه نظریه لوکوربوزیه

- **نقد نظریه لوکوربوزیه:**

لوکوربوزیه نیز مانند رایت می دانست که شهرها هیچگاه به یکباره شکل نخواهد گرفت ولی حداقل می توان مدلی از آن ساخت. شهر رادیانت در ساخت و سازهای پس از جنگ به ویژه در امریکا، بسیار تأثیرگذار بود و این امر بود که چهره شهرها را به ساختمان های چند طبقه که نمادی از شهرهای مدرن بود بدل نمود. مشکل بزرگ این تفکر، سادگی و عدم انعطاف پذیری آن است. لوکوربوزیه چنین تفکراتی را در چاندیگار هند و سپس در سائوپلو در برزیل، الجزیره و فرانسه نیز بدون توجه به موقعیت و زمینه آن مورد آزمون قرار داد که نتیجه اش تجربه شکست بود. این شیوه پیرو استانداردسازی غیرانسانیِ نامناسب بود. در این شیوه فضاهای باز به دعوت کننده نبوده و به لحاظ اجتماعی نیز تخریب کننده بود. جزء اصلی این دیدگاه، بلند مرتبه سازی بود که چهره شهرهای بازسازی شده را شکل داد و این نوع از سکونتگاه به بافت شهری نیز آسیب رساند. امروزه این پروژه های عظیم در حال تبدیل به قطعات کوچک هستند و جای خود را به خانه های ردیفی که خیابان ها و پیاده راه ها را شکل می دهد داده اند.

۲ ٦ ٥ -طراحی شهری در دوره انقلاب صنعتی پس از سال ۱۸۵۰ میلادی:

طراحی شهری در این دوران پاسخی بود به مشکلات و مسائلی که در آن دوره وجود داشت. شهرها در آن دوران با مشکلاتی چون:

- معضلات اجتماعی و شرایط نامطلوب به لحاظ سلامتی؛
- مشکل سکونت، عدم امنیت و مسائل اقتصادی و اجتماعی روبرو بودند.

۲ ٦ ٦ -آغاز قرن بیستم میلادی

در این دوران نیازهای فوری پس از جنگ، ضرورت توجه به فضاهای سبز و باز، فراهم نمود خدمات و تراکم لازم بود که جنبش های مختلفی چون: ایده باغشهرهای هاوارد، شهرهای صنعتی گارنیه و بلند مرتبه سازی لوکوربوزیه را به همراه داشت. در این میان تحولات موازی نیز شکل گرفتند که شامل خانه هایی برای اقشار کم درآمد، ایده واحدهای همسایگی کلرانس پری که در شهر رادبرن بوسیله هنری وایت و کلرنس اشتاین به کار گرفته شد می باشند. این دوران نظریه های مختلفی را تجربه نمود که در ادامه آمده است:

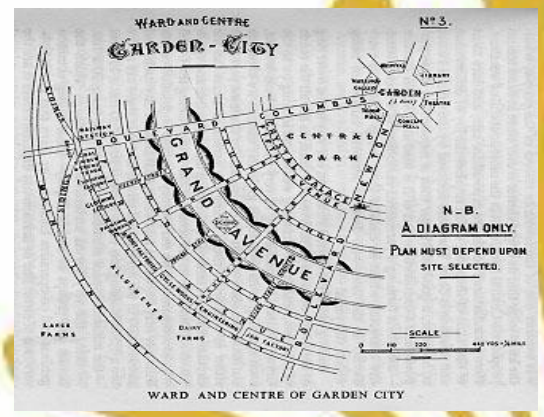
الف- خردگرایان: این جنبش به پیش بینی شیوه زندگی مردم در آینده می پرداخت که ایده لوکوربوزیه از مصادیق آن است.

ب- تجربه گرایان: این دیدگاه بر پایه تجارب گذشته مردم و طراحان به نظریه پردازی می پرداخت که

نمونه آن نظریه واحدهای همسایگی کلرنس پری است. در این رویکرد ساماندهی مرکزی به جای خطی مورد استفاده قرار گرفت و به خلق نشانه ها، سلسله مراتب دسترسی، جداسازی مسیرهای پیاده و سواره، طراحی فضاهای نشیمن و اتاق خواب که مشرف به فضای سبز و طراحی پارک ها به عنوان فضاهای سبز ارتباطی که تداوم حرکت پیاده را در شهر فراهم می کردند تأکید داشت. این رویکرد دارای مزایایی چون کاهش سفرهای درون شهری و دسترسی آسان به خرید و خدمات بود.

ج- شهرهای کوچک با کمربند سبز **پیرامون آن:**

این تفکر تلفیقی از مفهوم شهر و روستا بود. این نسل از متفکرین بر مجموعه های مسکونی سرزنده، طراحی طبیعت گرا و حمل و نقل عمومی تأکید داشتند.



تصویر۲-۱۲- نمایی از ایده باغشهر ها (شیعه، ۱۳۷۹:۳۷)

۲ ٦ ۷ -دوران پس از ۱۹۵۰

در این دوره، نوخردگرایی در جستجوی الگوی ایده آل برای زندگی آینده مانند(بلند مرتبه سازی) و نو تجربه گرایی با گرایش بومی گرایی(مانند نظریه های راب کریر) و رویکرد طبیعت گرا (مانند هنتر و بتلی) براساس زندگی روزانه مردم و فرایند مشارکت در طراحی مطرح گردید. این دو گرایش تشابهاتی نیز با یکدیگر داشتند به این ترتیب که هر دو در پی بهبود وضعیت کالبدی و حل مسائل اجتماعی، تأکید بر توسعه حومه شهری با تکیه بر اتومبیل و نیز طراحی محلات بودند. دوران پس از سالهای ۱۹۵۰ نیز بستر تحولات و نظریه های گوناگونی بود که ذیلاً به آن اشاره گردیده است.

۲ ٦ ۷ ۱ -توسعه واحدهای برنامه ریزی شده (PUD)[1]

این رویکرد تلاش نمود تا به هماهنگی هندسی و فضای سبز بیشتر در شهرها دست یابد. این نگرش بر مالکیت خصوصی و مدیریت مشترک و واحد تأکید داشت که همانند هر نگرش دیگر مزایا و معایب خاص خود را داراست. به عنوان مثال تعریف فضاهای تفکیک شده و خلق فضاهای یکنواخت یکی از دستاوردهای این رویکرد بود.

۲ ٦ ۷ ۲ -طراحی واحدهای همسایگی سنتی (TND)[1]

[1] Planned Unit Development

این رویکرد بر فضاهای چند عملکردی و خودکفا تأکید داشت که در سال های ۱۹۹۰ در امریکا توسط افرادی چون: جیکوبز، کریر و زیبرک مطرح گردید. این ایده به منظور دستیابی به مقیاس انسانی، تنوع الگوهای سکونت و دسترسی پیاده و خلق فضاهای معطوف به پیاده مطرح گردید که بر پایه فضاهای فشرده، فضاهای عمومی در دسترس، هماهنگی و زیبایی و دسترسی شبکه ای و شطرنجی شکل گرفت. طراحی واحدهای سنتی که توسط زیبرک و دوانی[2] در سال ۱۹۹٤ مطرح گردید بر سه عنصر استوار است:

۱. واحدهای همسایگی به شکل چند عملکردی؛
۲. تعریف منطقه با عملکردهای تخصصی؛
۳. تعریف کریدورها به عنوان فضاهای ارتباطی جهت تأمین دسترسی.

با این تعریف یک محله در بستری سبز قرار گرفته است که روستا– شهر نامیده می شود. طراحی محله بر چند اصل تکیه دارد:

- تعریف دقیق لبه ها و مراکز؛
- حداکثر فاصله از مرکز به شعاع یک چهارم مایل؛
- دربرداشتن فعالیت های روزمره مورد نیاز مانند مدرسه، فضای مذهبی، خرید و فضاهای تفریحی؛
- لحاظ نمودن حرکت دوچرخه در الگوی همسایگی؛
- تقدم فضاهای باز عمومی و ساختمان های عمومی.

۲ ٦ ۷ ۳ -روستا–شهرها و فضاهای معطوف به پیاده

این تفکر بر همجواری فضاها با حمل و نقل عمومی و با فاصله حداکثر یک چهارم مایل و امکان قدم زدن، کاهش مصرف انرژی و کاهش مدت سفرهای درون شهری تکیه دارد و برای مراکز شهری تاریخی بسیار مناسب می باشد. در این شیوه، عملکردهای مختلف از جمله: خرده فروشی، اداری، مسکونی و فضاهای تفریحی در واحدهای همسایگی پیش بینی می شود که زندگی اجتماعی بهتری را به لحاظ حس تعلق اجتماعی به همراه دارد و شهر استکهلم از جمله بهترین مصادیق این ایده طراحی می باشد. این نگرش در سال ۱۹۹۳ توسط کالتروپ، با ساختمان های کوتاه و تراکم بالا، خیابان های چند عملکردی با امکان دسترسی به خدمات شهری و تکیه بر حمل و نقل عمومی با پیش بینی مراکز محله تعریف گردید. از جمله ویژگی های این ایده می توان به فشردگی، محدود بودن ابعاد، خوانایی و تقدم پیاده اشاره نمود.

---
[1] Traditional Neighborhood Design
[2] Duany and Zyberk

۲ ٦ ۷ ٤ -رشد هوشمند[1]

هدف نظریه پردازان این نگرش، دستیابی به توسعه عادلانه، شهرهای منسجم و یکپارچه، ارتقاء هویت و کیفیت زندگی، بهبود حمل و نقل عمومی، حفظ منابع طبیعی، تراکم بیش تر، حفاظت از میراث های تاریخی و فرهنگی، بهبود استانداردهای طراحی و تأکید بر عنصر خیابان می باشد.

۲ ٦ ۷ ٥ -توسعه مبتنی بر حمل و نقل (TOD)[2]

نگرش مبتنی بر حمل و نقل در توسعه شهری با استفاده از رهیافت هایی چون خلق فضاهای چند عملکردی، تراکم بالا، فراهم نمودن انواع مختلف واحدهای مسکونی برای گروه های مختلف و شبکه دسترسی مبتنی بر الگوهای کلاسیک مطرح گردید. از جمله ویژگی های این رویکرد می توان به تنوع، مقیاس پیاده، پیش بینی فضاهای عمومی و طراحی واحدهای همسایگی که به وضوح تعریف شده اند، اشاره نمود. البته علیرغم نکات مثبت این تفکر، مسائل و مشکلاتی نیز وجود دارد که وابستگی به اتومبیل، توسعه ناهمگون، کیفیت نامطلوب و رشد افقی شهرها از آن جمله است.

جدول۲-۱- جمع بندی نظریه های مطرح شده پس از سال ۱۹۵۰

رویکرد	ویژگی ها	مشابهت ها
توسعه واحدهای برنامه ریزی شده	▪ ضوابط طراحی و هماهنگی ▪ مدیریت مشترک	تأکید بر: ▪ عملکردهای گوناگون ▪ الگوهای مختلف مسکن ▪ فضاهای عمومی ▪ کیفیت بهتر زندگی ▪ فعالیت خرید ▪ اولویت پیاده و حمل و نقل عمومی ▪ تعریف لبه ها و مراکز ▪ طراحی فرم های فشرده
طراحی واحدهای همسایگی سنتی	تأکید بر الگوهای کلاسیک و سنتی	
پیاده گرا	تأکید بر حمل و نقل عمومی	
روستا شهر	تأکید بر خودکفایی	
رشد هوشمند	▪ کیفیت بهتر ▪ تأکید بر نقش دولت	

۲ ٦ ۷ ٦ -نوشهرگرایی[3]:

نوشهرگرایی واژه ای برای بیان عقایدی ست در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و نیمه اول ۱۹۹۰ در امریکا مطرح شد که عبارت از واحدهای همسایگی «نوسنتی» یا توسعه واحدهای همسایگی سنتی بود. ایده طراحی واحدهای همسایگی شبیه واحدهای همسایگی سنتی، خلق محورهای پیاده برپایه تأمین سیستم حمل و نقل عمومی کارآمد، تراکم مناسب کاربری مختلط، سلسله مراتب پایدار ساختمان ها و معابر،

[1] Smart Growth
[2] Transit Oriented Development
[3] New Urbanism

وضوح لبه ها و مراکز و تعریف سیستم فضاهای عمومی باز از جمله مهمترین ابعاد نوشهرگرایی می باشد.

توجه دوباره به ارتباط هنر، ساختمان سازی و ساخت اجتماعی در طی فرایند مشارکت شهروندان بود. چراکه تلاش های گذشته نشان داد تنها راه حل های کالبدی نمی توانند به تنهایی مشکلات شهری و اجتماعی را حل کنند و همچنین قدرت اقتصادی، پایداری اجتماعی و سلامتی محیطی نمی تواند بدون یک چارچوب کالبدی مناسب و پشتیبان، پایدار باشد. این گرایش منجر به تدوین اصول زیر شد:

- تنوع کاربری و جمعیت واحدهای همسایگی؛
- توجه به تسهیل حرکت پیاده؛
- توجه به فضاهای عمومی که در دسترس تمامی افراد و گروه ها باشد؛
- توجه طراحی شهری مبتنی بر ویژگی های بومی و تاریخی، آب و هوا و اکولوژی و کاربرد.

به طور کلی نوشهرگرایی در پی خلق و حفاظت از تنوع، امکان قدم زدن، فشردگی بیش تر و اختلاط عملکردی در شهرها می باشد. این دیدگاه بر وجود فضاهای مختلفی چون خانه، محل کار، مغازه، فضاهای سرگرم کننده، مدرسه، پارک و تسهیلات شهری در فواصلی که بتوان به راحتی با قدم زدن به آن ها دسترسی یافت مطرح شده است، یعنی مکانی برای مردم با سنین مختلف. این جنبش مهم ترین جنبش برای دستیابی به آینده ای بهتر بود که در قرن بیستم مطرح گردید. با این هدف در سال ۱۹۹۳ کالترپ[1]، دونی[2] و پلیتر–زیبرک[3] کنگره هایی را در این زمینه سازماندهی نمودند که دستاورد آن منجر به معرفی کیفیات و اصول مختلفی چون: فضای بهتر برای قدم زدن، فضاهای عمومی، مقیاس انسانی، الگوهای مختلف مسکن، تداوم، کاربری مختلط، ارتباطات فضایی، کیفیت مطلوب طراحی شهری و معماری، الگوهای سنتی همسایگی، تراکم بیش تر، حمل و نقل عمومی هوشمند، کیفیت بهتر زندگی و از همه مهمتر پایداری با رهیافت تمرکززدایی و شهرهای فشرده است.

نوشهرگرایی با ارائه ضوابط مختلف در سه سطح زیر توصیه هایی را در عرصه طراحی شهری ارائه نموده است:

۱. منطقه: شهر و کلان شهر؛
۲. همسایگی، ناحیه و کریدورها؛
۳. بلوک، خیابان و ابنیه.

این رویکرد کیفیت بهتر زندگی و مکانی برای زندگی، کار و تفریح را در پی دارد. با این دیدگاه، ارزش و قیمت ملک ثابت مانده، ترافیک کاهش می یابد و الگوی زندگی سالم با تشویق پیاده روی و

[1] Calthorpe
[2] Duany
[3] Plater-Zyberk

استرس کمتر رواج پیدا می کند. این نگاه به طراحی شهری، نزدیکی به خیابان ها جهت خرید و دریافت خدمات اصلی، نزدیکی به پارک و طبیعت، وجود محورهای دوچرخه سواری، محلات پیاده گرا که مردم را تشویق با تعامل اجتماعی با یکدیگر می نماید و در نتیجه افزایش روابط و پیوندهای اجتماعی را نیز به همراه دارد. علاوه براین از گروه های مختلف کودکان، سالخوردگان و قشر کم درآمد نیز با کاهش وابستگی به اتومبیل و افزایش حضور آن ها در فضا حمایت می نماید و شهری پاک با آلودگی کمتر و احساس هویت بیش تر را برای شهروندان خود به ارمغان می آورد. افزایش حضور مردم در فضا و نیز میزان آشنایی آنان با یکدیگر، جرم و جنایت را کاهش داده و از لزوم حضور پلیس در سطح شهر می کاهد. این رویکرد به لحاظ تکیه بر مقیاس همسایگی و تأمین خدمات در این محدوده، دستاوردهایی نیز به لحاظ اقتصادی به دارد. به این معنا که سبب کاهش هزینه اجرای پارکینگ، تبلیغات و مصرف سوخت و نیز استفاده بهینه از زمین می گردد. علاوه بر این با افزایش مقبولیت و مطلوبیت در میان شهروندان ارزش زمین و ملک را افزایش می دهد. اما تحقق آن نیز با مشکلات و پیچیدگی هایی روبرو بوده و بازنگری ضوابط شهری و کنترل بر توسعه شهر را طلب می کند.

۲ ۷ -ساختار و بافت شهری:

۲ ۷ ۱ -توصیف ساختار شهر:

خیابان ها و میادین چارچوب یا استخوان بندی شهر را تشکیل می دهند و دربردارنده زندگی عمومی شهر هستند. چارچوب فضایی با شکل منظم هندسی یا شکلی نامنظم و پیچیده، تناسبات متفاوت، خصوصیات و ویژگی های این فضاهای عمومی، شخصیت شهر را شکل می دهند. ساخت یک شهر به بخش اصلی و غیراصلی تقسیم می شود. بخش اصلی به استخوان بندی و ستون فقرات شهر اشاره دارد که شامل محورها و فضاهای باز اصلی و بناهای عمومی بوده و عامل حفظ ثبات و تداوم هویت شهر است. در حالی که خصوصیت بخش غیراصلی مانند محلات شهری، تغییر و تنوع است. ساختار شهر به نحوه توزیع کاربری، نظم و بی نظمی آن و مرکزگرا یا غیرمتمرکز بودن آن و ویژگی هایی از این دست اشاره دارد. بنابراین ساختار کالبدی شهر فضایی سه بعدی از عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پدید می آورد که شهر به عنوان یک محیط مصنوع محصول تعامل میان آنهاست.

در راستای توصیف ساختار شهر، فرد باید بر کاربردی نمودن اطلاعات پایه براساس کاربری اراضی استناد نماید. چنین اطلاعاتی بینشی از نظم و بی نظمی ساختار شهر می دهد. با این نگاه شهر را یا مرکزگرا و یا غیرمرکزگرا می نامند که در آن ها فعالیت های اصلی شهر یا در نقطه ای متمرکز شده اند و یا در سطح شهر پراکنده گردیده اند.

ساختار شهر مشتمل بر ابعاد زیر است:

- ویژگی های مکان: توپوگرافی، منظر، شرایط طبیعی ر و ویژگی های متمایز آن که بر شکل محلات، همسایگی ها، پارک ها و فضاهای عمومی در سطح شهر اثر می گذارد(لایه جغرافیایی).
- سیستم حمل و نقل: شبکه معابر، پیاده روها، پیاده راه ها که زیرساخت ها و خدمات اصلی را در خود جای داده اند.
- شکل ساختمان ها: که براساس مقیاس، توده، جهت گیری و ارتفاع تعریف می شوند. تعامل ی میان شکل ساختمان و فضا منجر به تعریف خیابان ها گردیده و بر خط آسمان نیز تأثیرگذار است.

براساس نظر کستف مهم ترین ویژگی شهر، ساخت کالبدی آن (شامل: الگو، هندسه، بافت، نظم، لایه بندی، دید و منظر) است که بازتابی از عوامل محیطی و انسانی است. ویژگی های ساختار کالبدی به وسیله اسپریرگن اینگونه بیان شده است: با فرض آن که فرم یک شهر یا شهرک به صورت عام باا ابعاد، جمعیت و گستردگی کالبدی آن تعریف شود، ابعاد آن به نحو تنگاتنگی با شکل و فرم در رابطه است(ویژگی های کالبدی در فرم افقی پلان و ویژگی های نمای شهری). ابعاد و شکل آن براساس الگو یعنی هندسه اصلی فرم شهر؛ سنجیده می شوند. ابعاد، شکل و الگو براساس تراکم یا میزان کاربری زمین به وسیله مردم و ساختمان ها؛ تغییر می یابند و در نهایت میزان تراکم به وسیله بافت شهری یا همان میزان یکنواختی یا عدم یکنواختی ساختمان ها و کاربرد آن ها به وسیله مردم؛ تعیین می شود.

در عین حال، رابطه میان سیستم حمل و نقل شهری و نحوه ساماندهی فضاهای شهری نیز می تواند به عنوان ساختار شهر مطرح گردد. همانگونه که هیلیر در این باره می گوید: «*ساختار شبکه شهری، تنها و مهم ترین عامل تحرک شهری است*» که به وسیله نحوه ساماندهی فضای شهری دیکته می شود.

۲ ۷ ۲ -بافت شهری:

بافت شهر به عنوان یکی از مشخصات بارز و اساسی شهر است معنای آن است که عناصر کالبدی، فعالیت ها و اقشار مردم به چه صورت در فضا با یکدیگر تلفیق می شوند. به تعبیر لینچ، بافت دارای دو خصوصیت عمده تراکم یا میزان فشردگی و دانه بندی یا نحوه مخلوط شدن عناصر مختلف: فعالیت ها، گونه های ساختمانی و افراد در شهر با یکدیگر می باشد. به طورکلی مسائلی که با شکل شهر سروکار دارند به نقش طراحان و نحوه مدخلات آن ها و مدل ها و نظریه هایی که از آن ها تبعیت می نمایند، دارد.

بافت شهری شامل ویژگی های عینی و در عین حال تجریدی است که نتایج آن بر ارتباط مردم و محیط پیرامون آن اثر می گذارد. بنابراین بافت، شامل ارتباط بین گروه های مختلف مردم، تولید و توزیع

کالا و تعامل فرهنگی-اجتماعی در قالب ابعاد کالبدی فضا را نیز شامل می شود.

بافت شهر با نحوه تفکیک و جدایی صریح یا مبهمِ عناصر و تراکم آن ها در فضا، گستردگی-فشردگی، جدایی(به لحاظ اجتماعی و کالبدی)-اختلاط و درشتی یا ریزی دانه ها تعریف شود که این امر از شهری به شهر دیگر متفاوت است. در توصیف بافت یک شهر علاوه بر تراکم، ریزی و درشتی بافت و یا نحوه سازمان دهی عناصر آن، شخصیت و ویژگی فضاها و ساختمان ها نیز نقش دارند. به عنوان مثال در شهرهای کلاسیک اروپایی، بافت نسبتاً متراکم، ساختمان های نیمه مرتفع و فضاهای باز به آن سیمایی مشخص و هویتی متمایز می بخشد.

به طور کلی بافت یک شهر در مطالعات شهری به لحاظ جنبه های مختلف زیر حائز اهمیت است:

- همبستگی و یا ارتباط میان شهر و محیط پیرامون آن؛
- کارایی عملکردی شهر، بناها، خیابان ها و فضاهای باز به عنوان یک کل؛
- هماهنگی محیطی و خلق فرم هایی که به لحاظ اکولوژی و انرژی معقول و مؤثرند؛
- حس مکان و خلق مکانی که به نحو متمایزی دارای حس هویت باشد؛
- پایداری اقتصادی و پاسخگویی به واقعیات بازار که بر مسائل شهری تأثیرگذار است.

۲ ۷ ۳ -زمینه های شکل گیری بافت شهری:

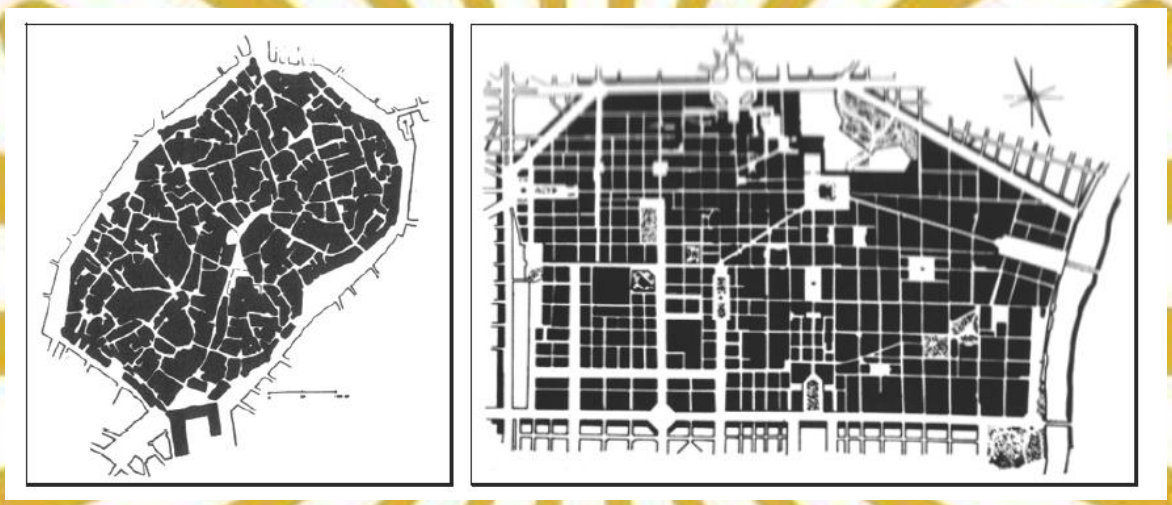
ویژگی های ریخت شناسانه شهر یا بافت شهر، بر پایه تعامل و ارتباط دینامیک میان ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شکل می گیرد. انعکاس این سه عامل بر فضای شهری و جنبه های انسانی کالبد شهر مشهود است.

ویژگی های بافت شهر بر پایه الگوی هندسی شهر، نظم یا بی نظمی آن و نحوه توزیع معابر، فضاهای باز و ساختمان ها، شکل می گیرد. از سوی دیگر، بافت شهری به درشتی یا ریزی دانه ها و عناصر شهری نیز اشاره دارد. با این تعریف، شهر ممکن است بافت ریز و متحدالشکل داشته باشد و یا بافت غیرهمسان و دانه درشت. بلوک های وسیع با ساختمان های مختلف، بافت دانه درشت و غیرهمسان را شکل می دهند. اگر همان بناها به لحاظ ابعاد یکسان باشند بافت دانه درشت ولی همسان را پدید می آورند. در تاریخ شهر تعداد بیشماری از بافت های گوناگون در بستر رشد و تحولات شهری یک شهر شکل گرفته و می گیرند. این الگوها عمدتاً بر پایه الگوی مالکیت زمین، شبکه راه ها، ویژگی های طبیعی و توپوگرافی و ضرورت های حرکت پیاده شکل گرفته اند.

دو تفکر اصلی در مورد کالبد شهر وجود دارد. تفکر اول: مبتنی بر «ساختار فضا» ست که به فضای فرم یافته درون ساختار شهر و نقش فضاهای شهری و خیابان ها اشاره دارد. تفکر دوم: «ساختار توده» است که به وسیله جنبش مدرن مطرح گردید. با این نگاه شهر زمینی باز است که درون آن ساختمان ها ساخته

و برجسته می گردند. در این تفکر ساختمان محصولی ست که ساختار شهر را شکل می دهد. شکل، الگو، دانه بندی، ابعاد، تراکم و بافت شهری خصوصیات اولیه توده کالبدی شهر به شمار می روند. در این نگاه، منظور از توده، ساختمان یا گروهی از ساختمان ها و یا هرنوع ساخت و ساز درون شهر است. در مقابل این واژه فضای خالی مطرح می گردد که به فضاهای باز، گذرگاه ها و هر نوع فضای خالی اشاره دارد.

بنابراین شهر محصولی از ساماندهی فضا و توده است که در قالب دو الگو طبقه بندی می گردد. الگوی اول، براساس دیواره ای مبتنی بر بدنه خارجی توده ها و در دیگری براساس شبکه خیابان ها تعریف می شود، که یکی بر فضای مثبت(توده) و دیگری بر فضای منفی(خیابان) تکیه دارد. در این میان خیابان به عنوان عنصر ساماندهی کننده ساختار شهر، قابلیت فراهم نمودن تنوعی از فضاهای عمومی و خلق کیفیت های متفاوت مکان را دارد و میان ساختمان و فضای باز تعادل ایجاد می نماید.



تصویر۲-۱۳- ارتباط میان فضای پر و خالی در بافت های مختلف شهری

۲ ۷ ٤ -اجزاء کالبدی بافت شهر:

اجزاء کالبدی بافت شهر شامل: بلوک که تحت تأثیر ساختار ساختمان ها، الگوی طراحی و الگوی کاربری اراضی می باشد و **شبکه** که شامل الگوی خیابان ها، زیرساخت ها و ارتباطات درون شهر است می باشد. این دو جزء اصلی کالبدی ضمن آن که بافت شهری را شکل می دهند در عین حال از آن متأثر می گردند. همانگونه که اشاره گردید ساختار شهر مبتنی بر مقیاس، فضاهای باز ، توده شهری، فعالیت ها و کاربری های مختلف و الگوی شبکه ارتباطی شهر است که مهمترین عنصر تعیین کننده شکل شهر می باشد و بافت شهری تحت تأثیر شکل و الگوی شهر تحمیل می شود و به طراح، دانشی پیرامون الگوهای بومی، فرایند توسعه و تغییر در نظم و درک شرایط موجود می دهد. بر طبق نظر کنزن ریخت

شناسی سکونتگاه ها در چهار مقوله قابل بررسی ست: کاربری اراضی، ساختار ساختمان ها، الگوی طراحی شهری و الگوی خیابان ها. در میان مقوله های مذکور الگوی طراحی شهری و خیابان ها عمدتاً باثبات و پایدار بوده و کاربری اراضی قابل تغییر می باشد.

« *خیابان و الگوی بلوک های شهری انعکاس مقیاس، پیچیدگی، انتخاب و ویژگی های فضا هستند که با زمان، جغرافیا، فرهنگ و عملکرد شهری و دیدگاه های سیاسی و نیازهای تکنولوژیکی در رابطه اند*».

رویکردهای سنتی، فضاهای باز شهری را با نماهای شهری شکل می داده اند که در کنار یکدیگر شهر را شکل داده و عرصه قلمرو عمومی را تعریف می نمودند اما امروزه ساخت و سازهای منفرد این الگوها را دگرگون نموده است.

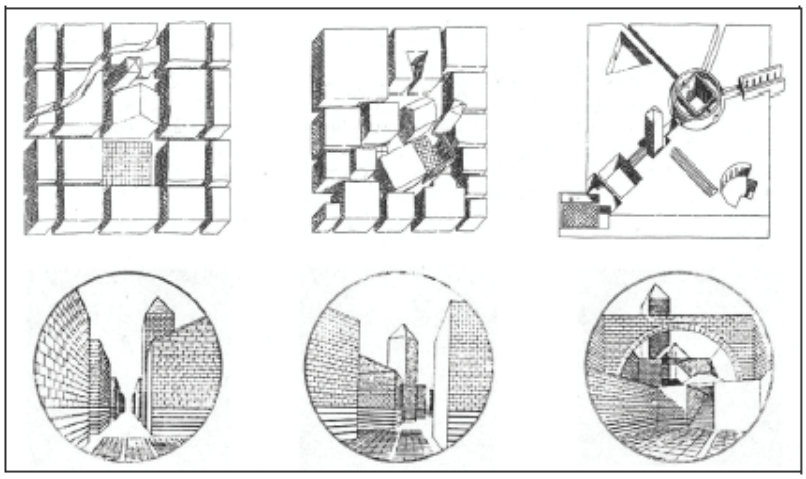
لئون کریر با توجه به اهمیت نقش بلوک های شهری، خیابان ها و میادین در رابطه با خلق فضاهای عمومی، مدل های مختلفی را مطرح می نماید:

۱ – بلوک هایی که حاصل الگوی خاص میادین و خیابان ها هستند.

۲ – خیابان ها و میادین که براساس موقعیت بلوک ها شکل می گیرند.

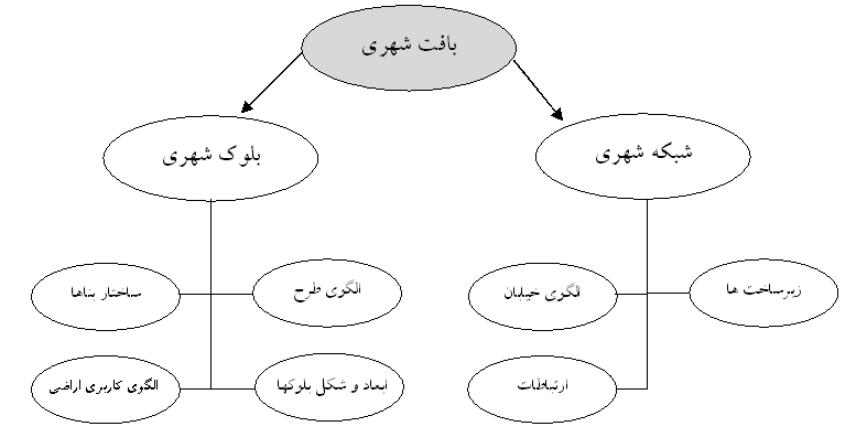
۳ – خیابان ها و میادین، عناصر اولیه بوده و بلوک ها به عنوان عنصر ثانویه مطرح می شوند.

٤ – فضاهایی باز به وسیله ساختمان ها شکل نگرفته بلکه به صورت تصادفی شکل می گیرند.



تصویر۲–۱٤– توصیف لتون کریر از فضای شهری

بافت شهری عمدتاً مبتنی بر دو عنصر شبکه و بلوک شهری ست که ویژگی ها و ابعاد مختلف آن ضمن ارائه در قالب دیاگرام زیر، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



تصویر۲-۱۵- اجزاء شکل دهنده بافت شهری

۲ ۷ ٤ ۱ بلوک های شهری:

بلوک های شهری عنصری هندسی و پایه برای فضاهای شهری به شمار می روند که در عین حال دارای معنا می باشند. این عناصر شهری، به لحاظ گونه، پیچیدگی هایی دارند که بیانگر ارزش های جامعه می باشد و در کالبد شهر انعکاس یافته است. ساختار بلوک های شهری که مبتنی بر ابعاد زمین، شکل و الگوی طراحی ساختمان ها ، جهت گیری و گروه بندی ساختمان ها می باشد، پایه و مبنای شکل گیری فضاهای شهری است. در تعریف بلوک شهری می توان گفت: « *بلوک های شهری عمدتاً چهارگوشه بوده و با خیابان ها محدود گردیده و با ساختمان ها اشغال می شوند.*». بنابراین می توان نتیجه گرفت در تعریف بلوک شهری به مرزهای تعریف کننده آن استناد می گردد که این مرزها به مسائل اجتماعی و کالبدی بستگی دارد. البته این تعاریف به لحاظ گوناگونی و تغییراتی که در طول زمان به لحاظ مالکیت ها و سایر عوامل ایجاد می گردد، گاه با پیچیدگی هایی نیز روبرو می گردد. به هرحال بلوک ها، عناصر حائز اهمیت در بافت شهری می باشند که تعریف قلمروی آن به وسیله مرزهای کالبدی، مانند توده، جداره ها و تداوم فضایی صورت می گیرد. تعریف قلمرو آن سبب می گردد مفهوم خلوت(مالکیت افراد در به کارگیری فضا)، امکان شخصی نمودن فضا، دفاع و حمایت از آن و به کارگیری و استفاده از آن برای برآوردن نیازهای روزمره به نحو مؤثرتری صورت گیرد. نکته آخر آن که بلوک های شهری متأثر از عوامل کلیدی مختلف قابل مطالعه است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲ ۷ ٤ ۱ ۱ - ساختار ساختمان ها:

لینچ در رابطه با نقش ساختار ساختمان ها در تعریف بلوک های شهری به ۷ عامل زیر اشاره می نماید:

الف- ارتفاع ساختمان ها؛

ب- موقعیت برجها و ساختمان های بلند مرتبه؛

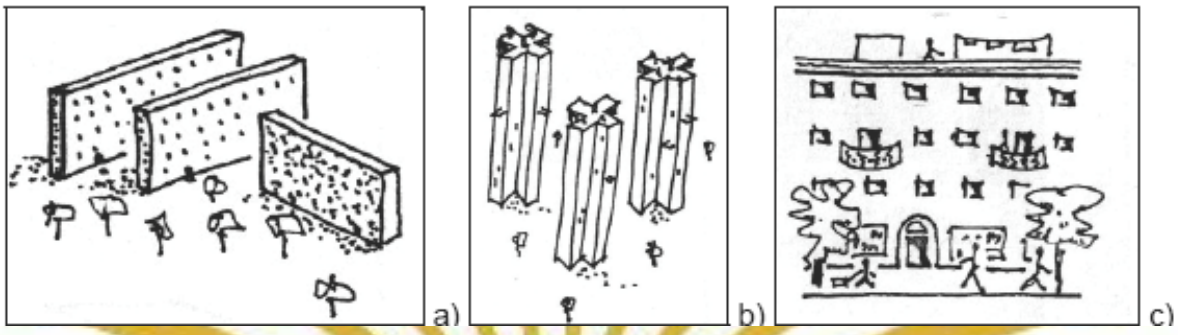
ج- تراکم در ارتفاع؛

د- دسترسی ساختمان ها در طبقه همکف؛

ه- حیاط و فضای باز ساختمان ها؛

و- ساختمان های همجوار و به هم پیوسته؛

ز- ساختمان های منفرد.



تصویر۲-۱۶- توصیف لینچ از انواع ساختمان

۲ ۷ ٤ ۱ ۲ - الگوی قطعه بندی زمین:

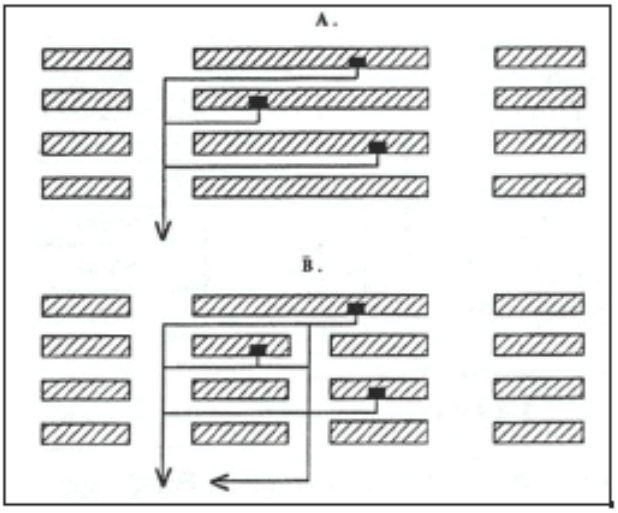
هر قطعه، به مجموعه ای از زمین های همجوار و یا منفرد اشاره دارد که واحد کاربری زمین محسوب می شود. قطعه بندی در هر بلوک، سایر اجزاء مانند خیابان ها و فضاهای عمومی آن را شکل می دهد که خود متأثر از مالکیت زمین می باشد. گاه تغییر در مالکیت ها می تواند ابعاد زمین، عقب نشینی ساختمان، نحوه منظرآرایی و توزیع فضاهای باز قطعه بندی زمین و در نتیجه بلوک های شهری را تحت تأثیر قرار می دهد.

۲ ۷ ٤ ۱ ۳ - الگوی کاربری زمین:

منطقه بندی و سایر فعالیت های برنامه ریزی با هدف تهیه طرح کلان کاربری زمین و توزیع فعالیت های مختلف در راستای حمایت و ترویج سلامت، آموزش و بهداشت عمومی در زندگی شهری شکل می گیرد. نحوه توزیع کاربری ها بر پایه تقسیم شهر به محلات بر مبنای ابعاد، شکل و موقعیت آن ها و نیز تراکم جمعیتی صورت می گیرد. امروزه تفکیک فعالیت ها توصیه نمی شود و گرایش به سمت فضاهای چند عملکردی و کاربری مختلط است. کاربری زمین تحت تأثیر عوامل کالبدی و تغییرات آن در طول زمان قرار دارد چراکه تغییرات گاه نیازهای تازه ای را با خود به ارمغان می آورد.

۲ ۷ ٤ ۱ ٤ – ابعاد و شکل بلوک ها:

همانگونه که پیش تر به آن اشاره گردید بلوک عنصر اصلی فرم شهر است که ساختار هندسی آن، مهم ترین نقش را در این میان ایفا می نماید. نکته حائز اهمیت در این باره آن است که ساماندهی و کاربری بلوک ها باید دارای انعطاف پذیری لازم بوده و طراحی شهری مبتنی بر ترافیک و شبکه مدولار به این لحاظ با مشکلاتی روبروست. اشکال بلوک ها می تواند فرم های منظم و یا نامنظمی را دارا بوده و تنوع عمق و عرض هر قطعه، انواع، مقیاس و تراکم های گوناگونی را فراهم می سازد. علاوه براین، طول یک بلوک با ابعاد خیابان در رابطه بوده چنانکه بلوک های شهری ممتد و گسترده، برجستگی های ریتمیک و دسترسی های جانبی و بلوک های کوتاه، تقاطع های گوناگون را پدید می آورند. بنابراین نظریه پردازان مختلف در این رابطه نظرات گوناگونی را مطرح نموده اند. به عنوان مثال، جیکوبز کوتاه بودن طول بلوک ها را جهت ایجاد فرصت های بهتر به لحاظ دسترسی، حیات فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی، توصیه نموده است.

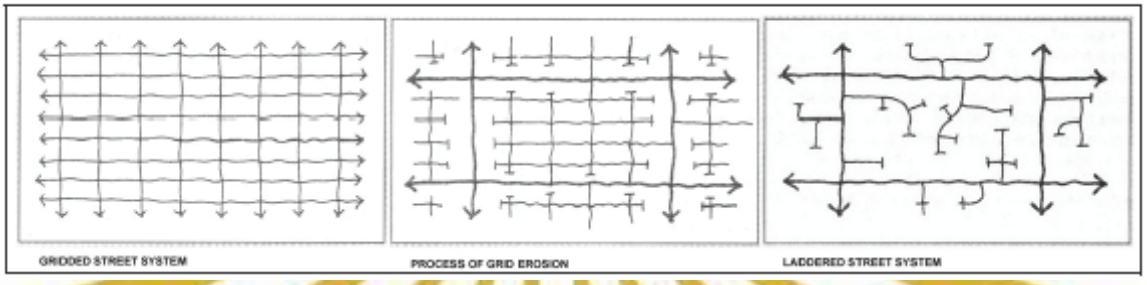


تصویر۲–۱۷– نفوذپذیری ساختار بلوک های شهری

۲ ۷ ٤ ۲ – شبکه ها:

شبکه های شهری در عین حال که یکی از اجزاء کالبدی بافت شهری به شمار می روند. تعیین کننده تحرکات مردم، اتومبیل، کالا و ارتباطات در سطح شهر هستند. این مجاری، بستری برای زیرساخت های شهری فراهم می کنند که ویژگی ها و نحوه طراحی آن وابسته به حجم فعالیت های شهری می باشد. ساختار شبکه شهری با محورهای مختلفی چون: شکل، ترکیب بندی، حجم، فاصله، زمان، ریتم، موقعیت، مسیرها، مجاری ارتباطی، تراکم و نوع حمل و نقل حاکم بر شهر توصیف می شود. منظور از

واژه ترافیک در شهر میزان جابجایی پیاده، اتومبیل و کالاست که به وسیله توزیع آن در زمان و فضا و انتخاب مردم که چگونه و با چه روشی و در چه مسیر و زمانی اقدام سفرهای درون شهری می نمایند، قابل مطالعه است. این اتفاق نظر وجود دارد که انواع مختلف کاربری اراضی، میزان متفاوتی از حجم حمل و نقل شهری را به همراه دارد و بنابراین نحوه برنامه ریزی در این زمینه می تواند کاهش این حجم را سبب گردد. علاوه براین، افزایش ابعاد و تعداد ساختمان ها تأثیر منفی بر ترافیک دارد. الگوی خیابان ها ضمن ایجاد مسیرهایی برای سیرکولاسیون، چهارچوبی برای شکل شهر پدید می آورد. چنانکه ابعاد، شکل و جهت گیری بلوک ها و قطعات نیز براین اساس تعریف می شود. الگوهای مختلف شبکه شهری در عین حال که بافتی متفاوت ایجاد می نمایند فرم های متفاوتی را نیز برای بلوک ها ایجاد می نمایند. نکته مهم در این باره دسترسی به خدمات، وضوح و نقش شبکه شهری در شکل گیری فضاهای شهری ست. البته خیابان ها تنها براساس دسترسی مردم و اتومبیل شکل نمی گیرند بلکه آن ها برای دادن خدمات به قطعات و اجزاء شهری نیز شکل می گیرند.



تصویر۲-۱۸- الگوهای مختلف خیالان و شبکه زیربنایی شهری

۲ ۷ ٤ ۲ ۱ - الگوی خیابان

الگوی خیابان، شبکه ای ست که سیرکولاسیون سواره و پیاده را برای فعالیت های مختلف در شهر فراهم نموده و سلسله مراتبی را براین اساس برای شهر فراهم می آورد. توجه ما به طراحی خیابان و الگوی بلوک های شهری، برخاسته از گرایش به عوامل کالبدی و ویژگی های خیابان است. در واقع، اساس طراحی خیابان مطلوب، اساس شکل گیری فرم شهر برای اکثر طراحان است. براین اساس، می توان الگوهای مختلف و متنوعی از فضاهای شهری داشت که بر شبکه هایی با فرم های مختلف استوار است(تصویر۱۹).



تصویر۲–۱۹– انواع مختلف الگوی خیابان

۲ ۲ ٤ ۷ ۲ – زیرساخت ها

با توسعه تکنولوژی و افزایش تراکم و پیچیدگی های ناشی از آن در سطح شهر، زیرساخت های شهری بیش از پیش مورد اهمیت قرار می گیرد و ظرفیت های بیش تری را در شبکه شهری طلب می کند. بنابراین می توان ادعا کرد رابطه چندجانبه میان زیرساخت ها، الگوی خیابان ها و نیز بلوک های شهری برقرار است که هریک ظرفیت های دیگری را تحت تأثیر قرار می دهد.

۲ ۲ ٤ ۷ ۳ – ارتباطات

به طور کلی، ارتباطات در شهرها دارای دو معنا می باشد. معنای اول به رابطه افراد با یکدیگر و معنای دوم آن به شبکه ارتباطی و زیرساخت های شهر اشاره دارد. راپاپورت می گوید: محیط مصنوع سامان دهنده معنا و ارتباطات است که رابطه محیط و انسان ها را متأثر می کند و در عین حال بافت شهری را شکل می دهد. شهرهایی با ساخت و سازهای بلندمرتبه و متراکم بر نیازهای ارتباطی برای فعالیت ها و معاملات تجاری تأکید می کند. هرچند امروزه دنیای مجازی، تمرکز بر فضا را کاهش داده است و نوعی تفکر ضد شهر را با امکان کار در منازل را مطرح نموده و چهره زندگی و ارتباطات را دگرگون ساخته

است، کارمونا معتقد است این تحولات نخواهد توانست نیاز برای خلق مکانی برای زندگی، کار و تفریح مردم را از بین ببرد. با این حال شرایط زندگی امروز در ساختار کالبدی شهر نقش داشته و ضرورت های ارتباطات متراکم را کاهش می دهد و تراکم ساختمانی به عنوان عامل اصلی ساختار کالبدی،

تعیین کننده نحوه شکل گیری بلوک های شهری خواهد بود. نحوه معیشت مردم، تراکم بلوک ها را متأثر می کند و در عین حال شبکه شهری زندگی شهری را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین تعریف دوم از ارتباطات به اندازه تعریف اول ارتباطات نمی تواند بر کالبد و ساختار شهر تأثیرگذار باشد.

۲ ۸ سیمای شهر و عوامل سازنده آن

مطالعات لینچ با هدف شناخت عوامل مؤثر در ساخت سیمای شهری در سه شهر مهم امریکا یعنی بستن، جرسی سیتی و لوس آنجلس صورت گرفته است. به موجب این مطالعات، لینچ استدلال می کند که یک تصویر شفاف از شهر، فرد را قادر می سازد که به سادگی و سرعت در محیط حرکت کند. لینچ همچنین دریافت که موضوع جزئی جهت یابی در شهر به موضوع اصلی در شکل گیری تصویر ذهنی آن شهر تبدیل شده است که لینچ آن را «قابلیت تصویر» می نامد. با دانستن این که تصاویر می توانند بین ناظران مختلف، متنوع باشند، لینچ در صدد شناخت مردم شهر، تصاویر کلی یا نحوه ترکیب آن در ذهن شهر برآمد.

در این مطالعه، تصویر محیط در قالب سه محور زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- خوانایی یا کیفیت بصری که بوسیله نقشه های ذهنی افراد مورد بررسی قرار گرفت؛
- نحوه ساخت تصویر محیطی که نتیجه تعامل میان مشاهده گر و محیط است؛
- هویت و ساختار که در چهارچوب هویت، ساختار و معنای محیط قابل تحلیل است. این عوامل در کنار یکدیگر سبب می گردد فرد بتواند تصویری در ذهن خود ترسیم نماید. در واقع وی استدلال می کند تصاویر محیطی به سه خصوصیت نیاز دارند:
  - هویت: تفاوت یک شیء از سایر اشیاء به عنوان یک وجود مجزا(مثل یک در)؛
  - ساختار: ارتباط فضایی شی؛ با مشاهده کننده و دیگر اشیاء (موقعیت در)؛
  - معنا: معنای شی (واقعی یا حسی)برای مشاهده کننده (دربه عنوان یک روزن برای خارج شدن).

از آنجا که معنا تمایل در میان گروه های مختلف مردم تعابیر متفاوتی داشت، لینچ معنا را از شکل جدا کرد و قابلیت تصویر را بر حسب کیفیت های کالبدی آن مرتبط با هویت و ساختار مورد بررسی قرار

داد. وی از طریق تهیه نقشه های ذهنی به شناخت جنبه هایی از محیط که می تواند تصویری قوی در ذهن مشاهده کنندگان به جای گذارد پرداخت. مجموعه این تصاویر منفرد، شکل شهر یا محلات را ترسیم می نمود. در این مطالعه دو تحلیل صورت گرفته است:

۱ –پیمایش سیستماتیک به وسیله مشاهده گران آموزش دیده که عناصر گوناگون، رؤیت پذیری، شدت و ضعف تصاویر محیطی، ارتباطات و عدم ارتباطات و پتانسیل های موجود مکان در شکل گیری تصویر ذهنی از شهر را برداشت می نمودند.

۲ –مصاحبه عمیق با گروه کوچکی از ساکنین شهر جهت ارزیابی و کندوکاو تصاویر ذهنی آن ها از محیط کالبدی پیرامون آن ها. نتایج این مصاحبه به صورت توصیفات، اسکیس ها، موقعیت ها و به نمایش کشیدن تصاویر ذهنی مشارکت کنندگان مورد بررسی و تحلیلی قرار گرفت.

لینچ بر مبنای تحقیقات مذکور ۵ عنصر کالبدی مهم و اصلی را شناسایی و استخراج نمود که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۲ ۸ ۱ –راه:

بر پایه مطالعات لینچ، راه از جمله مهمترین عوامل سیمای شهر می باشد. افراد در بیان این عامل به ارتباط میان راهها اشاره داشته اند که البته میزان آشنایی افراد با شهر بر این مقوله تأثیرگذار است. اهمیت راهها در رفت و آمدهای روزانه افراد نیز نقش دارد. حتی وجود موانع ترافیکی نیز می تواند آن را به عاملی در شکل گیری سیمای شهر بدل سازد. وجود فعالیت ها و تأسیسات در امتداد خیابان نیز می تواند بر اهمیت آن بیفزاید. به عنوان مثال حضور مردم پیرامون خطوط اصلی حمل و نقل شهری نیز در این میان بی تأثیر نیست. ابعاد و تناسبات خیابان(عریض یا باریک بودن آن) و تداعی سلسله مراتب میان راههای گوناگون نیز از جمله عواملی هستند که این تأثیر را تقویت می نمایند. در این میان نمای ساختمان ها حتی جزئیاتی مانند فضای سبز در راهها نیز در شناخت و تشخیص مسیر نقش دارد. چراکه این امر سبب پدید آمدن دورنمایی جذاب به لحاظ بصری از آن راه می گردد که آن را برجسته و متمایز می سازد. وجود ساختمان های متفاوت و جالب نیز در اهمیت راهها نقش دارد. در شهرهایی که راههای اصلی سیمایی نامشخص و غیر متمایز دارند تمام تصویر شهر مخدوش و تیره به نظر می رسد.

عامل دیگری که به راهها هویت می بخشد استمرار و تداوم آن هاست که حرکت و جهت آن را القاء می نماید. اما تغییر عرض راه و یا نمای ساختمان به یکباره می تواند این اثر را خنثی نماید. در واقع این بدان معناست که پیوستگی نما در تداوم راه و تقویت نقش آن با ارتقاء امکان تجسم خیابان و موقعیت آن در شهر کمک می نماید. در این رابطه حتی نام خیابان نیز تأثیرگذار است. عواملی که به حس جهت گیری در راهها کمک می نمایند مانند تغییر منظم در برخی کیفیات مانند ارتفاع، شیب زمین، تراکم

ساختمان ها و هر گونه تغییر تدریجی در سیمای شهر به شکل گیری جهت و در نتیجه شکل گیری تصویری مطلوب از خیابان منجر می گردد. علاوه براین عامل مذکور سبب می گردد فرد از موقعیت خود در مسیر و اینکه در چه نقطه ای از آن قرار دارد آگاه باشد. اما این اثر بدون توجه به نقاط ابتدا و انتهای راه، میسر نبوده و یافتن مسیر و احساس اطمینان فرد را تأمین نمی نماید. علاوه براین، ابتدا و انتهای مبهم می تواند گیج کننده نیز باشد. البته قابل ذکر است که وجود عوامل و عناصری در نزدیکی ابتدا و انتهای راه می تواند همان نقش را ایفا نماید. عاملی که جهت یابی در راهها را تقویت می نماید ارتباط آن با سایر راه ها و فرمهایی ست که به روشنی تقاطع ها و ارتباطات را قابل ادراک نماید. گاه فرم هایی که به صورت تدریجی و ملایم به خیابان دیگری متصل می گردد از خوانایی کاسته و برعکس تغییرات شدید در این نقاط خوانایی را افزایش می دهد. در این رابطه تداوم دید در محل تقاطع ها و اتصالات نیز نکته قابل تأملی به نظر می رسد چراکه میدان دید باز و رؤیت پذیری می تواند خوانایی را بهبود بخشد و دیدهای مسدود بر آن تأثیر منفی داشته باشد. چنانکه به این مسائل توجه کافی مبذول نگردد قرار دادن علائم مختلف راهنمایی و رانندگی الزام آور می گردد که خود عدم مطلوبیت را به همراه دارد.

سیستم شطرنجی به لحاظ تعیین موقعیت بر سر تقاطع ها و تصمیم گیری در رابطه با نحوه ادامه مسیر بسیار آسانتر به نظر می رسد. اما با افزایش راههای منتهی به یک تقاطع تصویر ذهنی آن با مشکلاتی مواجه می گردد که گاه تعریف مشخص تقاطعها و محورهای منتهی به آن می تواند تا حدودی از این تأثیر منفی بکاهد. در رابطه با راهها به عنوان یکی از عناصر کلیدی شکل گیری تصویری مطلوب و خوانا از شهر عوامل مختلفی چون: نسبت عرض خیابان ها با یکدیگر، فاصله میان تقاطع ها، نمای ساختمانها، نام خیابان ها(نحوه نامگذاری مانند حروف الفبا و ...)، نسبت طول خیابان ها به یکدیگر، تعداد خیابان های عرضی و طولی و اهمیت آن ها از نظر نوع ساختمان ها و فعالیت های آنها، بسیار حائز اهمیت می باشند.

۲ ۸ ۲ -لبه:

لبه نیز مانند راه عنصر خطی در سیمای شهر محسوب می شود. لبه های قوی فوراً به چشم می آیند و فرمی پیوسته دارند. لبه هایی که از طریق عوارض طبیعی مانند رودخانه ها پدید می آیند نقش بسیار مؤثری در شکل گیری سیمای شهر دارند. برای مثال تصویر استانبول، از طریق رودخانه بُسفر ساخته شده که لبه هایی برای دو سمت آسیایی و اروپایی شهر تشکیل داده است. آب، یک لبه مهم برای بسیاری از شهرها مانند شیکاگو، هنگ کنگ، استکهلم است که در ساحل قرار گرفته اند. که همین نقش در شهرهای چون پاریس، لندن و بوداپست به علت وجود رودخانه در آن هابه چشم می خورد. خطوط

راه آهن و شاهراه ها نیز به عنوان عنصری مصنوع در شهرها از جمله عواملی ست که می تواند لبه های شهری را تعریف نماید. البته گاه این عوامل به واسطه وجود زمین های بایر و برخی عوامل مزاحم، چهره نامطلوبی به شهرها می بخشند. لبه های شهری گاه شهر را به بخش های مختلف تقسیم می کنند و مرزهای غیر قابل نفوذی پدید می آورند و گاه لبه ها همان راه ها هستند که مرزهای شهر را به تصویر می کشند. هنگامی که چند لبه یکدیگر را قطع می کنند آشفتگی و سردرگمی برای افراد ایجاد می نمایند و به عنوان مانع ارزیابی می شوند. علاوه براین، لبه ها نیز مانند راه ها می توانند دارای جهت بوده و گاه به عنصری تبدیل شوند که هویت شهر را شکل می دهند و بدون آن ها نمی توان شهر را تصور نمود(نمونه آن شهرهایی هستند که هنگام نزدیک شدن به آن، لبه های شهری به عنوان اولین تصویر از شهر جلوه گر می شوند). نکته آخر آن است که وجود فعالیتهای مهم در لبه ها می تواند تأثیر آن را دوچندان نماید.

۲ ۸ ۳ – محله:

محله به قسمتی از شهر اطلاق می گردد که دارای خصوصیات مشابه و یکدست بوده و افراد بتوانند به آن وارد گردند. مظاهر یک محله را می توان از درون آن شناخت که البته گاه از خارج آن نیز ملموس است. در فرایند شکل گیری تصویر شهر، عدم کارایی لبه ها و راه ها می تواند با وجود محلات متنوع و مشخص جبران گردد. آنچه در شناخت محلات به چشم می خورد آن است که محلات نه تنها با جنبه های کالبدی خود بلکه با جنبه های اجتماعی خود (مانند نژاد یا مذهب ساکنین) نیز از یکدیگر متمایز می گردند. مطالعات لینچ بر این نکته تأکید دارد که محلاتی با این ویژگی های متمایز اجتماعی، بیش تر می توانند در ذهن افراد شکل گرفته و حتی در جهت یابی و تعیین مسیر نیز نقش داشته باشند. البته نکته قابل ذکر آن است برای افرادی که با شهر آشنا هستند این مقوله از اهمیت بیش تری برخوردار است و توجه افراد تازه وارد بیشتر معطوف به ابعاد کالبدی محلات است. ویژگی هایی چون: بافت محله، فضای آن، فرم، عناصر، نشانه ها، نوع ساختمان ها، نوع استفاده از ساختمان ها، ساکنین، نو و کهنه بودن آنها و عوارض زمین می تواند تمایز محلات را مورد تأکید قرار دهد. مطالعات حاکی از آن است که در میان عوامل مذکور، نمای ساختمان ها یعنی نوع مصالح، فرم، تزئینات و رنگ آن ها مهم تر از سایر عوامل ارزیابی شده است. با این مقدمه می توان ادعا نمود تجانس و تشابه میان محلات از میزان تأثیرگذاری آن بر شکل گیری تصویر ذهنی می کاهد تا آنجاکه حتی نمی تواند محلات را به عنوان عنصری مستقل تعریف نماید. البته عوامل اجتماعی، فعالیت های موجود در محلات و یا میادین. مراکز قوی، در چنین شرایطی می تواند به تمایز محلات کمک کند. به هرحال محلات، گاه دارای مرز و محدوده روشن و یا مبهم و گاه اصولاً فاقد مرز هستند، اما نکته ای که در این میان اهمیت دارد آن است که محلاتی با

مرزهای کاملاً واضح و مشخص سبب قطعه قطعه شدن شهر و ایجاد بی نظمی در سیمای شهر می گردند.

۲ ۸ ٤ -گره:

گره ها، کانون هایی واجد اهمیت در شهر هستند که معمولاً در محل تقاطع راه ها و یا تجمع پاره ای از خصوصیات مانند ویژگی های کالبدی متمایز، پدید می آیند. گره ها گاه در نقاط انتهایی خطوط حمل و نقل نیز شکل می گیرند و حتی هنگامی که فاقد شکل مشخصی هستند(هرچند که دارا بودن شکل مشخص می تواند خصوصیت آن ها را تقویت نموده و در خاطر افراد ثبت نماید) نیز در تجسم افراد در تصویر شهر نقش دارند. تا آنجاکه افراد در هنگام یادآوری تصویر شهر، ابتدا آن ها را به یاد آورده و سپس سایر بخش های شهر را تجسم می نمایند. این عناصر اگرچه در تصویر شهر کوچک اند اما ممکن است زمینه ای بزرگ، بخشی از شهر و یا حتی محله ای در مرکز شهر باشند. این نقاط به لحاظ یافتن مسیر نیز بسیار حائز اهمیت اند. نکته قابل ذکر در این میان آن است که در بازسازی تصویر ذهنی شهر، هر تقاطعی، گره محسوب نمی شود بلکه کانون های مهم شهری به لحاظ موقعیت، فعالیت، وجود عوامل طبیعی و اهمیت آن به لحاظ عوامل فرهنگی، تاریخی و تجاری ست که گره ها را تعریف می نمایند و آن ها را به قلب شهرها مبدل می سازند. نکته آخر آن که ارتباطات میان گره ها و پیرامون آن ها نیز می تواند این تأثیر را تقویت نماید.

۲ ۸ ۵ -نشانه:

امروزه مردم بر نشانه ها و تضاد و تنوع آن توجه ویژه ای داشته و نشانه هایی را که دارای چنین کیفیاتی هستند خوشایند ارزیابی می نمایند. منحصر بفرد بودن نشانه ها، وضوح فرم، تضاد با زمینه، غلبه بصری بر محیط پیرامون، موقعیت مطلوب و قابل رؤیت بودن از بخش های مختلف شهر، از جمله عواملی ست که سبب می گردد نشانه ها تأثیر بیش تری بر خاطره افراد باقی گذارند. قرارگیری عنصری نو در بستری کهنه و فرسوده و عنصری بزرگ در بستری کوچک با جزئیات و موقعیتی متفاوت با زمینه و نیز عنصری نامطلوب درون بستری مناسب، می تواند موجد تضاد باشد که البته گاه ممکن است ناخوشایند نیز به نظر برسد. وجود نشانه ها در محل تقاطع ها و نیز فعالیت های آن (مانند تالارهای شهر) می تواند حتی در مواردی که نشانه ها فاقد کیفیت مطلوب بصری و کالبدی هستند، اهمیت آن ها را دو چندان سازد. علاوه براین قدمت و یا معنای متفاوت آن ها نیز می تواند مکانی را به یک نشانه بدل سازد تا آنجاکه چنین عواملی بیش از عوامل بصری بر ذهن شهروندان و افرادی که با شهر آشنایی دارند تأثیر گذار است. حتی در برخی از موارد بو و صدا نیز می تواند نقش نشانه ها را تقویت نماید. علاوه براین یک نشانه می تواند مجموعه ای از نشانه ها و عناصر کوچکتر باشد که با یکدیگر در ارتباط اند.

۲ ۸ ٦ –رابطه میان عوامل سازنده سیمای شهر:

عواملی که به آن اشاره گردید، عناصر اولیه تصویر شهر هستند و در کنار یکدیگر می توانند اثرگذار و مطلوب باشند. ترکیب این عوامل در کنار یکدیگر می تواند بر قدرت آن افزوده و یا با ایجاد تناقض میان آن ها تأثیر یکدیگر را خنثی نماید. به عنوان مثال، نشانه ای عظیم درون محله کوچک، مقیاس را از بین می برد و بر عکس موقعیت و تناسباتی مطلوب بر قدرت آن می افزاید. حتی جنبه های بصری آن می تواند چنان با زمینه خود بیگانه باشد که پیوستگی کلی را مخدوش نماید و یا ممکن است تضادی دلپذیر ایجاد نماید. در یک محله وجود سایر عناصر از قبیل راه، گره و نشانه می تواند به غنای آن بیفزاید و یا از آن بکاهد. علاوه بر این راه ها که عامل ادراک نظم شهری هستند با گره ها و گره ها با نشانه ها در رابطه اند. بنابراین می توان گفت که مجموعه ای از عوامل و عناصر مذکور هستند که می توانند تصویر ذهنی افراد را از شهر شکل دهند و دخل و تصرف در یکی از آن ها می تواند سایر عوامل را دستخوش تغییر نماید.

مطالعات لینچ توصیه هایی زیر را در رابطه با فرم شهر در پی دارد:

- متمایز بودن و وضوح زمینه عوامل شهر که در این رابطه تضاد، فرم، پیچیدگی، ابعاد و موقعیت می تواند تأثیرگذار باشد.
- سادگی فرم و گرایش به فرم های هندسی، وضوح و خوانایی بیش تری را به همراه دارد.
- استمرار و یا تداوم لبه ها یا نماهای شهری علاوه بر ایجاد هماهنگی، نقش مثبتی در ادراک سیمای کلی شهر دارد.
- تسلط و غلبه داشتن یک عامل بر عوامل دیگر سبب تقویت تأثیر آن می گردد.
- روشنی و وضوح تقاطع ها یا مفصل ها می تواند رابطه جزء با کل را در شهرها وضوح بخشد.
- ایجاد تنوع به صورت عدم تقارن یا تغییرات تدریجی ابتدا و انتهای راه ها و محلات می تواند جهت را به شهروندان القاء می نماید.
- توجه به عرصه دید و امکان رؤیت پذیری نمادها و نشانه ها سبب تقویت عوامل مذکور می گردد و سهولت ادراک را در پی دارد.
- آگاهی بر حرکت به دلیل آن که مردم شهر را در حال حرکت ادراک می نمایند حائز اهمیت است و سبب می گردد افراد بتوانند جهت، موقعیت و مسافت خود را در حرکت به سوی مقاصد مختلف تعیین نمایند.

- توجه به تسلسل و پیوند میان عناصر ادراکی سیمای شهر در قالب زمان که به صورت سکانس های مختلف در طول حرکت فرد در شهر شکل می گیرد، می تواند ماهیتی موسیقایی داشته و در شکل گیری تصویر شهر نقش بسزایی داشته باشد.
- نام ها و معانی اگرچه جنبه غیرمادی دارند ولی به دلیل دربرداشتن معنا در خود، عامل تعیین کننده ای در رابطه با تصویر شهر می باشند.

۳. فصل سوم: فضاهای شهری و انواع مختلف آن

۳ ـ ۱ - اهداف فصل:

در این فصل فضاهای شهری به عنوان محور بحث مطرح خواهند بود. در این راستا، پس از معرفی و ارائه تعاریف از این بستر مهم فضایی- کالبدی در شهرها، نظریات و مطالعات گوناگونی که سعی در بررسی ابعاد مختلف فضاهای عمومی نموده اند معرفی گردیده است. در ادامه براساس مطالعات مذکور، مدلی جهت تبیین یک فضای شهری موفق مطرح گردیده است که سعی نموده گاهی جامع از ابعاد و ویژگی های این فضاها ارائه نماید. عناصر و محورهای مورد بررسی در این فصل را می تواند در قالب عناوین زیر طبقه بندی نمود:

- تعریف فضاهای شهری؛
- معرفی انواع و گونه های مختلف فضاهای شهری؛
- بررسی مطالعات و نظریه های مطرح شده درباره فضاهای شهری؛
- ارائه مدل فضای شهری موفق.

۳ ـ ۲ - تعریف فضاهای شهری:

فضاهای شهری در یک شهر عملکردهای گوناگونی را در شهر بر عهده دارد. این عرصه نه تنها فضایی برای تجمع شهروندان به شمار می رود بلکه فضایی برای نمایش سنت ها و آداب بومی مانند فستیوال ها جشن ها و نیز عامل تولید معنا و هویت نیز می باشد. این قلمرو به عنوان مکانها و محیطهای زندگی اجتماعی تعریف و شناخته می شود و به عنوان بستری برای تحرکات سیاسی و فرهنگی، زمینه ای برای تعاملات اجتماعی، اختلاط، و ارتباط و مرحله ای برای معرفت اجتماعی، پیشرفت شخصی و تبادل اطلاعات عمل می کند. اگرچه عملکردهای مذکور به طور کامل قابل دستیابی نیستند ولی می توان از آن به عنوان معیاری برای سنجش میزان موفقیت فضاهای شهری بهره گرفت.

فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروههای مختلف اجتماعی در آن سهیم اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل گیری شبکه های اجتماعی هستند. چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه اند که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروههای مختلف، دریافت حس هویت جمعی، احترام به خود (عزت نفس)، ارتقاء مهارتهای جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. چنین تعبیر و تفسیری از فضاهای عمومی در رابطه با حباب اجتماعی انسانها از ارسطو تا کنون همواره مورد توجه شهرسازان و نظریه پردازان شهری بوده و هست.

فضاهای شهری مانند خیابان ها، پارک ها، میادین و سایر فضاهای عمومی عرصه ای از عملکردهای مختلف هستند که مردم را به یکدیگر پیوند می زنند. این فضاها محل تبادل نظر شهروندان و شکل گیری روابط اجتماعی میان آن ها هستند. فضائی که در آن غریبه ها سهیم هستند، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی برای فعالیت های سیاسی، مذهبی، داد و ستد، ورزش و فضایی برای زندگی شهری. فضاهای شهری میزبان تجمعات داوطلبانه و منظم شهروندان در سطح شهرها می باشند که زمینه ساز ارتباطات اجتماعی افراد، تبادل اخبار و تفکرات آن هاست. اُلدنبرگ این فضاها را با ۸ ویژگی زیر تعریف می نماید:

۱ -زمینه و بستری که مردم بتوانند به راحتی به یکدیگر ملحق شوند؛

۲ -فضای سوم به عنوان عنصر تعادل بخش در زندگی روزمره؛

۳ -امکان نشستن و صحبت کردن به عنوان فعالیت های اصلی این فضا؛

٤ -در دسترس بودن در کلیه ساعات شبانه روز و امکان حضور فردی یا جمعی و برای همه؛

٥ -دیدن گروه های مشابه که استفاده کننده های دائمی فضا هستند و به فضا ویژگی خاصی می بخشند؛

٦ -ساختار کالبدی مرکزگرا و خوانا با حداقل اختلاف سطح؛

۷ - فضای سرزنده، لذت بخش و مفرح و به دور از بیگانگی، جائی که احساس می کنیم ریشه در تجارب مثبت گذشته ما دارد؛

۸ - خانه ای دور از خانه.

یکی از مهم ترین ویژگی های فضاهای شهری آن است که این فضاها متعلق به همه افراد، بدون توجه به تفاوت های طبقه، جنسیت، نژاد، سن و سایر تمایزات اجتماعی آن ها هستند که در عین حال در احساس هویت آنان نقش داشته و زمینه ساز افزایش مشارکت و حضور مثبت شهروندان در شهرها بوده و رضایتمندی ساکنین را به همراه دارد.

فضاهای عمومی مزایای مختلفی در سطح شهرها دارند:

۱ -حمایت از اقتصاد بومی؛

۲ -جذب سرمایه گذاری های تجاری؛

۳ -جذب توریست؛

٤ -فراهم نمودن فرصت های فرهنگی؛

٥ -تشویق به فعالیت های داوطلبانه؛

٦ -کاهش جرم؛

۷ -بهبود امنیت پیاده؛

۸ –افزایش کاربرد حمل و نقل عمومی؛

۹ –بهبود سلامت عمومی؛

۱۰ –بهبود محیط.

۳ ۳ – انواع فضاهای شهری:

فضاهای عمومی مشتمل بر فضاهای شهری گوناگونی چون : خیابانها، معابر، میادین، پلازاها، پارکها، زمینهای بازی، سیتی هالها، مالها، سواحل و کناره ها و سایر فرمهای فضاهای تجمع[1] می باشند و از نظر فعالیتی می توانند جهت تأمین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه ریزی شوند و یا آنکه مانند میادین و پلازاها دارای تنوع کالبدی و فعالیتی و در نتیجه اجتماع پذیری بیشتر باشند. لینچ فضاهای شهری را به موارد زیر طبقه بندی می کند:

- پارک منطقه ای؛
- پارک شهری؛
- میدان و فضاهای باز مشابه؛
- پارک های خطی؛
- زمین بازی کودکان و بزرگسالان؛
- زمین های آزاد و اراضی غیر قابل استفاده.

قلمرو فضاهای عمومی به لحاظ ساختار فضایی باز و بسته براساس زیر طبقه بندی می گردد:

- فضای عمومی باز: میادین عمومی، خیابان ها، بزرگراه ها، پارک ها، توقفگاه های وسایل نقلیه و غیره؛
- فضای عمومی بسته: مؤسسات عمومی، کتابخانه ها، موزه ها، شهرداری ها و نیز تسهیلات حمل و نقل عمومی مثل ایستگاه های قطار یا اتوبوس و غیره؛
- فضای نیمه عمومی باز و بسته: مانند پردیس های دانشگاهی و فروشگاه های سرپوشیده.

به طور کلی فضاهای شهری را می توان در چارچوب زیر طبقه بندی نمود:

۳ ۳ ۱ –میادین و میدانچه ها:

میادین عمومی و میدانچه ها، از جمله اشکال اولیه فضاهای عمومی شهری در شهرهای مناطق مختلف جهان هستند. که به عنوان مثال در ایتالیا، از دوران روم باستان، پیازا همواره به عنوان فضای عمومی شهری مطرح بوده است. این فضاها محل حضور افراد مختلف، دوستان، دشمنان، افراد حکومتی و حتی

[1] Gathering space

دستفروش ها و محل برگزاری جشن ها، تئاترها و سایر رویدادهای اجتماعی بوده اند. این فضاها به خصوص میدانچه ها، در سراسر دنیا محل تحرکات سیاسی–اجتماعی، تضادهای اجتماعی، افراد بی خانمان و اقشار مختلف اجتماعی می باشند که حتی گاهی عرصه بروز کشمکش نیز می گردند.

میدان به عنوان یک گره شهری عنصری مهم در یافتن مسیر در شهرها بوده و پاکزاد آن در قالب انواع زیر طبقه بندی می نماید:

۱ –میدان شهری: که محل تجمع و زندگی شهری بوده و افراد صرف نظر از پایگاه اجتماعی و فرهنگی خود می توانند با یکدیگر تعامل چهره به چهره داشته باشند.

۲ –میدان محلی: که به عنوان مرکز محلات در گذشته فعالیت داشته و بستر روابط و پیوندهای اجتماعی میان همسایگان و نیز برآوردن نیازهای روزمره آنان بوده است.

۳ –میدان تشریفاتی: که در خدمت حکومت و رویدادهای مرتبط با فعالیت های دولتی و حکومتی بوده است که افراد جهت حضور در جشن ها و مراسم و یا استماع سخنرانی دولتمردان در آن ها حضور پیدا می کردند.

به طور معمول در چهارچوب ساختمانها احاطه شده است. بنابراین میادین تشریفاتی با هدف ایجاد شکوه و عظمت حکمرانان طراحی می شدند و معمولاً ساختمان ویژه ای را به نمایش می گذاشتند و میادینی که به عنوان مکانهایی برای حضور مردم طراحی می شدند همواره تفاوتی وجود داشته است. چراکه بسیاری از فضاهای عمومی هر دو ویژگی تشریفاتی و مردمی را توأمان دارند.

۳ ۳ ۲ –پارک ها و فضاهای سبز شهری:

تحقیقات حاکی از آن است که مردم، نه تنها به پارک ها و باغ ها، بلکه به فضاهای رها شده، سواحل، فضای بازی بچه ها و حتی گورستان ها نیز واژه فضای سبز اطلاق می نمایند. فضاهای سبز بخشی از شهر هستند که مردم از تعامل با آن، مثل دیدن غروب، تغییرات فصل، گیاهان، جانوران احساس رضایت می کنند. ضمن آن که در سلامت جسم و روح افراد نیز نقش فراوانی دارند.

۳ ۳ ۳ – پیاده راه ها و خیابان های اصلی:

پیاده راه ها، به ویژه در مناطق مسکونی و تجاری، فضای اختلاط مردم با یکدیگر در هنگام خرید و گذران اوقات فراغت را فراهم می کنند. خیابان ها برخلاف میادین که فضاهایی ایستا هستند، از پویایی فراوانی برخوردارند. جین جیکوبز این فضاها را یکی از مهم ترین عوامل ارتقاء حیات جمعی در شهرها می داند. این در حالی ست که در بسیاری از شهرها با پدید آمدن مجتمع های عظیم تجاری و فروشگاه های بزرگ و رواج فرهنگ مصرفی، نقش خیابان ها به عنوان مرکز تجاری، فضای شهری و عنصری

نمادین در ارتباطات اجتماعی و حیات جمعی، کم رنگ گردیده است. امروزه این مجتمع ها و مراکز با وجود فعالیت هایی چون: تئاتر، گالری هنری، اجرای موسیقی، کتابخانه، فضای بازی، فضای دسترسی به اینترنت و امثال آن ها، که ناشی از گرایش به فضاهای چند عملکردی در حال حاضر می باشد، به مرکزی برای تعاملات اجتماعی تبدیل شده اند. اما در بسیاری از شهرها با هدف توسعه حیات جمعی و زندگی صمیمانه در فضاهای عمومی شهری اقداماتی در راستای احیای پیاده راه ها و خیابان ها، صورت گرفته که باغ سپهسالار در تهران، سواحل فلوریدا، کالیفرنیا و بسیاری از فضاهای شهری جهان از جمله مصادیق آن است.

خیابانها، فضاهای سه بعدی خطی هستند که در هر دو طرف بوسیله ساختمانها محصور شده اند. شکل خیابان می تواند براساس کیفیتهای مختلفی تحلیل شود که در عین حال مجالی برای تنوع بیشتربه آن می بخشد. این کیفیت ها شامل: پویایی بصری، محصوریت، طولانی یا کوتاه، ابعاد و تناسبات، فرم، رسمی یا غیررسمی بودن ساختمانهای اطراف آن می باشد. به این موارد ممکن است ملاحظاتی چون مقیاس، تناسب، ریتم و اتصال به خیابانها و میادین دیگر اضافه شود. کتاب آلن جکوبز، خیابانهای باشکوه، شرح مفیدی را از انواع خیابانهای متفاوت می دهد. همان طور که خطوط افقی از لحاظ بصری روان تر از خطوط عمودی هستند، شخصیت خیابانها می تواند طوری تغییر داده شود که آنها را پویا یا ایستا سازد. برای مثال، تأکید عمودی در جداره های خیابان با تداوم افقی فضا در تضاد است و آن را ایستاتر می نماید.

۳ ۳ ٤ – ساختمان های عمومی– مراکز اجتماعی شهری:

دولت ها، مراکز اجتماعیِ انتفاعی و غیر انتفاعی متفاوتی را با هدف ایجاد مراکز شهری جدید، تجدید حیات و ارتقاء حیات جمعی در شهرها ایجاد نموده اند. این فضاها با دامنه وسیعی از فعالیت ها از انجمن های کوچک تفریحی و هنری گرفته تا سازمان های سیاسی– اجتماعی را در خود جای داده اند که ضمن آن که در خدمت شهروندان می باشند به عنوان فضای شهری نیز فعال هستند. سیتی هال ها از جمله مصادیق اینگونه فضاهای شهری می باشد که شاید بتوان فرهنگسراها در ایران را نیز در این زمره به شمار آورد.

۳ ۳ ٥ – مراکز تجاری سنتی به عنوان فضاهای شهری:

این فضاها به دلیل حجم بالای مراجعین، از جمله فضاهای شهری حائز اهمیت هستند که مصادیق آن کافی شاپ ها، چایخانه ها و قهوه خانه ها می باشند که افراد مختلف، دوستان و بیگانگان برای مباحثه یا گذران اوقات فراغت در آن حضور می یابند. البته گسترش رستوران های فَست فود[1] و فروشگاه های

[1] Fast food

زنجیره ای که خود می توانند فرصتی برای برخوردهای اجتماعی در شهرها ایجاد نمایند، فعالیت این گونه فضاهای سنتی را مورد تهدید قرار داده اند. با این حال هنوز برخی از آن فضاها مثل میخانه ها در انگلستان و چایخانه و قهوه خانه ها در ایران هنوز فعال اند.

۳ ۳ ٦ – نهادهای خصوصی تحت عنوان فضاهای شهری با نظارت دولت:

کیفیت حیات جمعی در فضاهای شهری وابسته به نحوه مالکیت این فضا(خصوصی یا عمومی)، مباشران و کاربران آن ها، می باشد. چنان که در برخی از موارد، دولت ها، سیاست خلق فضاهای عمومی با مالکیت خصوصی را اتخاذ نموده اند. به عنوان مثال در ایالات متحده امریکا در فضاهای تجاری خصوصی، فضاهایی عمومی برای سخنرانی آزاد پیش بینی شده که در عین حال، قوانینی نیز بر آن ها حاکم است. با این وجود در اکثر موارد در کشورهای مختلف، مخالفت های پنهانی با این مراکز به دلیل بروز برخی تحرکات اجتماعی و مسائل حقوقی مربوط به حقوق مالکانه افراد وجود دارد.

۳ ۳ ۷ – فضاهای شهری مجازی:

ظهور اینترنت در بیش از ۱ دهه گذشته، فرم های جدیدی از فضاهای شهری را بدون ملاحظات جغرافیائی بوجود آورده است. این فضاها و ارتباط از راه دور، ارتباطات مجازی، ظهور ارتباطات جدید در شهرهای هوشمند را وعده داده است. اما پرسش این است، با وجود این که چنین فضاهایی در عرصه اقتصاد بین المللی و مشارکت اجتماعی در دریافت اطلاعات، دانش و اخبار روز نقش کلیدی دارند، به چه میزان می توانند در خلق فضاهای شهری جدید موفق باشند.

۳ ۳ ۸ – فضاهای شهری حاشیه ای، مخفی و غیر قانونی:

بر خلاف جریانات روزمره ی میدانچه ها و سایر فضاهای شهری که به لحاظ تجمعات اجتماعی و آزادی بیان، تحت حمایت قانونی هستند، فضاهای پنهانی نیز وجود دارند که محل شکل گیری برخی رویدادهای اجتماعی می باشند. این فضاها در شرایط سرکوب سیاسی– اجتماعی، به دلیل عدم امکان کنترل به واسطه ویژگی و موقعیت آن ها، همچنان فعال و پایدارند. چنین فضاهایی در اماکنی چون: معابد، فضاهای دانشگاهی، مدارس مذهبی و فضاهایی از این دست که نیروهای دولتی نمی توانند به طور مستقیم وارد آن ها شوند، شکل می گیرند. به علاوه این فضاها، ممکن است در اماکنی که به لحاظ تاریخی چنین نقشی دارند، حتی در یک لحظه که پلیس حضور ندارد نیز شکل بگیرند.

۳ ۳ ۹ - فضاهای شورش و تمرد:

در اغلب کشورها، فضاهای شهری وجود دارند که به لحاظ تاریخی بستر تحولات سیاسی و شورش ها می گردند. هنوز در بسیاری موارد، این فضاها شاهراهی تجاری، مکان گذران اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی و حضور توریست بوده و ابعادی فرا ملیتی دارند.

۳ ٤ - عناصر معمارانه فضاهای شهری

در شکل گیری فضاهای شهری عناصر کالبدی مختلفی همچون: کف، بدنه ها، مبلمان شهری و عناصر مستقر درفضا و نیز عنصر سقف ایفای نقش می نمایند.

۳ ٤ ۱ عنصر کف و عوامل مؤثر در آن:

عنصر کف به عنوان یکی از عناصر تعریف کننده کلیه فضاهای معماری از جمله فضاهای شهری می باشد. هرچه ارتباط میان سطوح کف در چنین فضاهایی هموارتر باشد فضا به نحو مؤثرتری تعریف خواهد شد. به طور کلی عنصر کف در فضاهای شهری با بهره گیری از عوامل و ابعاد معمارانه زیر تعریف می گردد:

- فرم های مختلف فضا و الگوهای مختلف مرکز گرا، شعاعی و یا خطی؛
- اختلاف سطح و نحوه بهره گیری از عنصر پله و سطح شیبدار؛
- نوع کفسازی، بافت، رنگ، فرم و مصالح آن؛
- نحوه ساماندهی مسیرها و دسترسیها جهت حرکت پیاده در فضا؛
- نحوه بهره گیری از عوامل طبیعی مانند فضای سبز و آبنماها؛
- محل قرارگیری مبلمان شهری مانند نیمکت ها، چراغ ها و سایر عناصر مورد نیاز در فضا.

۳ ٤ ۲ عنصر بدنه و عوامل مؤثر در آن:

عنصر بدنه از جمله مهم ترین عناصر سازنده فضاهای شهری می باشد که با عوامل زیر تعریف می گردد:

- پیشامدگی ها و عقب نشینی ها؛
- نحوه طراحی بدنه ها مانند: نوع بازشوها، ارتفاع و فرم بدنه ها، ورودی بناها و خطوط عمودی و افقی نما، نوع و رنگ مصالح؛
- علائم و تابلوها؛
- نورپردازی بدنه ها.

نکته قابل توجه آن است که بدنه یک فضای شهری نه تنها به وسیله احجام بسته بلکه به وسیله سطوح شفاف مانند ردیف ستون ها، درختان و رواقها نیز تعریف گردد. علاوه بر عوامل کالبدی مذکور کیفیات

زیباشناسانه ای چون: وحدت، هماهنگی، تضاد، پیچیدگی، نظم و محصوریت فضا در تعریف بدنه ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۳ ٤ ۳ عامل سقف:

عنصر سقف از جمله عوامل سازنده فضای معماری است. اما به دلیل آن که فضاهای شهری عمدتاً به صورت باز طراحی می شوند نسبت به سایر عناصر کمتر مورد توجه قرار می گیرد. اما این عنصر در مواقعی که بحث حمایت کاربران در برابر شرایط نامناسب اقلیمی مانند آفتاب و باران مطرح می گردد از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد که مستلزم نگاه ویژه طراحان به این مقوله است. در این راستا، سایه درختان و وجود آلاچیق ها و سایبان ها در فضا می تواند به این امر بهبود بخشیده و در تعریف فضاهایی قابل نشستن و استراحت کردن در دل فضاهای شهری نقش مؤثری داشته باشد.

۳ ٤ ٤ مبلمان شهری و عناصر مستقر در فضا:

مبلمان شهری مانند نیمکت ها، جعبه های گل، چراغ ها، سطل های زباله، دکه های روزنامه فروشی، باجه تلفن، ایستگاه اتوبوس، صندوق پست، تبلیغات، ساعت و سایر اثاثیه مورد نیاز در فضاهای شهری، علاوه بر آن که نیاز کاربران را در فضا تأمین می کنند، چهره خاصی نیز به فضا می بخشند. این عناصر می توانند ثابت، متحرک و نیمه متحرک باشند تا به مقتضای شرایط زمانی و مکانی در اختیار کاربران قرار گیرند. حتی عوامل طبیعی نیز در این طبقه بندی گنجانده می شود. در خصوص طراحی این عناصر عوامل مختلفی چون:

- رنگ، شکل، ابعاد، مصالح و بافت؛
- موقعیت قرارگیری و نحوه ساماندهی در فضا؛
- سبک و الگوی طراحی متناسب با زمینه؛
- نوع و گونه گیاهان و موقعیت و نحوه به کارگیری آن ها به اشکال مختلف متراکم، منفرد و به صورت دیواره ها، حصارها و داربست های سبز؛

از جمله مواردی ست که می باید مورد توجه طراحان قرار گیرد تا بهترین عملکرد را در فضاهای شهری به همراه داشته باشد.

۳ ۵ - ویژگی های فضاهای شهری موفق:

شهرسازی معاصر در رابطه با طراحی فضای عمومی شهری به ماهیتی زیبا و در عین حال حمایت کننده از فعالیت ها و عملکردهای جاری آن تأکید دارد. در این باره مطالعات مختلف، به کیفیات متفاوتی اشاره دارند. به طور کلی در درجه اول خلق فضای عمومی موفق مستلزم توجه به ابعاد زیر است:

۱ –معانی :

– ارتباطات گروهی: معانی ناشی از تکرار و تداوم کاربرد و معانی سمبلیک منتج از باورها و الگوهای زندگی؛

– ارتباط فردی؛

– ارتباط ذهنی و عینی؛

– ارتباط با جامعه بزرگ تر: معانی ملی یا شهری، باورها و تداوم کاربرد.

۲ –حقوق مردم

– دسترسی: کالبدی، بصری و سمبلیکغ

– آزادی در فعالیت: در کاربرد و انجام فعالیتها؛

– ادعای قلمرو: ادعای سمبلیک و کاربرد مداوم و قلمروپایی؛

– مالکیت: مالکیت سمبلیک، مشارکت.

۳ –نیاز مردم:

– نیاز به با جمع بودن: تعامل عام، چهره به چهره، تعامل خاص؛

– امنیت؛

– آسایش؛

– استراحت؛

– نیاز شناختی؛

– نیاز زیبائی شناسانه.

اما در تبیین ویژگی ها و ابعاد فضاهای شهری به طور خاص، مطالعات و دیدگاه های فراوانی وجود دارد که در ادامه به معرفی برخی از آن ها خواهیم پرداخت.

لراپ در مطالعه میدانی که در سال ۱۹۷۲ بر فضاهای شهری شهر استکهلم انجام داد، به ویژگی های زیر در تبیین فضاهای شهری موفق اشاره می کند:

۱ –تأمین قلمرو، امنیت، ساختارمنسجم، تداوم، خوانائی و قابل پیش بینی بودن فضا؛

۲ –وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش مکان؛

۳ –میزان اطلاعات، شور و هیجان مکان: که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمزآلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت یابی، خلوت جوئی و دلبستگی در فضاست؛

٤ –تعاملات اجتماعی.

لیندی[1] در سال ۱۹۷۸ با انجام مطالعه موردی بر برخی فضاهای عمومی شهر سانفرانسیسکو، نقش آسایش اقلیمی در این فضاها را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن بود که این عامل در کاربرد وسیع تر این فضاها نقش داشته ولی تنها عامل تعیین کننده نیست. کیدیستر به منظور کشف ارتباط بین عوامل زمینه ای و کاربردی، ۵ پلازا در مرکز شهر مینه سوتا، را مورد مطالعه قرار داده و به مشخصات کالبدی چون: ابعاد پلازا، تعداد فضاهای نشستن، عوامل طبیعی و زمینه پلازا مثل کاربری های همجوار، تعداد کاربران که در فعال بودن پلازا مؤثرند و عامل تنوع، اشاره نموده است. وایت نیز در مطالعه مشهور خود که به وسیله برداشت تصویر از رفتار مردم در فضاهای شهری انجام داد به نقش عناصری چون: یادمان ها، پله ها و آب نماها در ارتقاء جنبه های کالبدی فضاهای شهری و نیز تشویق کاربران به حضور و تعامل اجتماعی، اشاره می کند.

کار[2] نیز ۹ توصیه زیر را در خلق فضاهای شهری مطرح می نماید:

۱ –خلق «قرارگاه های فعال» با فراهم نمودن امکان تجارب و فعالیت های گوناگون؛

۲ –ایجاد جذابیت، پیچیدگی و رازگونگی کافی که مردم را به مکاشفه وادار می کند؛

۳ –خلق عناصر ادراکی که در عین تعادل بین پیچیدگی و سادگی، در دسترس بوده، به راحتی شناخته و به خاطر سپرده می شود؛

٤ –خلق فضاهای خوانا؛

۵ –تأکید بر ویژگی های خاص مکان در راستای خلق دلبستگی به مکان با استفاده از گوناگونی تجارب و کاهش یکنواختی؛

٦ –در دسترس بودن قرارگاه ها و مکان هائی که قابلیت مشارکت اجتماعی را مورد تأکید قرار می دهد؛

۷ –امکان تغییر مکان در جهت تطابق با ذائقه فردی کاربران گوناگون ؛

۸ –خلق فضاهای متنوع و متمایز در مجاورت هم که امکان کسب تجارب گوناگون، هیجان و ارتباط قوی با مکان، موضوع و رویدادها را فراهم می کند؛

۹ –خلق قرارگاه هایی که بتواند تسهیلات لازم برای مردم فراهم نماید.

کار در مطالعات دیگری که همراه با تنی چند از محققین انجام داده است، فضاهای شهری موفق را با ویژگی های زیر تبیین می نماید:

الف– فضایی برای همه:

[1] Linday
[2] Carr

که به دسترسی گروه های مختلف به مکان، آزادی در فعالیت، ادعای قلمرو، مالکیت نمادین و امکان مشارکت در فضا اشاره دارد.

ب- فضای پاسخگو:

به معنای پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای انسان که شامل موارد زیر می باشد:

- استراحت و آرامش با وجود جوی آرام؛
- امنیت و آسایش فیزیولوژیکی و ذهنی؛
- اشتغال غیرفعال مثل نشستن، مشاهده، شنیدن، خواندن، ملاقات دوستان و فعالیت هایی از این دست؛
- اشتغال فعال شامل فعالیت های فیزیکی مانند ورزش، بازی، تفریح، قدم زدن و غیره؛
- کشف و راز که با خلق فضاها و منظرهای متنوع، فعالیت های گوناگون با هدف تأمین تنوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان فضا، قابل دستیابی می باشد. از جمله رهیافت ها در این زمینه: غنی بودن جزئیات نماها، بافت ها و رنگ های مختلف در بدنه ها باعث هیجان و جلب دید به کشف سطوح ساختمان می باشد.

ج- فضای پرمعنا:

این ویژگی با ارتباط مطلوب انسان و مکان پدید می آید که مستلزم تعامل مثبت بین انسان و ابعاد کالبدی و اجتماعی مکان می باشد.

در این زمینه ونراج[1] طی مطالعه ای که برجامعه آماری شامل ۵۷۹ نفر انجام داد به عوامل زیر در جذب مردم به فضاهای شهری اشاره می نماید:

۱ -ارزیابی عمومی؛
۲ -ویژگی های کالبدی؛
۳ -مفید و مؤثر بودن؛
٤ -دسترسی؛
۵ -ویژگی های اجتماعی.

لینچ و هک نیز به ویژگی هایی مثل:

- تنوع مکان: که پاسخگوی افراد مختلف با دیدگاه های مختلف باشند؛
- کیفیات بصری مکان: با تأکید بر وحدت مکان با هدف توسعه ادراکات گروهی و دلبستگی فردی به مکان؛

[1] Vanraaij

- انطباق با نیازها و اهداف انسانی: که این بعد در کیفیت زندگی فردی و جمعی افراد مؤثر بوده و مشتمل بر ویژگی های مکان، چگونگی رفتار کاربران در آن و نحوه ارزیابی آن ها از مکان است، اشاره دارد.

کاپلان و همکارانش نیز به وجود عناصر طبیعی در فضاهای شهری که سبب افزایش هیجان، سرزندگی مکان و دعوت عابرین به این فضاها و فراهم نمودن امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت افراد می گردند، اشاره دارد.

لِنارد و همکارش نیز در این رابطه کیفیاتی را مطرح می نمایند که برخی از موارد شاخص آن در ذیل آمده است:

- **تصور و تشخص مکان**:

این ویژگی که به ابعاد کالبدی مکان اشاره دارد، فضاهای عمومی شهر را تماشائی نموده و تصور قوی از شخصیت و هویت آن در ذهن کاربران خود ایجاد می نماید.

- **حس مکان و تجارب به یادماندنی**:

حس مکان در فضاهای شهری از طریق تعریف و تعین فضایی درخلق یک تجربه آستانه ای که به وسیله بسیاری از نظریه پردازان شهری به عنوان یکی از عناصر اصلی در شکل دادن حس مکان مطرح شده است، پدید می آید. این ویژگی بر مردم و رویدادهای فضا تمرکز نموده و حافظ حس همبستگی در فضا و خلق تجارب معنا دار و به یادماندنی در آن می باشد چراکه خاطرات ما با موقعیت هایی که تجارب ما در آن به وقوع می پیوندد گره خورده اند. فضاهای شهری با این توصیف، موقعیت هایی فراهم می کنند که به نحو مؤثری دربرآوردن نیازهای اجتماعی ما مؤثرند.

- **تنوع فعالیتی برای کاربران گوناگون**:

از آن جا که افراد گوناگون به روش های مختلف از مکان استفاده می کنند این کیفیت سبب می گردد تا افراد مختلف به مقتضای شرایط خود بتوانند به راحتی در مکان حضور داشته باشند. به عنوان مثال کودکان برای بازی کردن، جوانان برای قدم زدن، سالمندان برای نشستن از فضا استفاده می کنند که پاسخگویی به این امر مستلزم چند عملکردی بودن مکان و وجود فعالیت های مختلف بوده و دستاورد آن ایجاد همبستگی در بین گروه های مختلف اجتماعی می باشد.

- **جهت گیری و تعریف مطلوب مکان**:

متخصصین بر این باورند که مردم باید قادر به جهت گیری در محیط پیرامون خود باشند. فضاهای شهری نیاز به مفصل بندی، خوانائی و تمایز بخش های مختلف دارند. چراکه در غیر این صورت فرد نمی تواند درک صحیحی از موقعیت خود در مکان داشته باشد. به علاوه افراد به نقاط کانونی، متمایز و به یادماندنی در پیرامون خود نیاز دارند که می توانند به راحتی به آن اشراف داشته و در آن تجمع نمایند.

نقاط کانونی ممکن است آبنماها، آثار هنری و یادمان ها باشند. وجود این عوامل در چنین فضاهایی به این که فرد در کجا قرار دارد؟ چه اتفاقی در پیش دارد؟ این اتفاق مطلوب است یا نامطلوب؟ کمک مؤثری می نماید.

در مطالعه دیگری که توسط نیوئل انجام گرفته به زیبائی، اکولوژی و تمایل افراد در برقراری ارتباطات اجتماعی، در تشویق افراد به حضور در این فضاها اشاره گردیده است.

مارکوس و فرانسیس نیز در رابطه با خلق فضاهای عمومی شهری، معیارهای زیر را مطرح نموده است:

۱ -فضاهای قابل رؤیت برای عابران و دارای مرز و محدوده؛

۲ -فضاهایی که پذیرای ورود گروه های مختلف کاربران باشد(دسترسی برای همه)؛

۳ -فضاهایی که دامنه مختلفی از کاربران را در خود جای دهد: ساکنین، کارمندان، خریداران و بازدیدکنندگان و سایر گروه ها؛

٤ -فضاهایی که در ساعات مختلف نور مطلوب داشته باشند؛

٥ -فضاهایی که امکان نشستن رسمی(نیمکت و صندلی) و غیر رسمی(لبه ها، پله ها و سکوها)، داشته باشند؛

٦ -فضاهایی مشتمل بر فضاهای سبز با انواع مختلف؛

۷ -فضاهایی که با مکانی کانونی یا مشخصه ویژه طراحی شود مثل فضاهایی که برای رویدادهای خاص مثل جشن ها شکل می گیرند؛

۸ -فضاهایی که افراد را به قدم زدن تشویق نمایند؛

۹ -فضاهایی که انواع فضاهای نشستن برای افراد و گروه های مختلف داشته باشند به ویژه زنان، کودکان و سالخوردگان داشته باشند؛

۱۰ - فضاهای چمن کاری شده که با کاربرد نیمه خصوصی درون فضاهای عمومی، تعریف شده باشد؛

۱۱ - پیش بینی ورودی های مناسب و نیز پارکینگ های ماشین و دوچرخه.

۱۲ - خلق فضاهایی که امکان لذت بردن از تجارب مختلفی مثل نگاه کردن به مردم، مناظر طبیعی، رویدادها، فضاهای زیبا و طراحی شده به عنوان آثار هنری را فراهم می کنند. فضایی که مردم می توانند در آن قدم بزنند، تماشا کنند، صحبت کنند، بایستند، نگاه کنند، بنشینند، بخورند، بخوانند، خرید کنند و منتظر بمانند.

بنتلی و همکارانش نیز در تعریف محیط پاسخگو در عرصه شهر به مؤلفه های زیر اشاره دارند:

- **نفوذپذیری**: قابلیت دسترسی به مکان به لحاظ بصری و کالبدی؛
- **گوناگونی**: که شامل چهار سطح گوناگونی فرم ها، کاربران، معانی و کاربری می باشد؛

- **خوانایی**: امکان درک افراد از فرم کالبدی و الگوهای فعالیتی مکان؛
- **انعطاف پذیری**: قابلیت تغییر و تطابق مکان با نیاز کاربران؛
- **تناسبات بصری**: پاسخگویی مکان در حمایت از خوانایی فرم و عملکرد، گوناگونی و انعطاف پذیری؛
- **غنای حسی**: پاسخگویی مکان به حواس مختلف بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و حرکتی؛
- **رنگ تعلق**: تشویق کاربران به ایجاد ظواهر متفاوت در ساختمان از طریق بهبود تسهیلات و تغییر تصویر ذهنی از مکان.

تیبالدز در مطالعاتی بر کیفیت محیط شهری لندن، به ۸ عامل کلیدی و تأثیر گذار بر تنوع، اشاره می نماید. این عوامل شامل مقیاس انسانی، ساختار، خوانایی و هویت، حرکت پیاده، فضاهای خاص، پاکیزگی و ایمنی، مدیریت شهری، غنای بصری، تنوع فعالیتی و اختلاط کاربری ها؛ می باشد. در این راستا مطالعه دیگری در زمینه طراحی فضاهای شهری وجود دارد که به موارد زیر اشاره دارد:

- **کاراکتر**: هویت مکان؛
- **تداوم و محصوریت**: که در آن فضاهای عمومی و خصوصی از یکدیگر متمایزاند؛
- **کیفیت قلمرو عمومی**: جذابیت و عوامل بصری؛
- **سهولت حرکت**: امکان دسترسی آسان و تداوم حرکت در آن؛
- **خوانایی**: که به واسطه انتقال تصویری روشن از مکان در ذهن کاربر، به راحتی درک می شود؛
- **انعطاف پذیری**: امکان ایجاد تغییرات در مکان بسته به مقتضای شرایط؛
- **گوناگونی**: که تنوع و امکان انتخاب به کاربران می بخشد؛

گِل[1] نیز در مطالعات میدانی خود که بر فضاهای شهری کوپنهاگ انجام داده است، به عوامل زیر در خلق فضاهای شهری موفق اشاره می کند:

۱ -حمایت:

-حمایت در برابر ماشین؛

-حمایت در برابر جرم؛

-حمایت در برابر شرایط نامطلوب اقلیمی؛

۲ -آسایش:

+امکان قدم زدن؛

+امکان نشستن: تنوع، موقعیت و نوع مبلمان؛

[1] Gehl

- امکان شنیدن و صحبت کردن؛
- امکان توقف؛
- امکان دیدن: مناظر، نور و سایرین؛
- امکان بازی و فعالیت؛

۳ -لذت:

- مقیاس: ابعاد و تناسبات؛
- لذت بردن از ویژگی های مطلوب اقلیمی؛
- کیفیات زیبائی شناسانه و تجارب حسی مثبت: عناصر طبیعی، دیدها و مناظر، طراحی و جزئیات مطلوب.

سیدریس و بنرجی نیز در مطالعه ای در زمینه فضاهای شهری به معیارهای زیر اشاره می نمایند:

- دسترسی؛
- نحوه ساماندهی و خوانایی مکان؛
- وجود خدمات و تسهیلات؛
- فعالیت مکان به عنوان جزئی مستقل در بافت شهر؛
- زیبائی بدنه ها: سبک، فرم، رنگ، بافت، منظرآرایی و مبلمان؛
- انسجام، تداوم و ارتباطات؛
- موقعیت در شهر؛
- حمایت از گروه های مختلف کاربران؛
- فعالیت های مختلف؛
- فضای معطوف به پیاده؛
- اشارات و استعارات در تشویق به یک رفتار خاص؛
- تراکم.



تصویر۳-۱- جمع بندی نظر گل درباره فضاهای عمومی مطلوب

استدمن و همکارانش نیز در مطالعه ای از مشارکت کنندگان خواستند که از نقاط مورد علاقه خود در فضاهای شهری، عکس بگیرند نتایج مطالعات آنان حاکی از آن بود که:

- مردم بیش تر محیط های طبیعی و اجتماعی را دوست دارند؛
- محیط های طبیعی و اجتماعی به سختی برای مردم قابل تفکیک می باشند؛
- برای ساکنین، طبیعت بخشی از زندگی روزمره آن هاست؛
- دوستی ها در محدوده های طبیعی شکل گرفته و دلبستگی به مکان را توسعه می دهد؛
- مکان ها به لحاظ ارتباطات اجتماعی و خاطرات و تجارب برای مردم مفهومی خاص می یابند.

پاکزاد نیز در مطالعات خود، به کیفیات طراحانه زیر در طراحی فضاهای شهری اشاره دارد:

- تعین و یکپارچگی فضا؛

- ابعاد و تناسبات؛
- انعطاف پذیری؛
- فرم و هندسه؛
- مصالح؛
- محصوریت، بدنه ها و پیوستگی کالبدی و فضائی.

سایت پی.پی.اس[1] (PPS) که یکی از فعال ترین سایت ها در این رابطه است فضای شهری را با چهار بعد اجتماع پذیری، فعالیت و کاربری، اسایش و تصویر ذهنی و دسترسی و ارتباطات تبیین می کند که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت(تصویر۲):

الف- اجتماع پذیری :

یکی از مهمترین ابعاد و ویژگیهای فضاهای عمومی ایجاد فرصتهای لازم جهت تعاملات اجتماعی می باشد. هنگامیکه مردم با سایر افراد جامعه تعامل می کنند، رابطه قوی تری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند. این عامل با تعیین میزان حضور گروههای مختلف اجتماعی، شکل گیری شبکه های اجتماعی و زندگی در ساعات مختلف شبانه روز قابل اندازه گیری و ارزیابیست.

ب- فعالیت و کاربری:

رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیتها و کاربریهای موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروههای مختلف، مهمترین عامل در پویائی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بعد، میزان و دفعات مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیتهای مختلف است.

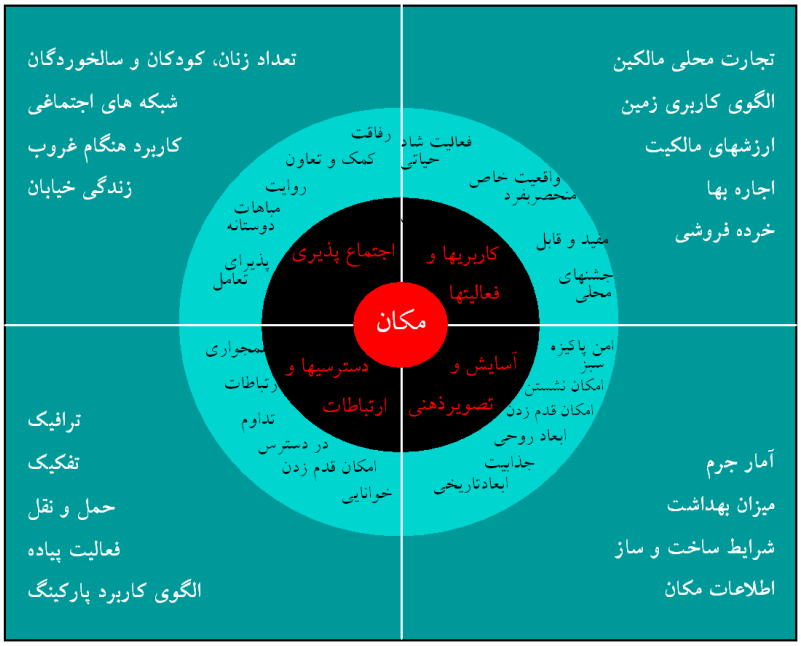
ج- دسترسی و ارتباط :

ارتباط با نحوه سیرکولاسیون و ارتباطات فضایی و دسترسی با قابل رؤیت بودن فضا و نحوه دستیابی به فضا که تیبالدز از آن به عنوان دسترسی کالبدی و بصری فضا یاد می کند، در رابطه است که خود در امنیت و عملکرد مثبت فضا مؤثر است. در این راستا امکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروههای اجتماعی ویژه نظیرکودکان و سالخوردگان در نقاط مختلف فضا، وجود پارکینگهای کافی و ارتباط مطلوب با سیستم حمل و نقل شهری از جمله شاخصهای تعیین کننده در این بعد می باشند.

د- تصویر ذهنی و آسایش :

[1] Project for Public Space

تصویر ذهنی با چگونگی ساماندهی کالبدی فضا و دریافت آسایش ذهنی از فضا، در ارتباط است. پایداری (نحوه و میزان حمایت و حفاظت از فضا)، تشخص و خوشایندی بصری فضا در جذب مردم به یک قرارگاه و دریافت آسایش ذهنی از فضا، مؤثر اند و این ویژگیست که سبب می گردد مردم آن را جهت توقف، قدم زدن وتجربه حیات جمعی انتخاب نمایند.[1]



تصویر۳-۲- ابعاد مختلف فضاهای شهری(PPS.org, 2005)

۳ ٦ - جمع بندی و ارائه مدل فضای شهر موفق

با مروری بر مطالعات انجام گرفته بر فضاهای عمومی موفق می توان آن را بر پایه چهار بعد: کالبد، فعالیت، معنا و بعد اجتماعی آن طبقه بندی نمود که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته شده است.

۳ ٦ ۱ -پاسخگویی کالبدی:

۳ ٦ ۱ ۱ امنیت و آسایش:

نیاز انسان به امنیت روانی، فیزیکی و اجتماعی یکی از نیازهای پایه او در رابطه با مکان است و با جو آرام، وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل ورود وسائل نقلیه نیز در رابطه است. در تبیین آسایش مکان، گِل به حمایت کاربران در برابر ماشین، جرم و عوامل نامطلوب اقلیمی و فراهم نمودن امکان قدم

[1] PPs.org

زدن، نشستن، شنیدن، صحبت کردن، توقف، دیدن مناظر و بازی اشاره دارد. ایجاد امنیت در فضاهای شهری با حذف مکان های ناهنجار(مثل محل های خرید و فروش مواد مخدر) و بلااستفاده در شب، پرهیز از موقعیت های نامناسب و اجتناب از خلق مکان هایی که به لحاظ بصری امکان کنترل ندارند، نورپردازی مؤثر در شب و کنترل حضور ماشین میسر خواهد بود. در واقع می توان گفت امنیت تنها از طریق پلیس برقرار نمی گردد بلکه عواملی مثل نورپردازی، ارتباطات بصری موجود در مکان، کنترل ماشین، حضور سایرین و تعاملات اجتماعی هم در آن نقش دارد. ایجاد فرصت های مشارکت در حیات جمعی به ویژه برای زنان و سالمندان، دسترسی به حمل و نقل عمومی، وجود فضاهای چند عملکردی تئاتر، مغازه، رستوران و...، وجود فرصت برای ملاقات های غیر رسمی جوانان، نورپردازی، حفظ و نگهداری مکان، حضور پلیس، تبلیغ مثبت رسانه ها، حضور افراد سالمند و زنان، از جمله مواردی هستند که در ایجاد امنیت در مکان نقش فراوانی دارند. به علاوه افزایش کیفیت مکان سبب افزایش علاقه به مکان، تمایل به مشارکت در حفظ آن و در نتیجه افزایش حس امنیت و کاهش ترس از جرم و جنایت می شود.

آسایش نیز با چگونگی ساماندهی کالبدی مکان، پاکیزگی، وجود امکاناتی چون گزینه های مختلف جهت نشستن در مکان، پایداری به معنای حفاظت و نگهداری از مکان، تشخص و خوشایندی بصری مکان در جذب مردم به یک قرارگاه و تصویر مطلوب و امن از مکان در ذهن زنان، در رابطه است.در واقع این ویژگی ست که سبب می گردد مردم مکانی را جهت توقف، قدم زدن و تجربه حیات جمعی انتخاب نمایند. شاخص های آن موارد زیر می باشد:

۱ –وجود احساس خوب در اولین لحظه ورود افراد به مکان؛

۲ –حضور زنان در مکان و احساس راحتی و امنیت آن ها؛

۳ –گزینه های مختلف، کافی و در موقعیت مناسب جهت نشستن؛

٤ –عوامل حمایت کننده از حضور افراد در مکان(سایبان)؛

٥ –بهداشت مکان و وجود افراد پاسخگو جهت نگهداری مکان؛

٦ –حس امنیت؛

۷ –وجود مناظر زیبا که قابل عکسبرداری باشد؛

۸ –حاکم بودن پیاده بر سواره؛

۹ –برآوردن نیازهای مردم.

۳ ٦ ۲ ۲ -عوامل بصری:

عوامل بصری از جمله عواملی ست که در جذب مردم به فضاهای شهری نقش مؤثری دارد. ایجاد دید و منظر زیبا و امکان لذت بردن از آن از جمله جنبه های طراحی یک فضای شهری موفق است، چنان که در این باره به ویژگی هایی چون وحدت، خوانایی، تعین و یکپارچگی فضا، ابعاد و تناسبات، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، جزییات طراحی بدنه ها و پیوستگی کالبدی اشاره شده است.

۳ ٦ ۱ ۳ -وجود تسهیلات و خدمات:

تسهیات و خدمات به فضایی راحت جهت استفاده مردم و وجود عناصری چون نیمکت ها، لبه ها، کیوسک های چند منظوره، سطل زباله، سرویس ها، نورپردازی مؤثر، نشانه گذاری و تعریف مسیرها و ورودی ها که می تواند زمینه ساز تعاملات اجتماعی باشد، اشاره دارد. چراکه تنها، بیرون آمدن مردم از خانه کافی نیست بلکه نگهداشتن آن ها بیرون خانه نیز حائز اهمیت است. امکان پیاده روی مستلزم امکان مکث در فضاست که لازمه آن تأمین خدمات و تسهیلات مذکور است.

۳ ٦ ۲ -پاسخگویی فعالیتی:

اگر از منظر یک طراح به فضاهای شهری نگاه کنیم پیداست که عوامل بصری و کالبدی در اجتماع پذیری فضاها از شروط لازم اند ولی به تنهائی کافی نیستند. فعالیت های موجود در فضاهای شهری می تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها، تأثیر گذار باشد. فضاهای شهری زمینه ای برای بروز دامنه وسیعی از فعالیت ها از فعالیت های روزمره تا جشن های دوره ای، فردی تا جمعی و فعال تا غیرفعال هستند. فعالیت هایی مثل: نگاه کردن، گوش سپردن و تجربه کردن سایرین و مشارکت فعال و غیر فعال در مکان سبب سرزندگی مکان می گردد. در عین حال، بعد فعالیتی فضاهای شهری با فعالیت ها و کاربری های پیرامون نیز مرتبط است. به عنوان مثال جین جیکوبز در مقاله اش پیرامون لندمارک ها با عنوان « مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی» مطرح نمود که ترکیب عملکردهای تجاری و مسکونی در محله و همسایگی یکی از مهم ترین عوامل ارتقاء زندگی شهری می باشد. مطالعات نشان می دهند فضاهای شهری که مردم در آن قادر به اشتغال به مکان با نگاه کردن به سایرین، نشستن، غذا خوردن، فعالیت های خرده فروشی، فعالیت های ورزشی، اتفاقات دنج و یا به تعبیر وولی تفریح فعال و غیرفعال باشند، برای مردم جذابیت بیش تری دارند. این فعالیت ها و بسیاری خصوصیات فعالیتی و کالبدی دیگر به فضاهای شهری تشخص بخشیده و بر تأمین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیر گذارست. چراکه رویدادهای ساماندهی شده در فضاهای شهری در فعال شدن آن ها نقش مؤثری دارند. به عنوان مثال نقش بازارها در احیاء فضاهای عمومی شهری و نقش خرده فروشی ها در جذب مردم به فضاهای شهری، مورد تأکید قرار گرفته است.

۳ ٦ ۲ ۱ -تنوع فعالیت ها:

تنوع و گوناگونی فعالیت ها در جلب مردم به یک مکان تأثیر به سزائی دارد، در برخی مکان ها مـردم در پی آرامش هستند و در برخی دیگر به دنبال هیجان و در برخی موارد به دنبال هر دو هستند که تأمین آن، می تواند در رضایت افراد از مکان مؤثر باشد. نوع فعالیت ها و رویـدادهای اجتمـاعی و تـوان مکـان در جذب افراد و گروه های مختلف، مهم ترین عامـل در پویـائی فضـاهای شـهری و فعـال سـاختن آن در ساعات و فصول مختلف است. شاخص ارزیابی این بعد، تنوع فعالیت ها، میزان مراجعه افراد به مکـان و مشارکت در فعالیت های مختلف آن و عوامل زیر است:

۱ -حضور فعال مردم؛

۲ -حضور گروه های مختلف جمعیتی؛

۳ -حضور فردی یا جمعی؛

٤ -وجود انواع فعالیت ها و گزینه های مختلف فعالیتی؛

۵ -فعال بودن بخش های مختلف مکان؛

٦ -وجود مسئول و افراد پاسخگو؛

۷ -وجود فضاهای حمایت کننده از رویدادها و فعالیت ها؛

۸ -مناسب ارزیابی شدن فعالیت ها از دید مسئولین و کاربران.

۳ ٦ ۳ -پاسخگویی اجتماعی:

یکی از مهم ترین ابعاد و ویژگی های فضاهای شهری ایجاد فرصت های لازم جهت شکل گیری تعاملات اجتماعی می باشد. چراکه مکان ها در احساس ما از خود و نوع فعالیتی که انجام می دهیم و روشی که با یکدیگر تعامل می کنیم تأثیر گذارند و فضاهای شهری در این میان، بستری هستند که ما زمان خود را تحت تأثیر فضای اجتماعی پیرامون خود می گذرانیم. هنگامی که افراد با سایرین تعامل می کنند، رابطه قوی تری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند.

به طور کلی اگر بر اساس نظر گِل، فعالیت های حاکم در فضـاهای شـهری را مشـتمل بـر سـه فعالیـت: اختیاری، اجباری و اجتماعی بدانیم، می توان ادعا کرد کـه فعالیـت هـای اجتمـاعی یکـی از مهـم تـرین فعالیت های این گونه فضاهاست. این بعد، پاسخگوی یکی از مهم ترین نیازهای انسان یعنی نیـاز بـه در کنار جمع بودن است که در عین حال خود زمینـه ای بـرای پاسـخگویی بـه نیازهـای برتـر او از جملـه خویشتن یابی، احساس عزت نفس و حرمت ذات می باشد و شکوفایی و رشد او را به همراه دارد.

اما روابط اجتماعی و انتظام آن، در درون واحدهای کوچک تر که در آن ها انتظام و شباهت های رفتاری وجود دارد، بررسی می شود که این واحد کوچک تر گروه اجتماعی نام دارد. هومنز بر اساس نظرسنجی

از روش تحلیل معانی این واژه را براساس فعالیت مشترک، کنش یا روابط متقابل (تعامل) و احساس (تعلق خاطر) تعریف می کند. گاهی وجوه اشتراک انسان ها در زمان و مکان خاص منجر به پیدایش گروه می شود که پویایی گروه از همین نقطه پدید آمد. کنش و تعامل بیش تر، علاقه بیش تر و پیوند حسی قوی تر، پیوند اجتماعی قوی تر را به همراه دارد. این احساسات از طریق عوامل اجتماع قابل سرایتند (مثل مراسم عبادی) و تمایل انسان به مشارکت در احساس دیگران این همبستگی را تشدید می کند. که این به معنای اهمیت نقش رویدادها و مراسم اجتماعی در این امر است و در این میان هر چه تعداد حاضرین در یک مراسم بیش تر باشد، احساس افراد بیش تر تحریک می شود.

کیفیت نوع فعالیت ها کیفیت	کیفیت مکان نامطلوب	کیفیت مکان مطلوب
فعالیت های اجباری		
فعالیت های اختیاری		
فعالیت های اجتماعی		

تصویر۳-۳- ارتباط بین کیفیت کالبدی و فعالیت ها(Gehl, 1987)

بنابراین آن چه بیش از همه در حضور و تعامل اجتماعی افراد در فضاهای شهری نقش دارد، پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت های مشارکت در فعالیت های اجتماعی، می تواند زمینه ساز ارتقاء حس تعلق به مکان نیز باشد.در این رابطه گِل نیز بهترین فرصت برای تعامل را یک فعالیت می داند. وجود فضاهای کافی جهت نشستن و وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این دست که مردم را با یکدیگر پیوند می دهند، به جذابیت این فضاها نیز می افزایند. وایت در این باره می گوید: «*که در فرایند چنین رخدادهایی، موقعیت هایی جهت برقراری ارتباط بین مردم و تمایل به گفتگو بین آن ها ایجاد می گردد...*». به علاوه فضاهایی به لحاظ تعاملات اجتماعی موفق اند که از تعامل پویا، آموزش در مکان، تبادل آزاد اطلاعات در قالب نمایش و آموزش مهارت ها، کسب تجارب مکان، امکان بیان خلاق افراد و گروه ها حمایت نمایند که این امر خود منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت بیش تر می گردد. البته قابل ذکر است دستیابی به چنین هدفی که هدف اصلی طراحان و برنامه ریزان فضاهای شهری می باشد، بدون مشاهده فعالیت ها در فضا، مصاحبه با مردم و جمع آوری اطلاعاتی از این دست که می تواند به درک چگونگی اثر این فضاها بر جیات جمعی مؤثر باشد، میسر نخواهد بود. در واقع این امر مستلزم طراحی دوباره بر پایه نیازهای مردم و مدیریت شایسته فضا در تناسب رویدادها و فعالیت ها با

کاربران فعال فضاست. در این رابطه کار نیز به نقش فعالیت های خاص مثل فعالیت های ورزشی در تحکیم ارتباطات گروهی و نقش طبیعت در شکل گیری ارتباطات اجتماعی، اشاره دارد. بنابراین مکان با ایجاد فرصت های لازم در این رابطه می تواند زمینه ساز فعالیت های مشترک و در نتیجه حس همبستگی اجتماعی در میان کاربران خود گردد.

بعد اجتماعی فضاهای عمومی، با میزان حضور گروه های مختلف اجتماعی، وجود شبکه های اجتماعی و زندگی فعال در ساعات مختلف شبانه روز قابل ارزیابی ست. و شاخص های آن به شرح زیر می باشد:

۱ -انتخاب مکان برای ملاقات با دوستان؛

۲ -حضور افراد به صورت گروهی؛

۳ -استفاده منظم از فضا؛

٤ -میزان تعاملات کلامی افراد با یکدیگر؛

٥ -روحیه مردم در فضا؛

٦ -شناختن یکدیگر؛

۷ -معرفی و توصیه مکان به سایرین؛

۸ -میزان تماس چشمی؛

۹ -وجود گروه های مختلف سنی و قومی؛

۱۰ -تمایل افراد در حفاظت داوطلبانه از مکان.

۳ ٦ ٤ -پاسخگویی معنایی:

پاسخگویی معنایی مکان و یا فرایند معنا بخشیدن انسان به مکان، برخاسته از نحوه تعاملات انسان و مکان در ابعاد زیر می باشد:

- تعامل شناختی: قضاوت مکان بر مبنای باورها، تفکرات و انتظارات فرد؛
- تعامل عاطفی: ارزیابی فرد از مکان بر پایه احساسات و ترجیحات وی؛
- تعامل رفتاری: حضور و تداوم کاربری فرد در مکان و پاسخگویی به نیازهای خود از مکان و مشارکت در حفظ و توسعه آن که گاه منجر به ارتقاء رفتاری نیز می گردد.

در واقع می توان گفت که پاسخگویی معنایی فضاهای شهری به عنوان رأس هرم فضاهای شهری پاسخگو، مستلزم پاسخگویی کالبدی، فعالیتی و اجتماعی آن می باشد که در ارتقاء تعاملات شناختی و رفتاری مؤثر بوده و ارتقاء تعامل عاطفی و معنایی را برای فرد به همراه دارد. به علاوه عواملی چون

عناصر خاص مکان مثل نشانه ها، قدمت مکان، ارزش زمین و وابستگی های اجتماعی به مکان، مثل پاتوق ها، تداوم و میزان کاربری و حضور در مکان در این امر نقش بسزایی دارند.

تصور و تشخص مکان که تصور قوی از شخصیت و هویت آن در ذهن کاربران خود ایجاد می نماید و خلق حس مکان و تجارب به یادماندنی در فضاهای شهری از طریق تعریف و تعین مکان که در اولین مواجهه فرد با مکان وی را تحت تأثیر قرار می دهد، از عوامل موجد تعامل مطلوب انسان و مکان و خلق تجارب معنادار و به یادماندنی در مکان می باشند.

عامل زمان(طول مدت سکونت)، تجارب و خاطراتی که فرد از مکان در ذهن خود دارد نیز از جمله عواملی ست که در این امر نقش دارند. به طور کلی تعامل عاطفی و معنایی پس از آن که افراد تجربه درازمدت یا قوی با یک مکان دارند، اتفاق می افتد و در این فرایند، مکان معنای وسیعی برای فرد می یابد. این امر گاه برخاسته از خاطرات دوران رشد و ارتباطاتی ست که در یک مکان اتفاق می افتد و نه فقط مکان صرف. در واقع گذشته تعاملی فرد با مکان خاص و قدرت این ارتباط به میزان معنا دار بودن آن تجربه بستگی دارد. هرچه تجربه یا نحوه دریافت آن مهم تر باشد، این ارتباط قوی تر خواهد بود.

اما آن چه در این میان قابل ذکر است آن که مطالعات انجام شده در زمینه تعامل انسان و مکان به نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی اشاره دارد که خود مؤید لزوم طراحی انسان محور در خلق فضاهای شهری موفق می باشد که از طریق مشارکت افراد در فرایند خلق مکان میسر است. چراکه مشارکت علاوه بر آن که توسعه تعامل مطلوب انسان و مکان را به همراه دارد، انعکاس دهنده توقعات افراد نسبت به مکان و نحوه زندگی آن ها در آینده نیز می باشد که تأمین آن ها، مکان را برای فرد پرمعنا می سازد.

٤. فصل چهارم: رابطه انسان و مکان و کیفیات مطرح در خلق شهرهای موفق

٤ ٠١ -اهداف فصل:

مکان ها علاوه بر آن که پاسخگوی نیازهای عملکردی و روزمره انسان هستند بر جنبه های غیرمادی زندگی او نیز تأثیرگذارند. لذا در این فصل با توجه به اهمیت مقوله های کیفی شهر و فضاهای عمومی، که به رابطه انسان و مکان ورای نیازهای اولیه او اشاره دارند، پس از طرح مقدمه ای پیرامون رابطه انسان، دیدگاه های نظریه پردازان مختلف در این زمینه مطرح گردیده است. در ادامه نیز برخی از کیفیات مطرح شده که از سوی متخصصین مختلف مورد تأکید واقع شده، مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد گوناگونی که می تواند جهت سنجش و ارتقاء این کیفیات به کار گرفته شود عنوان گردیده است. عناوینی که در این فصل مطرح گردیده اند شامل محورهای زیر می باشد:

- بررسی رابطه انسان و مکان و ابعاد مختلف آن؛
- شناخت نظریات برخی از محققین در حوزه طراحی شهری که به بهبود رابطه انسان و مکان با هدف خلق شهرها موفق پرداخته اند؛
- معرفی برخی از کیفیات حائز اهمیت در حوزه طراحی شهری که می تواند ارتقاء کیفیت محیط های شهری را به همراه داشته باشد.

٤ ٢ -رابطه انسان و مکان

انسان بخشی از محیط بیولوژیکی و اجتماعی است که به او به میراث می رسد. محیط بیولوژیکی به ساختار زمین، اقلیم، پوشش گیاهی و جانوری مکان زندگی، ارتباطات اجتماعی میان افراد و هنجارهای جامعه اشاره دارد که خود، مولد محیط اجتماعی انسان می باشد. محیط اجتماعی نیز دربردارنده معانی بالقوه ای ست که احساسات مردم را درباره خود و جهان پیرامون آنها شکل می دهد. جان لنگ محیط پیرامون انسان را در قالب زیر طبقه بندی می نماید که با یکدیگر ارتباط و پیوستگی تنگاتنگی دارند:

- محیط زمینی یا خاکی: شامل زمین، ساختار و فرایند هایش؛
- محیط زنده و پویا: ارگانیسمی زنده که آن را تصرف و اشغال می کند؛
- محیط اجتماعی: شامل ارتباطات میان مردم؛
- محیط فرهنگی: هنجارهای رفتاری و حقایقی که توسط جامعه خلق شده است.

رابطه و تعامل انسان با محیط بیولوژیکی و اجتماعی خود مبنای مطالعات فراوانی قرار گرفته است که به توصیه خلق کیفیات مختلفی در این عرصه منتهی گردیده است. چراکه آگاهی از نحوه ی درک انسان

از محیط پیرامونش و چگونگی تجربه ی مکان، بُعد اصلی و ضروری طراحی شهری می باشد. از اوایل دهه ۱۹۶۰، این مطالعات در حوزه میان رشته ای روانشناسی محیط و طراحی شهری محور بسیاری از تحقیقات گردیده است که دستاورد آن اطلاعات وسیعی پیرامون احساس مردم نسبت به محیط شهری پیرامون آن ها بوده است. هدف این مطالعات، جستجو در این باره است که چگونه مردم مکان ها را درک و تجربه می کنند.

افراد بر محیط تأثیر می گذارند و متقابلاً از آن تأثیر می پذیرند. به منظور وقوع چنین تعاملی افراد ابتدا محیط را از طریق دیدن، شنیدن، بوییدن و لمس کردن تجربه می نمایند. چراکه فعالیت قوه ادراک در رابطه با مکان، مستلزم جمع آوری و سازماندهی اطلاعات فرد از مکان است. بنابراین می توان گفت بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه، با ارزش ترین حواس در ادراک و سپس تفسیر مکان می باشند.

- **بینایی:** بیشترین بخش از اطلاعات محیطی و جهت یابی در مکان از طریق حس بینایی صورتی می گیرد چراکه این حس، فعال و جستجوگر است. افراد ابتدا می بینند و سپس بوها و صداها را دریافت می کنند. حس بصری، بسیار پیچیده است و به فاصله، رنگ، شکل، بافت و تضاد و بسیاری از عوامل کالبدی و ظاهری مکان بستگی دارد.
- **شنوایی:** برخلاف حس بینایی که با موضوعاتی چون فضا و کالبد آن ارتباط دارد و پیش روی افراد است حس شنیداری با فضای اکوستیک که بدون هیچ محدودیتی پیرامون شخص را احاطه کرده است در رابطه می باشد. شنوایی اطلاعات کم اما از نظر حسی، غنی را به افراد می دهد چراکه افراد به شدت تحت تأثیر اصوات قرار می گیرند. برای مثال، موسیقی، صدای رعد و برق، صدای جرکت جریان آب و یا وزش باد تأثیرات متفاوت و غیر قابل انکاری بر احساس فرد دارند.
- **بویایی:** با وجود شنوایی، حس بویایی نمی تواند به خوبی عمل کند. هنگامیکه اطلاعات کمتری از طریق شنیدن دریافت می شود، بوییدن از نظر احساسی غنای بیشتری می یابد.
- **لامسه:** بخش عظیمی از تجارب افراد از بافت مکان، از طریق تماس بدن انسان با اجزاء مختلف مکان مانند دستها صورت می گیرد.

با وجود اینکه حس بینایی، حس مسلط و مهم است، محیط شهری تنها از طریق بصری، درک نمی شود. بیکِن در این باره می گوید تغییر تصویر بصری، تنها شروع یک تجربه حسی می باشد. تغییرات از نور به سایه، از گرما به سرما، از صدا به سکوت، جریان بوهای مرتبط با فضاهای باز و کیفیت لمسی سطح زیر پا، همگی در احساس نهایی انسان از مکان نقش و اهمیت دارند. لنگ نیز در این باره استدلال می کند که «صداسازی» محیط می تواند به اندازه ی کیفیت های بصری آن در کیفیت

ادراکی مکان تأثیر داشته و وجود اصوات مطلوب مانند: آبشارها، فواره ها و صدای طبیعت می توانند تأثیر صداهای نامطلوب، از قبیل صدای ترافیک را کاهش دهد.

به منظور ادامه بحث پیرامون انسان و مکان، باید دانست که علاوه بر حواس پنجگانه، ادراک اباد گوناگونی دارد که به طور همزمان فعالیت می کنند. ایتلسون در این باره به چهار بُعد ادراکی زیر اشاره دارد:

- بُعد شناختی که مستلزم اندیشیدن، سازماندهی و نگهداری اطلاعات است و اولین گام در راستای شکل گیری احساس فرد نسبت به مکان است.
- بُعد عاطفی: که مستلزم متأثر نمودن احساسات فرد است که در تعاملی دوسویه با ادراک فرد از مکان قرار دارد.
- بُعد تفسیری: که شامل معنی یا تداعی معانی برگرفته از محیط است. در تفسیر اطلاعات، افراد بر حافظه، تجارب گذشته و یا تجربه ای تازه تکیه دارند.
- بُعد ارزیابانه: که ارزش ها و سلایق و تعیین خوب یا بد را ثبت می کند و با ارزیابی فرد از مکان سروکار دارد.

٤ ٣ -مروری بر برخی نظریه های مطرح شده درباره کیفیات محیط های شهری مطلوب:

هر مدلی که برای بهبود کیفیت شهرها مطرح می گردد رابطه ای میان ارزش ها و اهداف طراحی شهری برقرار می نماید که به دنبال بهبود و ارتقاء رابطه انسان با محیط پیرامون اوست. این امر محور بسیاری از تحقیقات در بستر شهرها قرار گرفته است که در ادامه برخی از نظریات شاخص در این باره مطرح گردیده اند.

٤ ٣ ١ -نظریه کارمونا:

کارمونا به منظور دستیابی به محیط شهری مطلوب کیفیات مختلف زیر را مطرح می نماید:

- **حمایت زیستی:** توجه به منظرآرایی، گیاهکاری، کاشت درختان در خیابان، تشویق به توسعه فضای سبز و ساخت باغچه های خصوصی؛
- **خودبسندگی:** تشویق به ایجاد فضاهایی کوچک با مقیاس کوچک برای تجارت به همراه فراهم نمودن امکاناتی چون پارک دوچرخه؛
- **انعطاف پذیری:** طراحی فضاهای مقاوم و قابل استفاده برای کاربریهای گوناگون، طراحی فضاهای قابل تطبیق با زیر ساخت ها خدمات رسانی به فضاها؛
- **کاهش آلودگی:** طراحی فضاهایی با تهویه مناسب و اولویت دهی به حمل ونقل عمومی؛

- **نظارت:** پاسخگو بودن در مقابل مکان، کنترل سرعت اتومبیل، امکان شخصی سازی فضای عمومی و مدیریت قلمروی عمومی؛
- **کارآیی منابع:** طرح هایی برای بهره گیری از انرژی خورشید، کاهش سرعت وسایل نقلیه موتوری و محدود نمودن حرکت آن ها، طراحی فضاهایی که سرعت باد را کاهش دهند و در نهایت به کارگیری مصالح بومی و طبیعی؛
- **تمرکز:** اختصاص فضاهای رها شده به معابر، پارکینگ و افزایش سرزندگی با تمرکز فعالیتها؛
- **شاخص بودن:** توجه به فرم، فضا و تشخص در طراحی با حفظ سیمای ویژه فضا براساس ویژگی های بومی مکان و حفظ فضاها و بلوک های ساختمانی با اهمیت؛
- **تنوع وانتخاب:** طراحی با هدف اختلاط کاربری در ساختمان ها و بلوک ها، طراحی برای پیاده و دوچرخه، جلوگیری از خصوصی سازی قلمروی عمومی و حذف حصار از دسترسی محلی
- **نیازهای انسانی:** ایجاد فضای عمومی با کیفیت مطلوب، مبارزه با جرم در طراحی فضا و مدیریت آن، تقلیل برخورد پیاده و سواره برای ارتقای ایمنی و طراحی با هدف ارتقاء ارتباطات اجتماعی و بازی ایمن کودکان.

٤ ٣ ٢ نظریه چپ من:

چپ من در رابطه با کیفیات بصری و فضایی کیفیات زیر را مطرح می کند:

- توالی؛
- شگفتی (رویت مناظر غیرمنتظره)؛
- تضاد؛
- مقیاس.

٤ ٣ ٣ نظریه جیکوبز و اپلیارد

جیکوبز و اپلیارد نیز در مقاله خود هفت هدف را در مورد آینده محیط شهری مطلوب بیان می کنند:

١) قابلیت زندگی: سطح مناسب رفاه برای همه؛

٢) کنترل و هویت: مردم باید احساس کنند بخشی از محیط به آن ها تعلق دارد؛

٣) دسترسی به فرصت ها، تصورات، لذت ها: مردم باید شهر را جایی بیابند که بتوانند رسوم را بشکنند، تجربیات خود را گسترش داده و لذت و تفریح داشته باشند؛

٤) معنا: مردم باید شهر، عرصه های عمومی آن و فرصت های موجود در آن را ادراک نمایند؛

٥) زندگی عمومی و اجتماعی: مشارکت در زندگی عمومی؛

٦) خود اتکایی شهر: پایداری در استفاده از انرژی و منابع؛

۷) محیطی برای همه: قابلیت دسترسی برای همه و دسترسی هر شهروند به حداقل سرزندگی، هویت، کنترل و فرصت ها.

برای رسیدن به این اهداف، ۵ مشخصه فیزیکی برای تعریف محیط شهری تبیین می شود.

۱. خیابان ها و واحدهای همسایگی سرزنده؛

۲. تراکم حداقل فضاهای مسکونی و بهره گیری حداکثر از زمین؛

۳. فعالیت های یکپارچه و به هم پیوسته از زندگی، کار، خرید، با همجواری متناسب؛

٤. ایجاد محیط انسان ساز که فضاهای عمومی را به وسیله ساختمانهل تعریف می کند؛

۵. وجود بناهای شاخص و ارتباطات پیچیده.

٤ ۳ ٤ -نظریه فرانسیس تیبالدز:

تیبالدز نیز ۱۰ اصل را در رابطه با طراحی شهری بیان می کند:

۱) قائل شدن اولویت به فضاهای باز نسبت به فضاهای بسته؛

۲) داشتن تواضع، آموختن از گذشته و لحاظ نمودن مفاهیم تاریخی؛

۳) فراهم آوردن کاربری مختلط در سطح شهر؛

٤) طراحی در مقیاس انسانی؛

۵) تشویق به آزادی حرکت پیاده در سطح شهر؛

٦) لحاظ نمودن اقشار مختلف جامعه و جلب مشارکت آن ها؛

۷) ساختن محیطی خوانا؛

۸) ساختن برای بقا و پایداری؛

۹) اجتناب از تغییر بسیار زیاد مقیاس در یک لحظه؛

۱۰) افزایش پیچیدگی، لذت و محظوظیت بصری در محیط مصنوع با تمامی ابزاری که در اختیار طراح قرار دارد.

تیبالدز علاوه بر موارد فوق الذکر براساس مطالعاتی که بر شهر لندن انجام داد به اصول هشتگانه ای دست یافت که در ذیل آمده است:

۱. مقیاس انسانی و فشردگی؛

۲. خوانایی و هویت ساختار شهر؛

۳. پاکیزگی و ایمنی؛

٤. مدیریت شهری مطلوب؛

۵. حضور و حرکت افراد پیاده در عرصه شهر؛
٦. وجود فضاهای عمومی و فضاهای خاص؛
۷. فعالیت و اختلاط کاربری؛
۸. غنای بصری شهر.

٤ ۳ ۵ جریان نوشهرگرایی

این جریان نیز پس از برگزاری کنگره های گوناگون با حضور محققین و نظریه پردازان مختلف به معرفی کیفیات زیر می پردازد:

۱ -قابل قدم زدن بودن مکان با این دیدگاه که

الف- خانه و محل کار می باید به فاصله ۱۰ دقیقه قدم زدن، از یکدیگر قرار گیرند.

ب- طراحی خیابان می باید معطوف به حرکت پیاده شکل گیرد. طراحی ساختمان های نزدیک به بدنه خیابان با ایوان و بازشو، وجود درختان ردیفی، پارکینگ های پنهان شده در سایه درختان، تعبیه گاراژ منازل در پشت ساختمان و به طور کلی طراحی خیابان های آرام در این باره توصیه می شود.

۲ -ارتباطات: ارتقاء کیفیت ارتباطات شهر از طریق رهیافت های زیر:

- پیش بینی معابر در هم تنیده که به راحتی قابل قدم زدن باشد.
- پیش بینی سلسله مراتب در طراحی خیابان ها، بلوارها و کوچه ها.
- ارتقاء کیفیت شبکه پیاده و قلمرو عمومی که قدم زدن در شهر را دلپذیر می سازد.

۳ -کاربری مختلط: با اتخاذ راهکارهایی چون:

- برنامه ریزی ترکیبی از مغازه ها، ادارات، آپارتمان ها و فضاهای مسکونی در مقیاس های مختلف شهری اعم از واحدهای همسایگی، بلوک های شهری و تک بناها.
- تنوع حضور مردم در فضا به لحاظ سن، طبقه، فرهنگ و نژاد مختلف.

٤ -الگوی مختلف در طراحی فضاهای مسکونی که دامنه ای از ابعاد، مساحت و قیمت های گوناگون مسکن را در کنار یکدیگر داشته باشد.

۵ -کیفیت مطلوب معماری و طراحی شهری: با تأکید بر آسایش، زیبایی، حس مکان، مقیاس انسانی و ایجاد روحیه ای انسانی درون فضا.

٦ -گرایش به ساختار همسایگی های سنتی با پیش بینی موارد زیر:

- فضاهای عمومی در مرکز؛
- لبه ها و بدنه های شهری فعال؛
- فضاهای عمومی با تأکید بر کیفیت و جنبه های هنری در طراحی این فضاها؛

– فعالیت ها و عملکردهای گوناگون در شعاعی به فاصله ۱۰ دقیقه قدم زدن از یکدیگر؛

– تراکم بالا در مرکز که به سمت لبه ها کاهش می یابد.

این امر می باید الگوی ساخت و ساز، تأمین نیاز مردم در کنار مسائل برنامه ریزی بر پایه منطقه بندی و سلسله مراتب در ساخت و ساز و تراکم ساختمانی، با یکدیگر پیوند زند.

۷ –افزایش تراکم: این کیفیت در پی افزایش تراکم ساختمان ها، مردم، مغازه ها و خدمات است که ضمن تشویق به قدم زدن مردم در شهر، استفاده مؤثر از کاربری ها را ارتقاء می بخشد.

۸ –حمل و نقل هوشمند با پیش بینی شبکه ای از فضاهای شهری با کیفیتی بالاکه واحدهای همسایگی را با شهر پیوند می زند. این کیفیت حرکت پیاده، کاربرد دوچرخه را تشویق می کند.

۹ –پایداری: در راستای مباحثی که در رابطه با توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی مطرح می باشد این کیفیت در پی:

– به حداقل رساندن تأثیرات محیطی ناشی از توسعه و عملکرد در شهر؛

– استفاده از ابزار و روش های دوستدار محیط زیست با احترام به ارزش های طبیعی و اکولوژیک؛

– استفاده مؤثر از انرژی؛

– کاهش مصرف سوخت؛

– تشویق به قدم زدن و کاهش وابستگی به اتومبیل.

۱۰ افزایش و ارتقاء کیفیت زندگی: تأمین موارد فوق الذکر با ارزش بخشیدن به زندگی افراد، خلق مکان و غنی بخشیدن به آن را با الهام از جنبه های انسانی فضا در پی دارد.

٤ ٣ ٦ -نظریه اوینگ:

نیز در مطالعات خود در بستر شهرها به اهمیت کیفیات زیر اشاره دارد:

–تصور پذیری: کیفیتی که مکانی را متمایز، قابل شناخت و به خاطر سپردن می سازد. این کیفیت مبتنی بر عناصر کالبدی خاص و نحوه ساماندهی آن است که احساس و عاطفه افراد را به خود جلب می کند.

–خوانایی: سهولت ادراک ساختار فضایی یک مکان توسط کاربران که امکان جهت گیری و موقعیت یابی افراد را تأمین می کند.

–محصوریت: تعریف فضا به وسیله ساختمان ها، بدنه، درختان و سایر عناصر و نیز تناسب بدنه و عرض مکان.

-مقیاس انسانی: به ابعاد، بافت و مفصل بندی عناصر کالبدی اشاره دارد که در تطابق با نیاز انسان و قدم زدن است.

-ارتباط: ارتباطات بصری و کالبدی بین اجزاء مختلف خیابان و فضای باز و بسته و نیز وحدت بخشیدن عناصر گوناگون خیابان است.

-شفافیت: امکان دید به فضا، فعالیت ها و مردم

-پیچیدگی: غنای بصری و گوناگونی عناصر در نوع و تعداد عناصر آن و ابعاد معمارانه و طراحانه در تزئینات، منظرآرایی، مبلمان و نشانه گذاری

-انسجام: نظم بصری و تداوم در مقیاس، شخصیت، ساماندهی، منظرآرایی، مبلمان، مصالح، کفسازی و سایر عناصر کالبدی

-پاکیزگی: بهداشت، حفظ و نگهداری مکان.

٤ ٣ ٧ -نظریه لینچ:

لینچ در این باره به پنج معیار اصلی به همراه دو فرامعیار را با هدف خلق شهری مطلوب مطرح می کند که به دلیل اهمیت آن در ادامه به تفصیل به آن پرداخته شده است:

٤ ٣ ٧ ١ -بقا:

این کیفیت بیانگر آن است که شکل شهر تا چه اندازه برآورنده نیازهای اولیه و عملکردی انسان می باشد. محیطی می تواند از چنین خصوصیتی برخوردار باشد که به شرایط بقاء را برای انسان و محیط طبیعی پیرامون او فراهم سازد و یا به عبارتی پایداری طبیعت و موجودات زنده را تضمین نماید. بنابراین به حداقل رساندن مداخلات و آسیب ها به طبیعت اولین گام در این راستا خواهد بود. عنصر دیگری که در راستای این هدف مطرح می گردد تأمین ایمنی انسان در برابر عوامل تهدید کننده و خلق محیط هایی ست که با ساختار فیزیکی و بیولوژیکی انسان سازگار و هماهنگ باشد.

٤ ٣ ٧ ٢ -معنا:

عامل معنا در مکان به رابطه ادراکی انسان و محیط پیرامون او و انطباق ویژگی های ادراکی مکان با ساختار ذهنی انسان در عین تطابق با نظام ارزش ها و فرهنگ او اشاره دارد. اولین مرحله در تأمین این کیفیت، وضوح مکان می باشد که هم جنبه های ذهنی و هم جنبه های عینی مکان را در بر می گیرد. به این معنا که جنبه های فرهنگی، ویژگی های فردی و انگیزه کاربران نیز در این رابطه تأثیرگذار است چنانکه حتی بحث هایی مانند هویت مکان نیز در این رابطه مطرح می گردد. معنای مکان نه تنها ذهن، عواطف، خاطرات و ارزشها را مخاطب قرار می دهد بلکه با حواس پنجگانه انسان نیز از طریق بویایی،

شنوایی و غیره در رابطه است. یکی از مهمترین دستاوردهای این کیفیت در شناخت مکان و امکان جهت یابی و یافتن مسیر در مکان های مختلف شهر است و تأمین آن حس اعتماد بـه نفـس، امنیـت و آرامـش شهروندان را به همراه دارد. نکته دیگری که در رابطه با معنای مکان مطرح می شود تأمین شفافیت مکـان است که به معنای اشاره بی واسطه مکان به عملکردها و ویژگی های آن در ذهن کاربران آن است کـه بـا وجود نمادها و نشانه های مستقیم و غیرمستقیم قابل دستیابی می باشـد و بـه عنـوان جزئـی از خوانـایی مکان مطرح می شود. این نشانه ها می تواند غنی یا ضعیف، درست یا نادرست و بااهمیت یا بی اهمیـت باشند و یا به لحاظ تاریخی ریشه دار بوده و یا در موقعیت ویژه ای قرار گرفته باشـند. بـه هرحـال، سـه عامل اصلی در معنای شهر که با مفاهیم غیرکالبدی گره خورده اند شامل سازگاری، شـفافیت و خوانـایی می باشند که می توانند در عین حال موجد ارزش ها و ویژگی های اجتماعی، فرهنگـی و حتـی سیاسـی خـاص باشـند. ویژگـی هـا و تمـایزات ظـاهری مکـان نیـز جـزء کالبـدی معنـا در شـهرها بـه شـمار می رود.

٤ ٣ ٧ ٣ -تناسب:

به ظرفیتهای مکان در رابطه با عملکردهای آن به لحاظ کمی اشاره دارد. این کیفیـت بـه ویژگـی هـای جسمی و رفتاری انسان و ابعاد کالبدی مکان اشاره دارد که جنبه جهـانی و عـام دارد. بـه عبـارت دیگـر تناسب به معنای راحتی، رضایتمندی کاربران و کارآیی مکان در پاسخگویی و حمایت از عملکـرد مکـان است که با تأمین استانداردها به لحاظ سرانه، تراکم و مسائلی از این دست قابل دستیابی ست. البتـه ایـن کیفیت با ظرفیت های مکان در تغییرات آینده و پذیرش عملکردهای جدید آن و یا انعطـاف پـذیری نیـز در رابطه است. به این منظور، پیش بینی ظرفیت های بیشتر، دسترسی مناسب، به حـداقل رسـاندن تضـاد میان اجزاء و استفاده از پیمون در ساخت و سازها از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه محسـوب مـی شوند. دستیابی به انعطاف پذیری با مشکلاتی مانند تضاد منافع میان گروه های مختلف نیز مواجـه اسـت که مستلزم مدیریت صحیح می باشد.

٤ ٣ ٧ ٤ -دسترسی:

به امکان دسترسی برابر افراد و گروه های مختلف اجتماعی به منابع، خدمات، عملکردهـای مختلـف و سایر افراد اشاره دارد. دسترسی، جنبه های کالبدی و ذهنی(یا نمادین) دارد، چنانکه بعضـی از مکـان هـا تنها گروه های خاص اجتماعی را به خود دعـوت مـی کننـد. تـأمین دسترسـی در محـیط هـای شـهری برقراری تعاملات اجتماعی، بهره برداری آسان از فعالیت ها و خدمات و در نتیجـه رفـاه بـیش تـر را بـه همراه دارد. در محیط های شهری، وجود گزینه های مختلف دسترسی، شامل پیاده، دوچرخـه و حمـل و نقل عمومی و امکان دسترسی در سـاعات مختلـف روز و روزهـای مختلـف سـال، معیارهـای ارزیـابی

دسترسی می باشد که اندیشیدن به شبکه راه ها و نحوه توزیع فعالیت هـای گونـاگون در سـطح شـهر از جمله ملزومات آن است. تأمین دسترسی مطلوب ضمن کـاهش زمـان سـفرهای درون شـهری و کـاهش مصرف انرژی، ارتقاء معنای مکان را برای افراد و گروه های مختلف به همراه دارد. هنگامی کـه صـحبت از دسترسی به میان می آید باید این امر را مدنظر داشت که هدف، صرفاً دسترسی سـریع نیسـت چراکـه این امر خود افزایش تصادفات، مزاحمت ها و سروصدا را در پی دارد. بنابراین مـی تـوان گفـت کـاهش موانع کالبدی، مالی، اجتماعی و روانی در عین کنترل، جهـت دسـتیابی بـه سـطح بهینـه ای از دسترسـی، مدنظر طراحان و برنامه ریزان شهری می باشد.

٤ ٣ ٧ ٥ نظارت و اختیار:

نظارت و اختیار به میزان مشارکت افراد در بهره برداری، ایجاد، تغییر، اصلاح و مدیریت در مکان هـای مورد استفاده آن ها اشاره دارد. به طورکلی انسان در رابطه با محیط پیرامونش نیاز به قلمرو و تعیین مـرز و محدوده آن دارد که در قالب این قلمرو و فضای شخصی به فعالیت دست می زند و با سایرین ارتبـاط برقرار می نماید. تأمین این قلمرو تأثیر بسزایی در سلامت روانی انسان و تأمین خواسته های او به لحـاظ عزت نفس، رضایت و تسلط بر محیط پیرامون او دارد. معمـولاً اولـین و شـناخته شـده تـرین مرحلـه از داشتن قلمرو، مالکیت های قانونی و تعریف شده می باشد که باید توجه داشت تنها این امر کافی نیست! اما پیش از ادامه صحبت پیرامون نظارت و اختیار لازم است حقوق افراد در رابطه با مکـان مطـرح گـردد چراکه انسان تا آنجاکه حقوق مشابه سایر افراد را پایمال ننماید دارای حقوق مختلف در مکان می باشد:

الف– حق حضور در مکان؛

ب– حق استفاده آزادانه از مکان؛

ج– حق اختصاص دادن مکان به خود حتی به صورت موقت؛

د– حق اصلاح و تغییر و در نهایت واگذاری آن.

با این مقدمه، نظارت و اختیار هنگامی قابل دستیابی ست که هم کاربران فعلی و هم کاربران آتـی فضـا مورد توجه قرار گیرند. سازگاری مکان با ساکنان فعلی و تأمین حقوق فضایی آن هـا در کنـار تعریـف و تعیین محدوده نظارت و کنترل آن ها در کنارِ دادنِ آگـاهی، انگیـزه و قـدرت لازم از جملـه بحـث هـای کلیدی در این باره می باشد. عامل اطمینان یعنی تعیین حدود نظارت و قابل پیش بینـی بـودن آن و حـل تضادها و ابهامات، به نحوی که افراد احساس امنیت داشته باشند از جمله نکـات حـائز اهمیـت در ایـن زمینه است. چراکه عدم توافق و ابهام، می تواند تنازعاتی را در پی داشته باشد و یا انتقال ایـن حـق را بـا پیچیدگی هایی مواجه سازد. راهکارهای کالبدی و طراحانه ای نیز وجود دارد کـه مـی توانـد از ابهامـات مذکور بکاهد. این راهکارها شامل: تعیین مرزها و حریم ها با استفاده از علائم، نشانه ها و حتی نرده هـا

و تعریف ورودی های به لحاظ نوع و موقعیت، ایجاد مسیرهای بن بست و تقسیم روشن و متمـایز فضـا و تمهیداتی از این دست می باشد که به شرط وجود نظارت عالیه می تواند مؤثر باشد.

٤ ٣ ٧ ٦ -کارآیی:

دو مقوله کارآیی و عدالت دو فرامعیار هستند که عامل سنجش سایر کیفیات مطرح شده و نحوه تعـادل میان آن ها می باشند. به این معنا که دو کیفیت مذکور نحوه تأثیر و تأثر کیفیات مذکور و مزایـا و معایـب آن را مورد سنجش قرار می دهند. چراکه تأمین و یا افزایش یکی از آن هـا، از دسـت دادن و یـا کـاهش دیگری را به همراه دارد. به عنوان مثال، احداث خانه های ردیفی می تواند سبب کاهش هزینه هـا گـردد ولی در عین حال مصرف سوخت و یا میزان رفت و آمد را افزایش خواهـد داد. بنـابراین وقتـی کـارآیی تأمین خواهد شد که الگویی بهینه معرفی گردد که میزان متعادلی از سرمایه و سوخت را مصـرف نمایـد. بنابراین شهر کارآ شهری ست که سطح بالای دسترسی را بدون از دسـت دادن حـس اختیـار شـهروندان تأمین نماید. با این تعریف، تهیه فهرستی از محورها و کیفیاتی که گاه در تضاد با یکدیگر قرار می گیرنـد بسیار مفید خواهد بود.

٤ ٣ ٧ ٧ -عدالت:

عدالت نیز مقوله ای ست که به معنای توزیع سود و زیان ناشی از مقولـه کـارآیی مـی باشـد. امـا ایـن توزیع هنگامی عادلانه خواهد بود که شرایط گـروه هـای مختلـف اجتمـاعی و فرهنگـی و بـا شـرایط و ظرفیت های مختلف مکان مورد توجه قرار گیرند. بنابراین توزیع برابر مد نظر نبوده و گاه تأمین حـداقل ها برای افراد، گاه در اختیار داشتن کالاها و خدمات اصلی و اساسی برای همه و گاهی نیـز گـروه هـای مختلف و نیازهای متفاوت آن ها، مبنای عمل قرار می گیرد که به این لحاظ با پیچیدگی هـا و مشـکلاتی روبروست. به عنوان مثال نیازمندی های یک فرد معلول برای تأمین رضایتمندی او بیش از یک فرد سالم می باشد. اما نکته ی غیر قابل انکار آن است که عدالت امری ذهنی ست و افراد باید قادر باشـند آشـکارا آن را احساس نمایند و در عین حال، باید با ثبات، قابل پیش بینی و مداوم باشد. علاوه بـراین، تأکیـد بـر عدالت در بخشی از جنبه ها بیش از سایر جنبه ها می باشد. به عنوان نمونه، دسترسی برابـر بـرای گـروه های مختلف(از جمله جوانـان، معلـولین، بیمـاران، کودکـان، اقلیـت هـا، مسـتمندان و سـالخوردگان) و سرزندگی دو مقوله اصلی در عدالت می باشند. ایمنی نیز مقوله ای ست که تأمین آن در برخـی از گـروه های اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. عدالت در مورد تناسب با پیچیدگی هـای بیشـتری نیـز روبروست. چراکه تأمین و تعیین حداقل ها، به نحو بارزی به نحوه معیشت افراد و شرایط اجتماعی آنـان وابسته است. در نهایت در مورد مقوله اختیار و نظارت می توان گفت این امر جزء اساسـی در آزادی بـه شمار می رود که لازمه عدالت می باشد و هدف آن قدرت بخشـیدن بـه مـردم در امـر نظـارت و جلـب

مشارکت آنها در مدیریت شهری ست. در مجموع می توان گفت معیارهای مذکور ویژگی ها، ابعاد و تعاریف گوناگونی دارند که در شرایط فرهنگی مختلف، متفاوت خواهد بود. برآوردن یکی از آن ها سبب تأمین دیگری نخواهد شد و حتی گاه در تضاد با یکدیگر خواهند بود. علاوه بر این ارزیابی و تأمین آن ها به بافت اجتماعی و سیاسی آن جامعه بستگی دارد.

٤ ٤ -معرفی برخی از کیفیات در رابطه با فضاهای شهری و ابعاد آن:

٤ ٤ ١ -سرزندگی

سرزندگی به معنی میزان آسایش مکان و امکان لذت بردن کاربران از حضور در مکان است که عواملی مثل امنیت از جرم و وجود خدمات در آن نقش دارند. مونتگومری در تبیین شاخص های اصلی سرزندگی به این موارد اشاره دارد:

-میزان تنوع کاربری ها؛

-تناسب کاربری ها با مکان؛

-زمان فعالیت کاربری ها در مکان و تداوم آن در ساعات مختلف شبانه روز؛

-دسترسی به سینماها، تئاترها، رستوران ها و سایر مکان های تجمع فرهنگی با کیفیت، قیمت و انواع مختلف؛

-دسترسی به فضاهایی چون: باغ ها، میدان ها، کنج ها و وجود دیدها و فعالیت هایی که کاربران می توانند از مشاهده آن لذت ببرند؛

-الگوهای کاربری مختلط و نیز حفظ، نگهداری و سرمایه گذاری در مکان؛

-وجود املاک با ابعاد و قیمت های مختلف؛

-میزان نوآوری و راز گویی مکان به لحاظ معماری و بهره گیری از تنوع گونه، سبک و سایر ابعاد طراحانه بنا؛

-زندگی فعال خیابانی و توجه به بدنه و نمای خیابان ها.

پاکزاد نیز در تبیین مؤلفه های سرزندگی دو عامل تنوع (در دو بعد کالبد و فعالیت) و امنیت اشاره دارد که در ادامه آمده است:

٤ ٤ ١ ١ -تنوع:

- **در عملکرد:** که با وجود تنوع کاربری مکان در ساعات مختلف شبانه روز و جلب گروه های مختلف که امکان فعالیت فردی و جمعی را به همراه دارد. وجود فعالیت های مربوط به گذران

اوقات فراغت مانند رستوران، کافی شاپها و کافه ها که دارای سرریز در خیابان هستند، در کنار تسهیلاتی مثل پارکینگ، تلفن عمومی و دسترسی به حمل و نقل عمومی نی در این زمینه نقش دارد.

- **در کالبد:** تنوع در جزئیات، مصالح، نورپردازی و فرم، در کنار حفظ بناهای تاریخی و شاخص، در ایجاد سرزندگی نقش مؤثری دارند.

٤ ٤ ٢ ١ امنیت:

- **در عملکرد:** پراکندگی نقاط فعال و روشن، کاربری های جاذب برای گروه ها و افزایش امنیت از طریق حضور مردم، امکان کنترل و وجود افراد مسئول، سازگاری فعالیت ها و وجود فعالیت مسکونی در بدنه ها، ضمن پاسخگویی به نیازهای روزمره مردم می تواند موجد سرزندگی در فضاهای شهری باشد.
- **در کالبد:** عدم وجود گوشه های تاریک و مخفی، نورپردازی مناسب، امکان مراقبت و کنترل بصری و ایجاد تمایز بین عرصه های فضای عمومی و خصوصی ازجمله راهکارهای مؤثر در تأمین سرزندگی به شمار می روند.

به طور کلی دستیابی به محیطی سرزنده در شهرها مستلزم توجه به ابعاد مختلف کالبدی زیر است:

- دسترسی: به معنای امکان دسترسی پیاده و دوچرخه به عناصری چون کتابخانه، مغازه، پارک و سایر خدمات و کیفیت خیابان در حمایت از حرکت پیاده است؛
- توجه به شبکه معابر و خیابانها: موقعیت پیاده و دوچرخه، تداوم منظرآرایی خیابان، اصلاح الگوی تقاطع ها، مفصل بندی و ابعاد بلوک های شهری، عرض مناسب خیابان و پیاده رو، طراحی منظر، استفاده از عوامل طبیعی و عدم وجود موانع حرکتی؛
- فرم مکان: توجه به مقیاس، توده و تراکم، جزئیات و هماهنگی و ناهماهنگی آن، نوع ساختمان، مصالح، کاراکتر و شرایط و ساختارهای تاریخی؛
- وجود فضاهای عمومی: فضاهای باز، پارک ها، پلازاها و فضاهای اجتماعی و الگوی کاربری و انواع آن؛
- فعالیتهای مکان: فعالیت های مرئی پیاده، زندگی فعال شبانه، گوناگونی و چندعملکردی بودن فضا و تأمین نیازهای روزمره؛
- عوامل طبیعی: توپوگرافی، مشخصات طبیعی، منظرآرایی، سایه، آفتاب و خورشید، ریز اقلیم، منظرآرایی تداوم تاریخی مکانها؛
- دیدها: دیدهای طبیعی، نشانه ها و کریدورهای بصری و خط لبه و آسمان؛

– کنترل مسئولین و نحوه مالکیت و کنترل عمومی و مواردی چون حذف مزاحمت های صوتی، ایجاد فضاهای منعطف، پایداری و امن.

٤ ٤ ٢ – کاربری مختلط:

ایده کاربری مختلط در بدنه های شهری از دهه ۱۹٦۰ مطرح شد و تا کنون ادامه دارد. و دستاورد آن: دسترسی آسان تر و مناسب تر به خدمات، کاهش وابستگی به ماشین و افزایش سلامت عمومی است. کاربری مختلط در امنیت، خلق فضاهای عمومی موفق، دامنه ای از فعالیت های گوناگون که افراد مختلف را با انگیزه های مختلف در زمان های مختلف به مکان جلب می نماید و حیات دوباره بخشیدن به شهر نقش دارد. جیکوبز شناخته شده ترین چهره در ترویج کاربری مختلط در محلات مسکونی می باشد که مهمترین هدف او افزایش حضور پیاده در شهرهاست. این کیفیت شامل ترکیب فضاهای مسکونی، تجاری و اداری و تنوع فعالیت هایی مثل: ادارات، مغازه ها، رستوران ها، بانک ها و سایر فعالیت ها در مکان می باشد که بر وجود خرده فروشی در طبقه همکف خیابان تأکید دارد. کاربری مختلط به معنای همجواری فضای زندگی، کار، خرید، بازی و عبادت است. این کیفیت در فضاهای شهری امکان آشتی فضاهای تجاری و مسکونی می بخشد که حضور مردم و ماشین را در کنار یکدیگر به همراه دارد. در این رابطه لنگدان می گوید: جزء از دست رفته بسیاری از شهرها، مراکز شهری است. یعنی مرکز اهداف گوناگون: خرید، خوردن، دیدن کتابخانه، پست کردن، موسیقی و سینما و لذت بردن از حضور در یک فضای صمیمی می باشد.

چنین فضایی از زندگی روزمره: کار و خرید حمایت نموده و با پیاده و معطوف نمودن آن به سمت حضور و جذب پیاده سبب تشخص فضاهای عمومی می گردد. کاربری مختلط از جمله کیفیاتی ست که در جذابیت فضاهای عمومی نقش دارد و در میان این کیفیات بیش ترین نقش را دارد، هر چند که زیبایی وکیفیات بصری مکان هم در آن نقش دارد. در خیابان با کاربری مختلط مردم حضور غالب داشته و در حیات آن سهیم می باشند و تقویت چنین خیابان هایی کلید حیات شهری هستند. کاربری مختلط با وجود دامنه ای از فعالیت ها و انگیزه های مختلف در مکان، سبب جلب مردم از سایر نواحی گردیده، پیاده روها را مفید و مؤثرتر ساخته، سبب حضور مداوم کاربران در در مکان در ساعات گوناگون گردیده و به شهرها حیات دوباره می بخشد. به علاوه این کیفیت سبب دسترسی آسان تر و مناسب تر به خدمات، کاهش وابستگی به ماشین، افزایش امنیت و سلامت عمومی می گردد.

به طور کلی کاربری مختلط تأثیرات و نتایج مختلفی بر شهر ها دارد که شامل موارد زیر می باشد:

٤ ٤ ٢ ١ -تحرک:

یکی از دستاوردهای کاربری مختلط، حاکمیت پیاده و دوچرخه می باشد. این امر انگیزه حضور افراد در مکان جهت خرید است که وجود رستوران ها، ادارات، مغازه ها و ایستگاه های حمل و نقل عمومی در این امر نقش فراوانی دارند.

٤ ٤ ٢ ٢ -سلامت:

وجود خرده فروشی سبب تشویق قدم زدن در مکان می گردد که سلامت افراد و گروه های مختلف جنسی و قومی را در پی دارد.

٤ ٤ ٢ ٣ -راحتی و انتخاب:

این امر با دادن کاربری های گوناگون به کاربران مختلف سبب حضور و گرایش بیش تر آنان نسبت به مکان می گردد و در احساس مطلوب فردی و رضایتمندی کاربران و ساکنین نقش داشته و اساس ارزش محیطی، اقتصادی و اجتماعی می باشد.

٤ ٤ ٢ ٤ -رشد اقتصاد محلی:

افزایش موقعیت های شغلی، جلب خریدار از سایر محلات و افزایش تمایل سکونت در چنین اماکنی، رشد اقتصاد محلی و بسط دادن فعالیت های اقتصادی ره ساعات مختلف شبانه روز را به همراه دارد.

٤ ٤ ٢ ٥ -کاهش هزینه های فردی و کاربرد مؤثر حمل نقل عمومی:

با کاهش نیاز به اتومبیل و استفاده از حمل و نقل عمومی سبب کاهش هزینه های فردی می گردد.

٤ ٤ ٢ ٦ -تساوی و تعامل اجتماعی:

هر چه میزان دسترسی به خدمات آسان تر و وابستگی به اتومبیل جهت حضور در مکان افزایش یابد امکان حضور گروه های مختلف و تساوی بین آنان بیش تر می شود. هرچند این امر در مواردی سبب تضاد بین گروه ها شده ولی همسانی فرهنگی–اجتماعی افراد و تعامل اجتماعی میان آنان را افزایش می دهد.

٤ ٤ ٢ ٧ -امنیت:

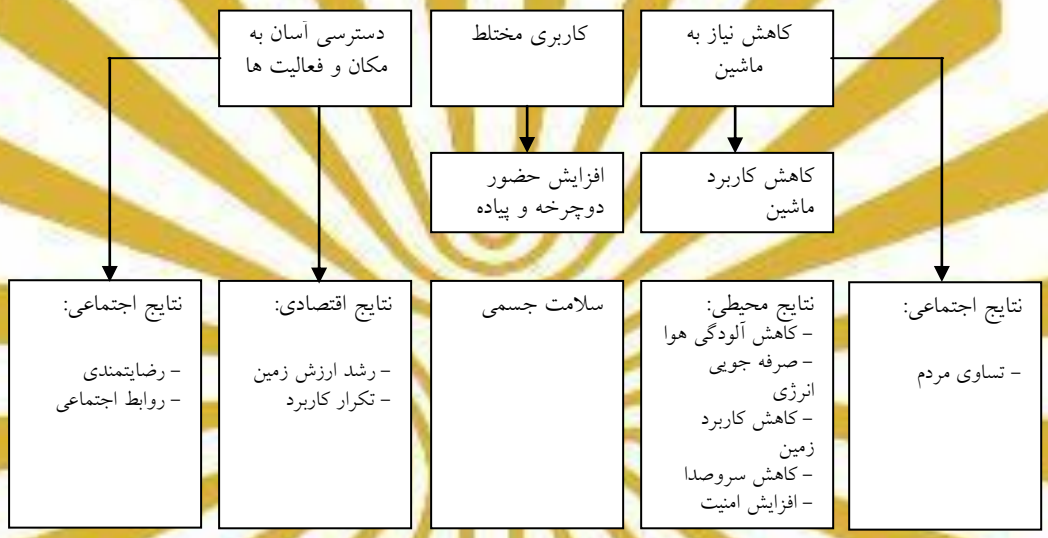
مطالعات دوانی[1] و همکارانش نشان می دهد که کاربری مختلط در کاهش جرم و در نتیجه افزایش امنیت مکان نقش دارد. مطالعات سامسون و رادنبوش[1] این رابطه را به صورت آماری اثبات می نماید. در

[1] Duany

این رابطه مطالعات وکرل[2] نیز نشان می دهد که کاربری مختلط با جلب کاربران در ساعات مختلف، مراقبت طبیعی مردم از مکان و در نتیجه امنیت مکان را به همراه دارد.

٤ ٤ ٢ ٨ -حیات شهری:

اما حیات شهری که مهم ترین دستاورد کاربری مختلط و اساس جذابیت شهر است. به این ترتیب که با وجود فضای کار، زندگی، خرید و سرگرمی، سبب حضور مردم در فضاهای شهری و اشتغال آن ها به زندگی فعال شهری می گردد. این کیفیت علاوه بر بهبود شرایط اجتماعی و بسط فعالیت های اقتصادی در ساعات مختلف روز، افزایش کیفیت و جلوه ظاهری مکان، جذابیت و حس مکان را نیز در پی دارد.



تصویر٤-١- جمع بندی نقش کاربری مختلط در فضاهای شهری

٤ ٤ ٣ - قابلیت قدم زدن در مکان:

این کیفیت منبعث از حمایت و تشویق حرکت پیاده، آسایش و امنیت، تنوع عملکردی و جاذبه های بصری در فضاهای شهری می باشد و دستیابی به این کیفیت، مستلزم سه عنصر زیر است:

١-امنیت و آسایش: امنیت در برابر جرم و حضور ماشین

٢- راحتی: عدم وجود موانع حرکتی، بهداشت، وجود خدمات و تسهیلات، شاخص بودن تقاطع ها و حمایت از شرایط جوی

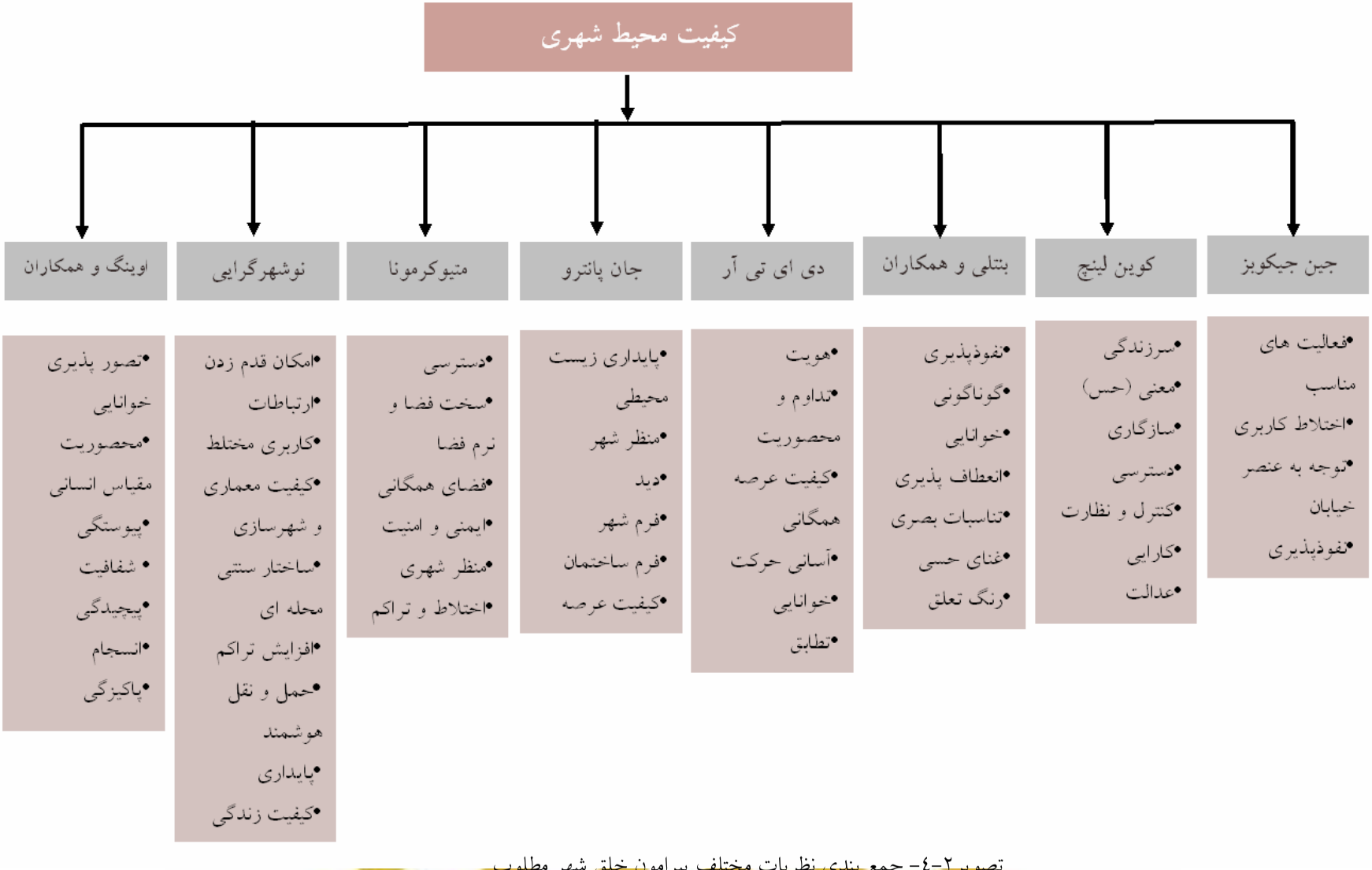
٣- میزان حمایت مسئولین در تأمین بودجه، وجود راهنماهای طراحی، تصویب قوانین در آسایش و امنیت بیش تر مکان و حضور و در دسترس بودن پلیس.

---

[1] Sampson & Radenbush
[2] Wekerle

معیارهای قابل قدم زدن بودن مکان شامل موارد زیر است:

- نحوه اتصال مسیرها: تعداد گزینه های موجود در رسیدن به مکان، تعداد تقاطع ها، ابعاد بلوک ها و ساخت و ساز؛
- شبکه های ارتباطی: دسترسی پیاده به اتوبوس، مترو و تاکسی و کاهش وابستگی به اتومبیل، ارتباط شبکه های پیاده و دسترسی مناسب به لحاظ مسافت و زمان؛
- الگوی کاربری ریز دانه و میزان پاسخگویی به نیازهای روزمره شهروندان؛
- امنیت: آزادی حرکت و لحاظ نمودن گروه های سنی مختلف و تأمین امنیت در برابر جرم و حضور ماشین؛
- کیفیت مسیر: عرض، کفسازی، نورپردازی و منظرآرایی مناسب و نیز وجود علائم در مکان؛
- زمینه مسیر: شبکه مسیرها و نیز عوامل معمارانه و طراحانه مکان به لحاظ منظرآرایی و جاذبه های بصری و نیز عوامل طبیعی و عناصر طبیعی.



تصویر۲-٤- جمع بندی نظریات مختلف پیرامون خلق شهر مطلوب

۵. فصل پنجم: معرفی و تحلیل چند نمونه از فضاهای شهری موفق

۵ ـ ۱ اهداف فصل:

همانگونه که در فصل اول به آن اشاره گردید طراحی شهری فرایندی مبتنی بر تعیین اهداف کلان، تجزیه و تحلیل داده ها، تعیین رویکردها، پیش بینی و تصمیم سازی و ارزیابی ست که بخش آخر این فرایند یعنی ارزیابی و تحلیل موضوع فصل حاضر خواهد بود. با این هدف، سعی گردیده پس از معرفی معیارها و چهارچوب های توصیه شده در تحلیل و بررسی فضاهای شهری به معرفی برخی از نمونه های موفق جهان و در نهایت تحلیل موردی یک فضای شهری پرداخته شده است. معرفی نمونه های فضاهای شهری موفق و ابعاد مختلف آن، این دستاورد را دارد که با طرح مصادیق عینی، برخی از اصول مطرح شده درباره چنین فضاهایی که منجر به خلق فضاهایی مطلوب برای شهروندان گردیده است به صورت عملی یادآوری گردد. هم در فرایند و هم در نتایج کار قابل طرح است.

۵ ـ ۲ چهارچوب های مطالعات طراحی شهری و معیارهای تحلیل فضاهای شهری

اصول جهانی طراحی شهری چارچوبی را برای عمل در این عرصه فراهم نموده و البته مجموعه ای از امکانات، فرصت ها و تحدیدهای خاصی را نیز در هرمورد با توجه به موقعیت و ویژگی های محلی به همراه دارد. این چهارچوب ها، معیارها و مقیاس هایی را نیز جهت ارزیابی و تحلیل دستاوردهای طراحی شهری در سطوح مختلف آن از شهر تا ناحیه و پروژه های خاص، نیز فراهم می نماید. این ارزیابی نه تنها جنبه های ملموس طراحی شهری، بلکه جنبه های کیفی و ناملموس آن را نیز در بر می گیرد.

۵ ـ ۲ ـ ۱ –ارزیابی در مقیاس ناحیه:

ارزیابی ها در این مقیاس از ارزیابی ویژگی های طبیعی موضوع مورد مطالعه و نیز حوزه بندی شهر به محدوده های گوناگون در جهت شناخت کلی شهر و پیچیدگی ها و الگوهای حرکت در سطح آن]غاز می گردد. این مطالعات اطلاعات لازم برای شناخت الگوی رشد شهر را فراهم نموده و توسعه آتی را در راستای وضعیت فعلی آن تعیین می نماید.

تحلیل فضایی با مقیاس وسیع غالباً با یک توجه ویژه به طبیعت محیط پیرامون آن صورت می گیرد تا اقدامات لازم جهت حفظ شخصیت خاص اکولوژیکی آن به بهترین نحو انجام گردد. دستاورد چنین تحلیل هایی ایجاد پایه و اساسی برای تهیه طرحهای استراتژیک و تصمیم گیریهای

برنامه ریزانه بخواهد بود. بنابراین ضمن توجه به ظرفیت های منظر سازی، حساسیت ها و امکانات بالقوه جهت توسعه های آتی و نیز توان و ظرفیت ساکنین در فرایند توسعه به نحوی که به وضعیت فعلی غنای بخشیده و تحدیدها را به فرصتها تبدیل نماید، شناخته می شود. انجام چنین تحلیل هایی متضمن رشد شهری پایدار نیز می باشد که در بسترهای تاریخی این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه همواره تضادی میان نیاز به توسعه از یک سو و حفظ و نگهداری هویت تاریخی از سوی دیگر در شهرها وجود دارد. به عنوان مثال در شهر منچستر انگلستان، شهر و منظر اطرافش با توجه به چنین دیدگاهی مورد حفاظت و نگهداری قرار گرفته است که توسعه های جدید را با چالش مواجه می کند و روشی راهبردی و حفاظت محور را طلب می کند.

۵ ۲ ۲ –ارزیابی های موردی :

ارزیابی ها در این مقیاس اغلب بر سیاستهای طراحی و تعیین خط مشی ها مقدم است حتی اگر پرهزینه و زمان گیر باشد. چراکه این ارزیابی ها دانش متخصصین و مسئولین را پیرامون مداخلات شهری افزایش داده و سبب انعکاس یافتن ضوابط و دستورالعمل ها در این عرصه می گردد. برای انجام چنین ارزیابی ها و تحلیل هایی محققین و نهادهای مجری طرح های شهری، چک لیست های متفاوتی ارائه نموده اند که به طور جامع و روشن به بررسی موارد مختلف و نقاط ضعف و قوت آن ها می پردازد. با انجام چنین مطالعاتی طراحان شهری می توانند ایده های خود را توسعه داده و دانش و مهارت خود را ارتقاء بخشند. در عین حال چنین تحلیل هایی می تواند در زمینه های گوناگون، جنبه های مختلف: ریخت شناسی، بصری، اجتماعی، عملکردی، سیاسی و اقتصادی را مورد بررسی قرار دهد. در این باره، داده ها نیز می تواند به صورت تهیه عکس، نقشه، طرح، دیاگرام، یادداشت، اسکیس و فیلم های ویدیویی جمع آوری گردد.

اولین گام در چنین تحلیل هایی پاسخ به سه پرسش اساسی زیر است:

۱ – کاربران به چه مواردی در رابطه با مکان علاقه دارند؟

۲– کاربران چه مواردی را در مکان نمی پسندند؟

۳– چه اقداماتی برای بهبود بخشیدن به مکان مورد نیاز است؟

سپس در دو محور مردم و مکان بررسی ها بر اساس پاسخگویی به پرسش های زیر ادامه می یابد:

۵ ۲ ۲ ۱ -مردم :

– مشارکت چه کسانی برای دستیابی به مکانی بهتر مورد نیاز است؟

– منابع محلی موجود که می توان از کمک آنها استفاده کرد کدام اند؟

– روشهایی که ممکن است به ایده های بهتر در جهت بهبود شرایط کمک کند کدام اند؟

– چگونه می توان از برنامه ها و منابع نهایت استفاده را به عمل آورد؟

– چگونه می توانیم دیدگاه ها را در مورد موضوع مورد مطالعه وسعت بخشید؟

– چه راهکارهایی برای بهبود مکان وجود دارد؟

۵ ۲ ۲ ۲ -مکان:

– چگونه می توان مکان مورد نظر را به یک مکان خاص تبدیل کرد؟

– چگونه می توان مکان مورد نظر را به یک مکان سبزتر تبدیل کرد؟

– چگونه فضاهای شهری و خیابانها می توانند برای مردم پیاده امن تر و دلپذیرتر باشند؟

– با چه روشهایی می توان کیفیت فضاهای عمومی را ارتقاء بخشید؟

– چگونه مکان می تواند با تغییرات آینده تطابق بیشتری پیدا کند؟

– چگونه می توان از منابع به نحو مؤثرتری بهره برداری نمود؟

– چگونه می توان از حمل و نقل عمومی نهایت استفاده نمود؟

– چگونه می توان ارتباطات و شبکه راه ها را بهبود بخشید؟

۵ ۲ ۳ –ارزیابی فضاهای شهری:

همانگونه که در بخش ابعاد مختلف فضای شهری مطلوب به آن اشاره گردید این فضاها ابعاد و جنبه های گوناگونی دارند که هریک قابل ارزیابی و مطالعه می باشند. بنابراین تحلیل این فضاها براساس آن که کدام جنبه و بُعد مورد نظر محقق است می تواند طیف و دامنه وسیعی را در برگیرد و روش مختلفی نیز داشته باشد. در واقع پرسش این است که چه کسی ار فضا استفاده می کند، چگونه استفاده می کند و چرا استفاده می کند؟ در ادامه نحوه تحلیل فضای شهری و محورهای مورد مطالعه براساس چهار بُعد اساسی آن ها یعنی دسترسی، آسایش و تصور، اجتماع پذیری و فعالیت و کاربری مطرح گردیده است.

۵ ۲ ۳ ۱ -دسترسی:

مطالعه دسترسی در فضاهای شهری ار طریق مصاحبه، توصیف و مشاهده ی ظرفیت عملکردی و کالبدی مکان برای کاربرد گروه های مختلف، دسترسی به حمل و نقل شهری و آزادی و

سهولت حرکت کودکان و سالخوردگان و گروه های خاص در مکان قابل برداشت است. در بررسی این بعد از فضاهای شهری عمدتاً با پاسخگویی به پرسشهای زیر مواجه هستیم:

۱. آیا ساکنین ساختمان های مجاور از آن استفاده می کنند؟
۲. آیا مسیرهای مناسب پیاده جهت دسترسی به مکان وجود دارد؟
۳. وجود ایستگاه های دسترسی به حمل و نقل عمومی شهری
٤. آیا ورودی از فاصله دور مشخص است
٥. آیا به راحتی نوع مکان قابل تشخیص است
٦. امکان دسترسی به فعالیت های مختلف
۷. وجود علائم و نشانه های بصری و ارائه اطلاعات محیطی
۸. آیا می توان فضا را از دور دید؟ آیا از داخل نیز می توان خارج را دید؟
۹. آیا ارتباط مناسبی بین فضا و ساختمان های مجاور وجود دارد یا دیوارهای خالی آن را احاطه کرده است؟
۱۰. امکان جهت یابی در فضا و تعریف مسیرهای مناسب؛
۱۱. مسیرهای دوچرخه و پیاده
۱۲. گزینه های مختلف حمل و نقل
۱۳. حاکم بودن سواره یا پیاده
۱٤. مکانی برای نیازهای خاص

٥ ٤ ۳ ٤ -تصور و راحتی:

۱. وجود احساس خوب در اولین لحظه ورود افراد به مکان؛
۲. حضور زنان در مکان و احساس راحتی و امنیت آن ها؛
۳. گزینه های مختلف، کافی و در موقعیت مناسب جهت نشستن؛
٤. عوامل حمایت کننده از حضور افراد در مکان(سایبان) مانند آسایش اقلیمی:
- میزان تطابق فرد با شرایط اقلیمی که به فعالیت ها بستگی دارد؛
- احساس راحتی در شرایط اقلیمی مختلف؛
- احساس راحتی در ساعات ظهر؛
- نقش عوامل طبیعی و فضای سبز در این رابطه.
٥. بهداشت مکان و وجود افراد پاسخگو جهت نگهداری مکان؛
٦. حس امنیت با بررسی عوامل زیر:

- میزان احساس آزادی و کنترل بدون احساس ترس؛
- میزان احساس امنیت؛
- عوامل مؤثر در ایجاد ترس؛
- حضور افراد در مکان به صورت انفرادی؛
- ساعاتی که در آن احساس عدم امنیت دارند؛
- آرام کردن ترافیک و میزان لحاظ نمودن موارد زیر:
  - سرعت محدود ماشین؛
  - ارجحیت پیاده؛
  - نیمکت، درخت و...؛
  - کاهش سر و صدا؛
  - تسهیلات دوچرخه؛
  - عوامل طبیعی؛
  - منظرآرائی: گیاهان بومی، خوراکی، تصفیه هوا؛
  - آب.

۷. وجود مناظر زیبا که قابل عکسبرداری باشد؛

۸. حاکم بودن پیاده بر سواره؛

۹. میزان پاسخگویی به برآوردن نیازهای مردم بر اساس ترجیحات و نیازهای آنان:

- نیازهای مؤثر در رضایت؛
- ترجیحات و عوامل مطلوب و نامطلوب؛
- تفاوتها،
- شرایطی که که کاربر را به مکان جذب می کند،
- تصور کاربر از آن چه باید حذف یا اضافه گردد،
- کدام فضای عمومی برای آن ها اولویت داشته و چرا؟
- نقاط مورد علاقه.

۵ ۲ ۳ ۳ -کاربری و فعالیت ها:

این بعد به بررسی میزان کاربری و فعالیت مکان بر اساس میزان و نحوه جذابیت آن ها برای فرد، میزان دفعات و حجم مراجعه به آن برای فعالیت ها مختلف و نحوه تجربه افراد از مکان با استفاده از توصیف، مشاهده و مصاحبه در مکان می پردازد. در این راستا ابعاد مختلف زیر مورد تحلیل قرار می گیرد:

۱. میزان حضور مردم:
   - تعداد دفعات حضور؛
   - میزان توقف در مکان؛
   - زمان حضور در کدام ساعات از شبانه روز؛
   - نوع فعالیت؛
   - موقعیت فعالیت ها و نقاط مورد علاقه.
۲. حضور گروه های مختلف؛
۳. حضور فردی یا جمعی؛
٤. وجود انواع فعالیت ها و گزینه های مختلف فعالیتی شامل:
   - آموزش: کتابخانه، اینترنت و ایستگاه های چندمنظوره؛
   - فعالیت های و کاربری های پیرامون: مغازه، کتابخانه، مرکز کامپیوتر؛ فرهنگی تاریخی و مذهبی؛
   - خرید: بازار روز، دستفروش ها؛
   - خوردن: رستوران، دستفروش و بستنی؛
   - تغذیه وسلامتی: قدم زدن، واحدهای نمایش فیلم و خوردنغ
   - سرگرمی: کنسرت و نمایش.
۵. مورد استفاده بودن بخش های مختلف(بخش های فعال و غیرفعال)؛
٦. وجود مسئول و افراد پاسخگو؛
۷. مناسب ارزیابی شدن فعالیت ها از دید مسئولین و کاربران؛
۸. مکان حمایت کننده از رویدادها هست؟

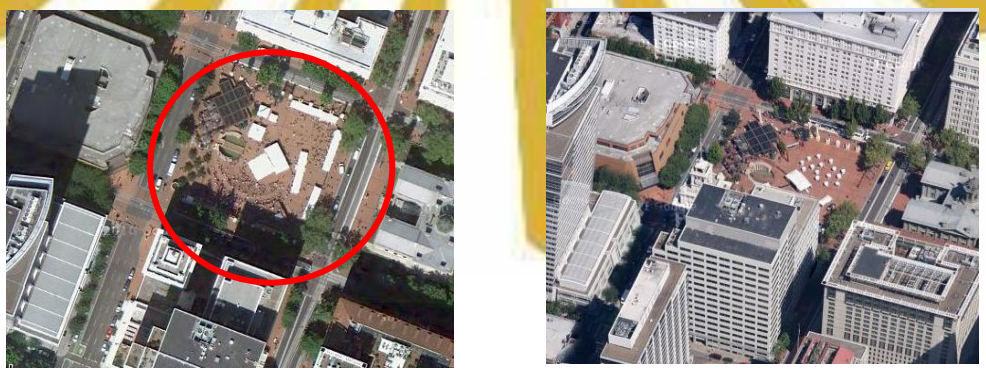
۵ ۲ ۳ ٤ اجتماع پذیری:

در بررسی این بعد از فضاهای عمومی اجتماع پذیری میزان تعاملات اجتماعی: افراد تنها و افراد با جمع، تعداد افرادی که در حال تعامل با سایرین هستند، نحوه بوقوع پیوستن تعاملات، ارتباط افراد مشابه و متفاوت، تعامل با بیگانگان و وجود فضاهای بازی و سرگرمی و مبلمان متحرک در مکان صورت می گیرد. با این هدف محورهای زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

۱. انتخاب مکان برای ملاقات با دوستان؟
۲. آیا افراد به صورت گروهی حضور دارند؟
۳. آیا افراد به صورت منظم از آن استفاده می کنند؟
٤. صحبت کردن افراد با یکدیگر؛
۵. روحیه شاد مردم در فضا؛
٦. شناختن یکدیگر؛
۷. آیا مردم کسی را برای نشان دادن مکان به این جا می آورند؟
۸. میزان تماس چشمی؛
۹. ترکیب سنی و قومی؛
۱۰. تمایل افراد در حفظ و برنامه ریزی داوطلبانه فضا؛
۱۱. میزان تعاملات افراد با یکدیگر؛
۱۲. تمایل مردم به حفاظت از آن.

۵ ۳ معرفی برخی ازفضاهای عمومی موفق جهان:

۵ ۳ ۱ میدان پیونیر کورت هاوس[1] واقع در پرتلند:



تصویر۵-۱- موقعیت میدان پیونیر کورت هاوس

[1] Pioneer Courthouse

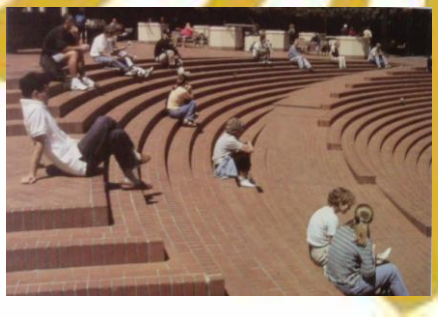


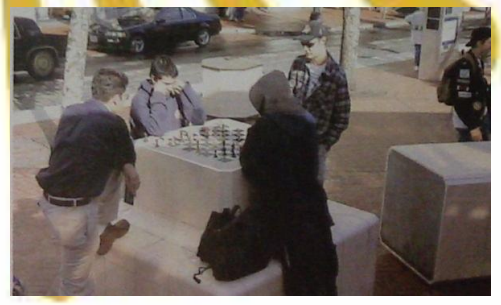
میدان پیونیر کورت هاوس یکی از میادین اصلی شهر پرتلند است که با تأکید بر فعالیت های شهری و ایجاد فضای تجمع و ملاقات در شهر طراحی و ساخته شده است. این میدان یک نمونه مطلوب فضای عمومی است که برپایه انگیزه های شهروندان و سرمایه گذاری آنان خلق شده است. نام هزاران فرد بخشنده ای که به لحاظ مالی از این پروژه حمایت کرده اند بر سنگفرش های این میدان که ساخته شده از بلوک های آجری سرخرنگ می باشد حک شده است. از جمله ویژگی این میدان آن است که مردم را در فصول مختلف به خود جلب می کند که نتیجه انسجام و اتصال مطلوب با سیستم حمل و نقل عمومی، مدیریت متخصصین و



تصویر۵-۲- بلوک های سنگفرش

منابع مالی گوناگون است. این میدان اگرچه فاقد هر گونه فضای سبز می باشد ولی بسیار باشکوه بوده و در عین حال قطب حمل و نقل شهری و مرکز اعصاب شهر پرتلند به شمار می رود. مردمی بودن آن نتیجه برگزاری ۳۰۰ رویداد در کل سال است که توسط مؤسسات غیرانتفاعی برگزار می گردد که مسئولیت امنیت و نگهداری آن را نیز برعهده دارند. درآمد حاصل از اجاره غرفه های کتاب فروشی، گل فروشی، کافه ها و غذاخوری ها صرف نگهداری آن گردیده و گروه هایی از مدیران متخصص وجود دارند که همواره وضعیت آن را برای بهتر شدن ارزیابی می کنند.

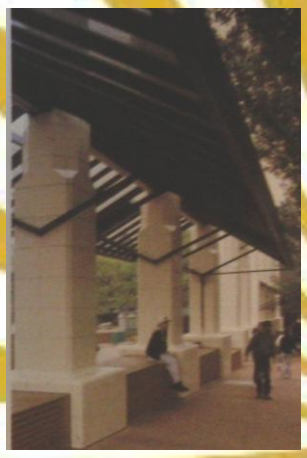


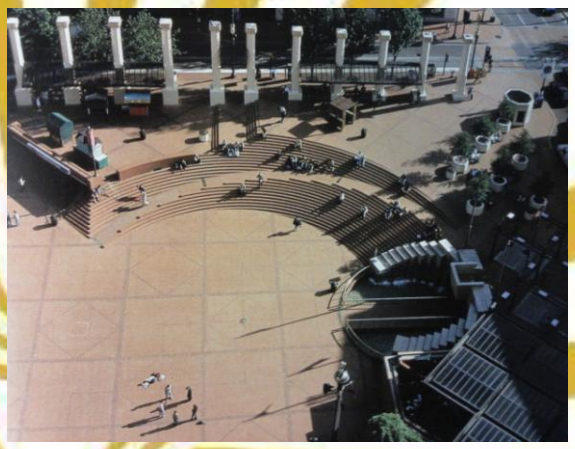


تصویر۵-۳- دیدهایی از فضای داخلی میدان

تغییر عملکرد سایت به یک میدان عمومی، برپایه مسابقه طراحی بین المللی شکل گرفته است که چند تن از آرشیتکت های محلی برنده این رقابت گردیدند. این میدان یک بلوک کامل شهر را

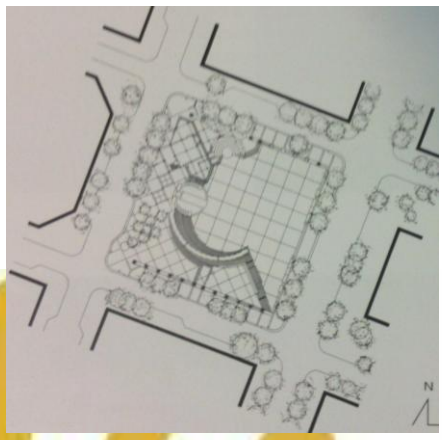
دربرگرفته است که به فضای عمومی شهری اختصاص یافته است. یک پارکینگ عمومی چند طبقه در سایت پیش بینی شده است ولی شهروندان به کاربرد این فضا به نحو متمایزی تشویق گردیده اند. در این پروژه شرکت های مختلف خصوصی و عمومی سرمایه گذاری کرده اند. به عنوان مثال، درختان و نیکمت ها به وسیله این شرکت ها تأمین گردیده است و همانگونه که ذکر گردید ۵۰۰۰ بلوک آجری سنگفرش آن نیز توسط مردم تأمین شده که نام آن افراد بر روی بلوکها حک شده است.



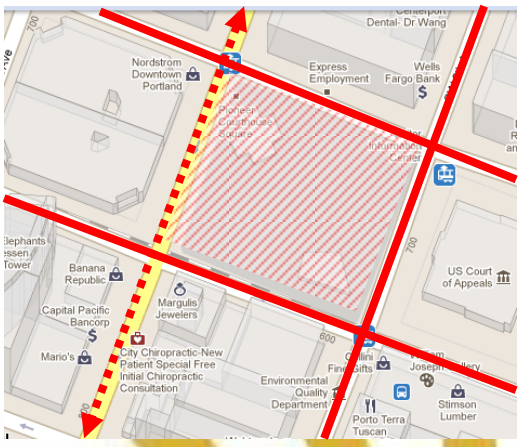


تصویر۵–٤– دیدهایی از فضای داخلی میدان

شهر پرتلند دارای ساختاری شبکه ای ست که در شمال امریکا رواج دارد ولی بلوک های شهری آن به نحو قابل ملاحظه ای کوچکتر از سایر شهرهاست که به شهر ریتمی متفاوت بخشیده است. این میدان که در مقابل ساختمان دادگاه قدیمی شهر قرار دارد یک بلوک کامل شهری را اشغال نموده است. ساختمان هایی که از چهارسوی این میدان را احاطه نموده اند نمایی باز داشته و در طبقات همکف آن ها عملکردهای مختلف شهری در رابطه با زندگی روزمره مردم وجود دارد. دورتادور میدان فضاهای مختلفی چون یک فروشگاه بزرگ، چندین مغازه، بانک و هتل وجود دارد. ستون های بلند در دوسوی میدان، محدوده ای را برای توقف و انتظار مسافران تراموا فراهم نموده است. خط تراموای شهر و اتوبوس شهری، این میدان را قطع می کند که قطب مهمی برای حمل و نقل عمومی محسوب می شود. مسئولین شهر پرتلند امکان استفاده رایگان از تراموا و اتوبوس را در مرکز شهر نموده اند.

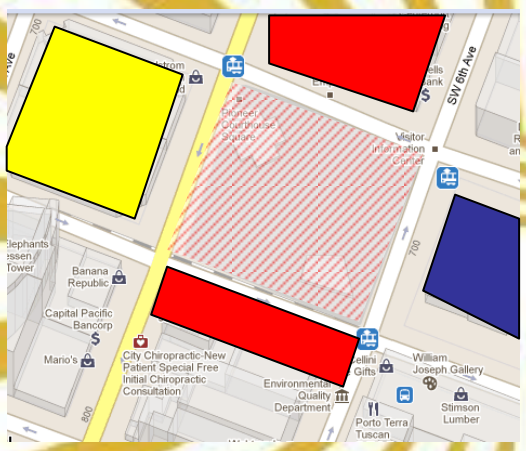


تصویر۵-۵- پلان میدان



تصویر۵-۶- معابر پیرامون میدان

به طور کلی این میدان یک فضای چند عملکردی ست که ایده طراحی آن، گزینه های مختلفی برای جذب کاربران مختلف به خود فراهم آورده است. این میدان، یک مکان ملاقات برای مردم پرتلند است که یک بخش آن به عنوان قطب ترافیکی در خدمت شهروندانی ست که از گزینه حمل و نقل عمومی استفاده می نمایند. ولی این پلازا همچنان یک فضای زندگی وسیع است که مردم می توانند در آن، استراحت کنند،

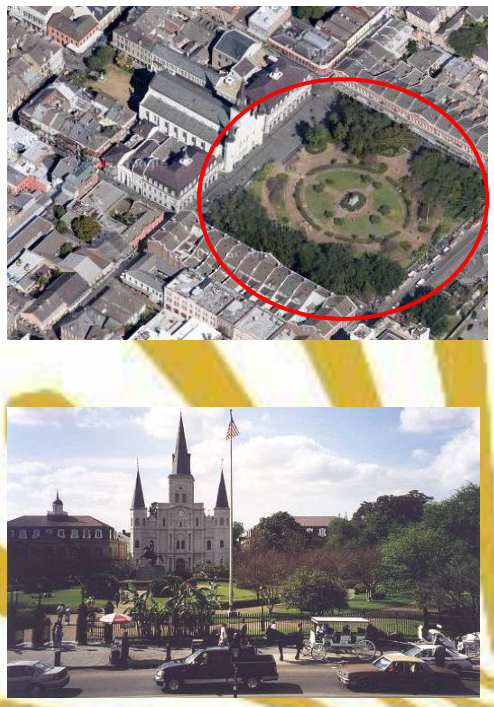


تصویر۵-۷- کاربری های پیرامون میدان

دوستان خود را ببینند و رویدادهای شهر را نظاره کنند و از زندگی لذت ببرند. با استفاده از ستون ها، سکوها و پله ها در این فضاها، مردم را به توقف و مکث در لبه های خود دعوت می کند. وجود مسیر قطار که از گوشه شرقی به گوشه غربی کشیده است به وسیله تقسیم سایت به دو سطح از طریق قطر آن حل شده است. یک سطح شیبدار و پله ای صدفی شکل که رابطه بین دو سطح مذکور را فراهم نموده پر جاذبه ترین حوزه برای توقف افراد است. سطح بالاتر شامل یک کافه است با خدمات خارجی، آلاچیق و یک کتابفروشی تخصصی که در زیر سطح بالاتر میدان پیش بینی شده است. در مقابل این کتابفروشی یک ایستگاه اطلاع رسانی است که جهت ها و مسافت های مقصدهای مختلف شهری را در دور و نزدیک به نمایش گذاشته است. یک دسترسی به ایستگاه فروش بلیط برای حمل و نقل عمومی نیز در آبنمای اصلی قرار گرفته است.

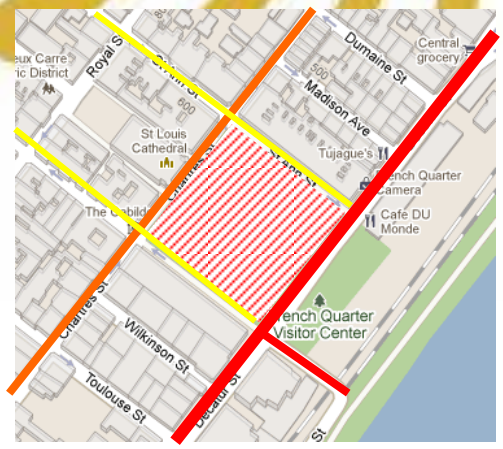
۵ ۳ ۲ میدان جکسون[1] واقع در نیواورلئان:

محوطه زنده و فضای سبز فعال این میدان، افراد را به داخل جلب می کند. این پارک توانسته است ارتباط مطلوبی میان فضای داخلی میدان و بافت شهری پیرامون خود برقرار نماید. به لحاظ همجواری، این میدان در یک محدوده تاریخی واقع شده و با عملکردهای گوناگونی احاطه شده است. این عملکردها شامل: رستوران ها، خرده فروشی ها، ادارات، فضاهای مسکونی و یک کلیسا می باشد. هدف برنامه ریزی این فضا، ایجاد آرامش در چنین فضایی ست که فعالیت های مختلفی را خود جای داده است.



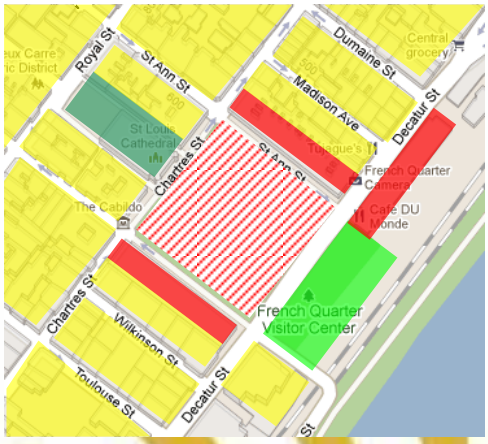
تصویر ۵-۸- تصاویری از میدان جکسون

این مکان پرجاذبه، توانسته همواره جریان ثابتی از افراد پیاده را در خود نگاه دارد که سرزندگی مکان و حضور و توقف افراد در مکان را در پی داشته است. خیابان های حاشیه این مکان، ترافیک محدودی داشته و یا فاقد ترافیک سواره هستند. ورودی های متعدد، امکان ورود افراد از نقاط مختلف را به آن فراهم نموده است به علاوه وجود رویدادهایی مثل داستان سرایی، نمایش های خیابانی و اجرای موسیقی در محدوده این فضا، توانسته به جذابیت میدان و احساس شادی و لذت مردم در مکان کمک کند.



تصویر ۵-۹- معابر پیرامون میدان جکسون

[1] Jackson



تصویر۵-۱۰- کاربری های پیرامون میدان جکسون

۵ ۳ ۳ پلازا هیدالگو[1] واقع در مکزیکوسیتی:

قرارگیری در تقاطع سه خیابان اصلی شهر، فضایی دعوت کننده فراهم آورده و وجود دامنه وسیعی از خدمات و فعالیت ها آن را به نقطه ای کانونی در شهر، بدل کرده است. همجواری با کلیسایی بزرگ از یک سو و وجود فعالیت های مختلفی چون: بازار، رستوران های سرباز و اجراهای خیابانی و مردمی که در حال قدم زدن، استراحت و تعاملات اجتماعی هستند و تعداد فراوانی صندلی و لبه های قابل نشستن و وجود گل و گیاه آن را مکانی پرجاذبه برای گروه های مختلف ساخته است. این میدان به عنوان مرکز حیات محله از اهمیت خاصی برخوردار بوده که به محله انسجام بخشیده و مقصد بسیاری از افراد محلی و توریست می باشد. اگرچه طراحی آن ظاهری رسمی بر اساس خطوط مستقیم دارد ولی کاملاً انعطاف پذیر عمل نموده و به بازدیدکنندگان امکان حرکت آزادانه در کلیه بخش ها را می بخشد. در یک روز، گروهی از مردم در یک سوی آن در مقابل بازار و گروهی دیگر بر روی نیمکت ها مقابل آب نما یا در سایه درختان که یک دست فروش، آب میوه می فروشد، تجمع نموده اند. این مکان که کاملاً هنرمندانه طراحی شده نقطه کانونی برای فعالیت های مختلف فراهم آورده که مردم می توانند در هرکجای آن آزادانه حرکت کنند.

به لحاظ دسترسی و ارتباطات تنها به صورت پیاده می توان در آن حرکت داشت و در مسیرهای پیرامون نیز با تمهیداتی از سرعت ماشین کاسته شده و ماشین تا محدوده خاصی امکان ورود دارد. این مکان، فضایی فعال در تمام ساعات روز بوده که دست فروش ها، افراد مختلف و حتی

[1] Hidalgo

کارکنان آن که مسئول نظافت آن هستند با حضور خود در آن، فضا را تحت کنترل دارند. فعالیت های مختلف آن سبب گردیده مکان با پیرامون خود ارتباط برقرار نماید و تعاملات اجتماعی به نحو بارزی در آن به چشم می خورد و به نوعی مرکز حیات جمعی در شهر می باشد که افراد نوعی غرور محلی نسبت به آن داشته و گروه های محلی و توریست در آن همواره حضور دارند.





تصویر۵-۱۱- تصاویری از فضای داخلی میدان هیدالگو

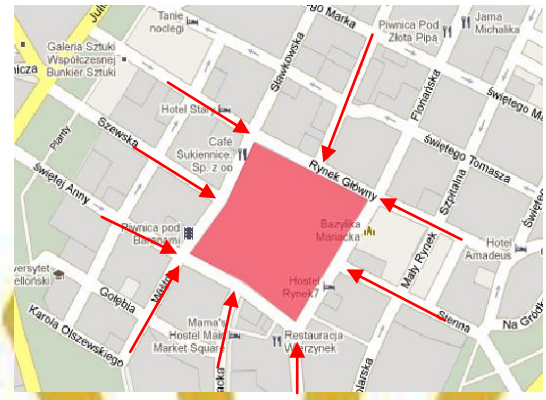
۵ ۳ ٤ ٦راینک گلونی[1] واقع درشهر کراکو در لهستان:



تصویر۵-۱۲- موقعیت میدان راینک گلونی

این میدان یکی از بزرگترین میادین اروپا می باشد که به شدت فعال بوده و افراد را از مکان های مختلف به خود جلب نموده است. معابر پیرامون هر یک به نحوی به آن منتهی می شود و وجود حداقل ۲۰ جاذبه فعالیتی مختلف به طور هم زمان، سبب سر زندگی آن گردیده و در عین حال مکانی پرجاذبه برای توریست است. این میدان به لحاظ دسترسی در مرکز تاریخی شهر قرار دارد که از طریق ۱۱خیابان و ۲کوچه می توان به آن دسترسی یافت.

[1] Rynek Glowny



تصویر۵-۱۳- دسترسیهای منهتی به فضای میدان

امکان حرکت در تمامی جهات برای افراد در آن وجود داشته و افراد می توانند به راحتی آن را درک نمایند. ضمن آن که میدان به صورت پیاده قابل دسترسی می باشد و از حضور ماشین در آن ممانعت گردیده است.





تصویر۵-۱٤- تصاویری از میدان راینک گلونی

اولین عنصری که در این میدان فرد را تحت تأثیر قرار می دهد جنبه تخیلی آن است. علاوه بر امکان نشستن در فضای داخلی کافه ها امکان نشستن در فضای بیرون آن ها در میدان نیز وجود دارد. افرادی که مسئول پاکیزگی آن هستند به طور مداوم در حال انجام وظیفه خود هستند. ایستگاه پلیس که مسئولیت حفظ امنیت مکان را برعهده دارند نیز در آن به چشم می خورد. همه مناطق قابل دسترسی بوده و فعالیت اصلی آن خرید می باشد. ضمن آن که فرد می تواند در کافه های متعددی که در آن وجود دارند حضور داشته و شاهد رویدادهای مختلفی که در طول سال در آن اتفاق می افتد باشد. این میدان در مجاورت خود فعالیت های مختلفی چون: موزه، دانشگاه، نمایشگاه، کلیسا، تئاتر، سینما و خدمات عمومی مختلف دیگری نیز می باشد که به صورت پیاده

نیز قابل دسترسی می باشند. این مکان هسته اصلی برای ملاقات های کوچک و بزرگ مردم پیر و جوان است و فضا برای تمام گروه های اجتماعی و توریست و بومی جاذبه دارد و در عین حال عنصر اصلی در احساس گروه محلی است.

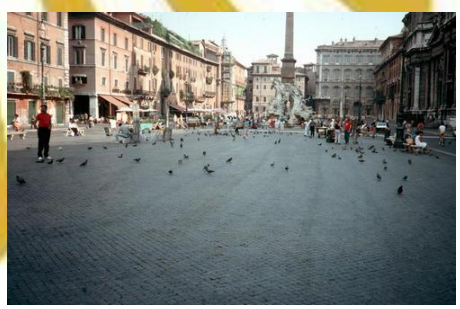
۵ ۳ ۵ -پیازا نوانا[1] واقع در شهر رم در ایتالیا:



تصویر۵-۱٤- موقعیت پیازا نوانا در شهر

در پاسخ به این پرسش که «بزرگترین میدان درجهان کدام است؟» بی تردید بسیاری پاسخ خواهند داد: پیازا نوانا. چراکه تمام ویژگی هایی که یک میدان خوب باید دارا باشد را در خود دارد. جاذبه ای عظیم مثل: آب نمای بزرگ برنینی، برنامه ریزی عالی، بهترین بازارهای کریسمس در جهان و کاربرد زنده و پویا در لبه ها و طراحی انعطاف پذیر که حتی در شب و در سرمای زمستان نیز مملو از حضور مردم است. کافه های متعدد، فضاهایی که به مراجعین امکان نشستن می دهند و عدم حضور ماشین از مهمترین ویژگی های آن است.





تصویر۵-۱۵- تصاویری از پیازا نوانا

[1] Piazza Navona



تصویر۵-۱۶- کاربری های پیرامون میدان

۵ ۳ ۶ پیازا دل کمپوس سینا[1] واقع در ایتالیا:





تصویر۵-۱۷- موقعیت پیازا دل کمپوس در شهر

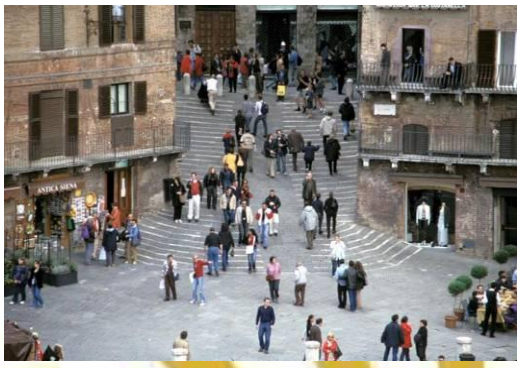
دیدن این میدان که واقع در قلب تاریخی-کالبدی شهر می باشد برای هر فردی که تا کنون فرصت بازدید از آن را داشته است بی تردید خاطره انگیز بوده است. این میدان به لحاظ ارتباط با زمینه پیرامون خود مشابه راینک گلونی می باشد. لایه های مختلف فضا از هر سوی میدان قابل دید است که آن را به مکانی رویایی برای مردم بدل کرده است.





[1] Piazza del compos sienna

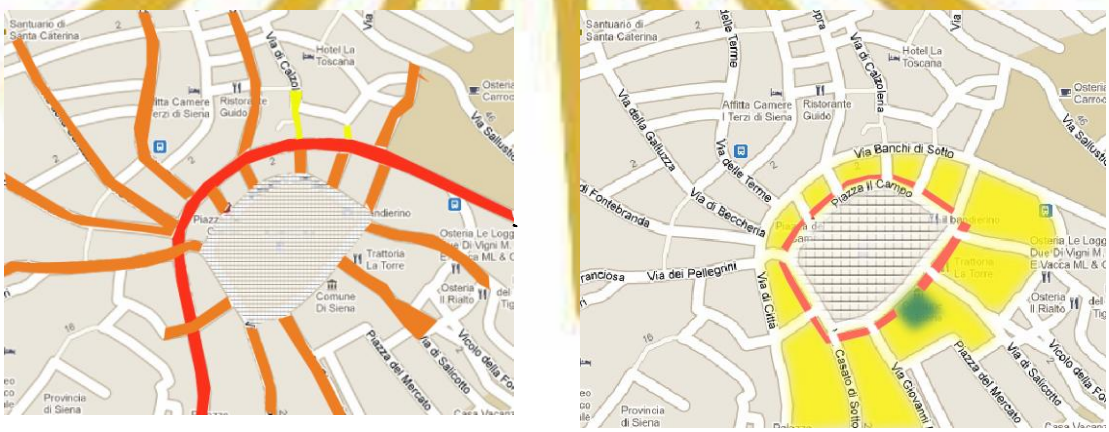
تصویر۵-۱۸- تصاویری از پیازا دل کمپوس (pps.org)





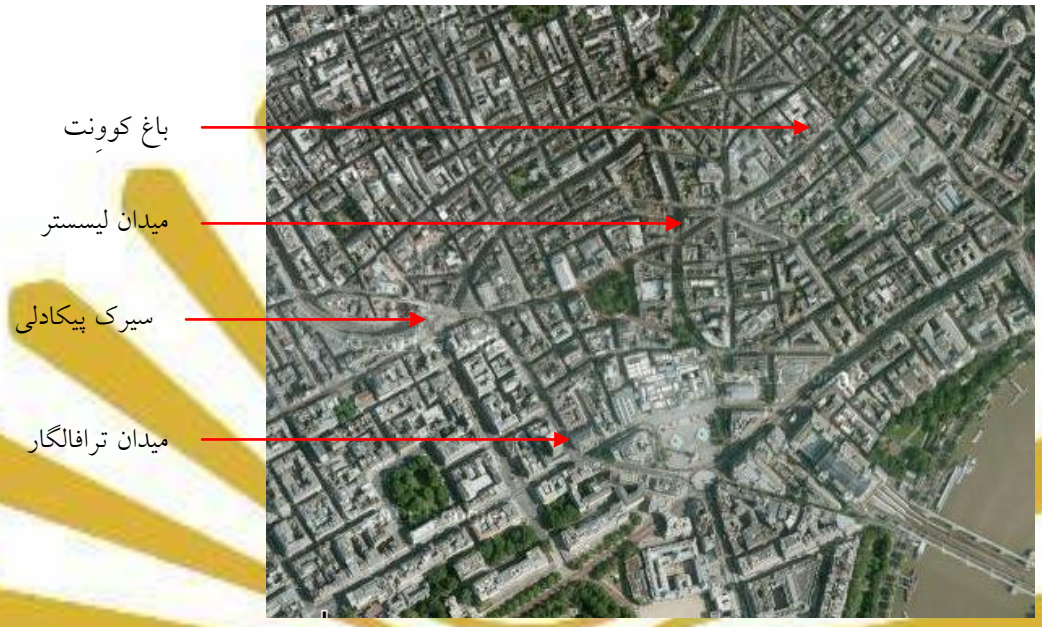
تصویر۵-۱۹- تصاویری از پیازا دل کمپوس

کاربری های موجود در لبه میدان آن را فعال ساخته و فعالیت های مختلف رسمی و غیر رسمی در آن، فرد را به سمت مرکز میدان هدایت می کند و برای همه گروه ها جذابیت دارد. بدنه منحنی، خیابان باریکی که به آن ختم می شود و حرکتی که به سمت سیتی هال ها در آن جریان دارد، سبب تجمع و حضور بیش تر مردم گردیده است. مسیر پیاده پیرامون، ضمن آن که حدفاصل بین فضای عمومی و خصوصی بوده و به افراد، امکان تفرج، قدم زدن و مشارکت در تجارب سایرین را می بخشند، با وجود کافه های متعدد با فضای میانی که زمینه ساز اجتماع پذیری مکان است در تعامل می باشد. فعالیت های غیر رسمی جوانان، در مرکز و فعالیت های رسمی در لبه ها قابل رؤیت هستند.



تصویر۵-۱۹- دسترسی ها و کاربری های پیرامون پیازا دل کمپوس

۵ ۳ ۷ میادین سیرکِ پیکادلی، ترافالگار، باغ کُوِنت و میدان لیسستر[1] واقع در لندن:



تصویر۵-۲۰- موقعیت میادین پیکادلی، ترافالگار و لیسستر و باغ کوونت

این چهار میدان در کنار هم در قلب شهر لندن قرا گرفته اند که تا کنون چنین میادینی با چنین کیفیات برجسته ای همجوار یکدیگر دیده نشده اند. با گذشت ۳۰ سال، مدیریت توانای آن توانسته وضعیت مطلوب آن را هم چنان حفظ نماید که نتیجه آن مطرح بودن به عنوان یک هسته فعال در شهر و در جهان است.



تصویر۵-۲۱- پانورامای میدان ترافالگار



تصویر۵-۲۲- پانورامای میدان لیسستر

[1] Piccadilly Circus, Trafalgar Square, Covent garden ,Leicester square



تصویر۵-۲۳- پانوراما‌ی سیرک پیکادلی



باغ کوونِت در این مجموعه یکی از بهترین نقاط جهان برای برگزاری بازارهای فصلی و هفتگی و فستیوال ها می باشد. از گذشته تا کنون، این محدوده همواره محل بازار میوه بوده است. همجواری با تئاتر واقع در میدان ترافالگار آن را به فعال ترین و جالب ترین مکان برای سرگرمی، خرید، رستوران و اجراهای خیابانی بدل کرده است که به طور مداوم در حال بهبود و توسعه می باشد.





تصویر۵-۲٤- تصاویری از باغ کوونِت

۵ ۳ ۸ -هتل دِویله[1] واقع در شهر پاریس:

این فضا یکی از نمونه های بی بدیل از میادین موفق در سراسر جهان می باشد که مملو از فعالیت ها با کیفیاتی منحصر به فرد است که افراد مختلف را به خود جلب می کند. اسکی در

[1] Hotel de Ville

زمستان، نمایشگاه های فرهنگ های مختلف جهان، چترها و صندلی ها، همه وهمه از جمله جذابیت های آن به شمار می رود.




تصویر۵-۲۵- تصاویری از هتل دِویله

این مکان مرکز دولتی فرانسه از قرن ١٤ بوده و در عین حال یک فضای شهری در پاریس می باشد. این پلازا مکانی تاریخی و در عین حال اجتماعی و فرهنگی می باشد. همجواری به عناصر شاخصی چون: سینما، مرکز خرید رودِ ریولی[1] و یکی از همسایگی های مهم شهر، اهمیت ویژه ای به آن بخشیده است. تصویری که از این میدان زیبا در ذهن فرد باقی می ماند زیبایی و جزئیات بنای دوره رنسانسی است که در آن وجود دارد.

این مکان قلب زنده و فعال شهر در عین حال مرکز تاریخی- توریستی و مرکز خرید است. حضور خانواده ها، کودکان و مردم، وجود فضای بازی کودکان و حضور گروه های محلی و بومی نشان دهنده اجتماع پذیری بالای مکان و جذابیت آن برای گروه های مختلف اجتماعی می باشد.




تصویر۵-۲٦- تصاویری از هتل دِویله

[1] Rue de Rivoli

۵ ۳ ۹ میدان اُلدتون[1] واقع در پراگ:





تصویر۵-۲۷- تصاویری از موقعیت میدان الدتون در شهر پراگ

هر فرد می تواند به آسانی و با لذت، تمام روز خود را در قلب پراگ در حال مشاهده آمد و رفت توریست ها و مردم بومی بگذراند. در این میدان، گروه های مختلف جوانان و توریست ها در کنار آبنمای نوویو و درون کافه ها، بازار و رستوران های واقع در فضای باز مقابل کلیسای تاریخی کاتولیک حضور دارند و منتظرند تا ساعت مشهور آن در هر ساع زنگ خود را بنوازد.





دسترسی به این مکان بسیار راحت می باشد و با آن که چندان بزرگ نیست گروه های مختلفی در آن حضور دارند و آن را برای گذران اوقات فراغت انتخاب می کنند. فضایی انعطاف پذیر در این مکان سبب گردیده این مکان پذیرای فعالیت های مختلف در خود باشد. خرید، نشستن و مشاهده ی اجراهای خیابانی از جمله فعالیت هایی است که مکان را بسیار سرزنده و فعال ساخته است. در عین حال این مکان مسیر ارتباطی برای دسترسی به محله مشهور یهود و دانشگاه چارلز نیز می باشد که خود سبب حضور بیش تر عابرین گردیده است.

تصویر۵-۲۸- تصاویری از الدتون

[1] Old town square

۵ ۳ ۱۰ – پلازا دِلاکانستیتوشن[1] واقع در ازاکاسیتی در مکزیکو:

با حرکت از مسیر پیاده ماکدونیو آلکالا[2]، فرد به محل انجام فعالیت های روزانه در ازاکاسیتی می رسد. کودکان در این مکان سرگرم بازی و تفریح و فروشندگان مشغول فروش اجناس خود هستند. والدین با نشستن بر نیمکت ها ضمن لذت بردن از صدای آب و دیدن بازی بچه ها، فروشندگان و خریداران را نظاره می کنند. دوستان نیز با تجمع بر نیمکت ها در حال گفتگو پیرامون رویدادهایی که در روزنامه یا ایستگاه روزنامه خوانده اند می باشند. نوازندگان هرشب برای افراد حاضر در کافه ها اجرا دارند و گروه های موسیقی سنتی، پنجشنبه شب ها اجرای کنسرت موسیقی زنده از آهنگ های سنتی مکزیک دارند. در بخشی از آن دست فروش ها قراردارند و در بخشی دیگر دوستان و افراد مختلف در محل نیمکت ها و ایستگاه روزنامه حضور دارند که روزنامه می خوانند و یا گفتگو می کنند.



تصویر۵–۲۹– تصاویری از پلازا دِلاکانستیتوشن

در مجاورت آن ها، نوازندگان در مقابل کافه ها هر شب اجرای برنامه دارند. وجود فعالیت های مختلف برای گروه های مختلف و حضور آن ها در مکان، مبین اجتماع پذیری بالا در این مکان است. از ویژگی های دیگر این مکان، امکان کنترل و دید بر تمام نقاط آن می باشد. در مرکز فضا سرپناهی با درختان و آب نما وجود دارد که در تابستان با ایجاد سایه، آسایش کاربران را تأمین می کند.

[1] Plaza de la Constitucion
[2] Macedonio Alcala




تصویر۵-۳۰- تصاویری از پلازا دِلاکانستیتوشن

در مجاورت این مکان، کلیسایی بزرگ و ساختمان شهرداری قرار دارد که مرکز تجمعات اجتماعی، سیاسی و مذهبی می باشند. در پیرامون نیز رستوران ها و مغازه هایی وجود دارند که آن را به یک مرکز شهری مهم برای افراد محلی و توریست مبدل نموده اند. عدم حضور ماشین و حضور افراد به صورت پیاده و دسترسی آسان نیز دیگر عامل موفقیت این مکان است.

۵ ۳ ۱۰ - پلازا سانتا آنا[1] واقع در مادرید:




تصویر۵-۳۱- تصاویری از پلازا سانتا آنا و موقعیت آن

این میدان مکانی راحت برای گذران وقت در ساعات مختلف شب و روز است که وجود خدمات مختلف و درختان پیرامون، آن را به یک تفرجگاه که افراد را به مرکز خود دعوت می کند، بدل نموده است. خیابان های پیرامون با عرض بسیار کم طراحی شده اند تا ترافیک را به

[1] Plaza Santa Ana

حداقل رسانده و به ماشین و انسان ها امکان همزیستی مسالمت آمیز بخشند. نوشیدن و خوردن در یکی از کافه ها ی پیرامون میدان، مشاهده مسابقه و بازی کودکان از جمله فعالیت های پر جاذبه در این مکان هستند. قرارگیری در مرکز شهر و امکان قدم زدن در این مکان، آن را به مکانی برای حضور توریست و افراد بومی بدل نموده است. وجود فضای سبز مناسب، درختان متعدد و لبه های فعال، تصویری خوشایند در ذهن بیننده خود ایجاد می کند. تنها مشکل، عدم وجود صندلی های راحت و مناسب می باشد. همجواری با فعالیت هایی چون تئاتر، هتل، رستوران های متعدد، زمین های بازی کودکان و کافه های روباز که به والدین امکان مشاهده و کنترل کودکان را هنگام بازی می دهند، سبب گردیده تا گروه های مختلف در آن حضور داشته باشند. حضور گروه های بومی و توریست و گروه های سنی مختلف جوانان، کودکان و خانواده ها نشان دهنده اجتماعی پذیری این مکان می باشد.





تصویر۵-۳۲- تصاویری از پلازا سانتا آنا

۵ ۳ ۱۲ - پلازا دِآرماس کازکو[1] واقع در پرو:

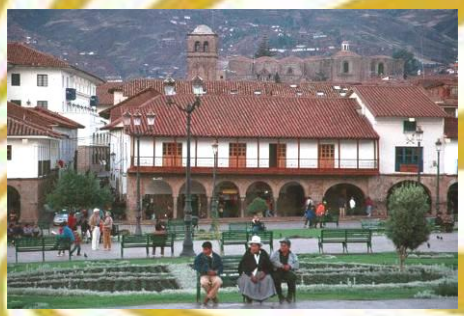
منظرآرایی بسیار زیبا و زندگی خیابانی فعال این پلازا که ناشی از فراوانی کافه ها، رستوران ها و مغازه ها در بدنه آن است، از جمله ویژگی های این میدان به شمار می رود. بسیاری از رستوران ها، میزهایی در بیرون دارند که افراد را در شب و روز سرگرم می کنند. سایبان های فراوان، نیمکت ها، دیواره ها و پله ها با امکان نشستن، از جمله نقاط محبوب بین مردم برای صرف غذا هستند. این میدان از جمله میادینی ست که مثل سایر پلازاها، به طور تاریخی، مکانی برای ملاقات افراد با یکدیگر بوده که این نقش تا به امروز هم ادامه دارد.

[1] Plaza de Armas Cuzco

در عین حال مردم از این مکان برای عبور نیز استفاده می نمایند. به علاوه، دسترسی پیاده به این مکان نیز امکان پذیر می باشد، ضمن آن که قرارگیری در مرکز شهر و امکان دسترسی از تمام جهات، دسترسی آن را تسهیل نموده است. همجواری با دو کلیسای کاتدرال که محل برگزاری سخنرانی هستند به آن اهمیت اجتماعی خاصی بخشیده است. حضور گروه های سنی مختلف و مکانی برای ملاقات، استراحت، تعامل اجتماعی، خرید، حضور در کلیسا و خوردن در کنار وجود کنسرت ها، سخنرانی ها، نمایشگاه ها و رویدادهایی چون فستیوال های مختلف، فضایی فعال و پویا فراهم آورده اند. حضور سایرین و عدم حضور ماشین و امکان حضور فردی و جمعی، تصویری مطلوب از خود به ذهن بیننده باقی گذاشته و در عین حال حکایت از فعال بودن مکان، به لحاظ اجتماعی نیز دارد.







تصویر۵-۳۳- تصاویری از پلازا دِآرماس

۵ ۴ ۱۳ - ترج بانا جالسیکا[1] واقع در زاگرب:

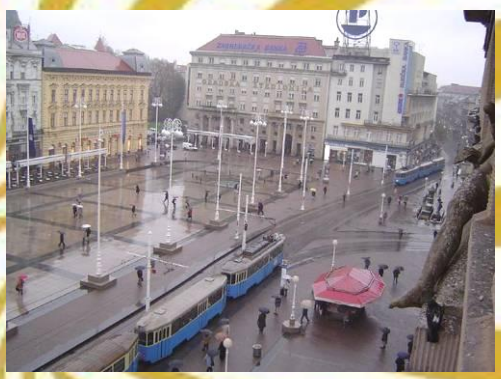


تصویر۵-۳٤- موقعیت میدان ترج بانا جالسیکا

[1] Trg Bana Jelacica

این میدان فعال، همجوار بازار بوده و در مرکز فعالیت شهر واقع است. این میدان در عین حال که مقصد بسیاری از مراجعین است، عنصر ارتباط دهنده ای بین بخش های مختلف شهر نیز می باشد. دسترسی به حمل ونقل عمومی شهری نیز از جمله ویژگی های این میدان است. به طور کلی این مکان، میدان اصلی زاگرب و فضای زندگی در شهری در آن است. بافت بدنه این میدان، به عنوان قطب اصلی خرده فروشی ها و کافه ها مربوط به قرن ۱۹ می باشد. وجود نقاط کانونی مختلف مثل: آب نما و چند مونومان، آن را به نقطه ای برای تجمعات عمومی تبدیل نموده است. افراد می توانند در آن شاهد تعاملات اجتماعی یکدیگر باشند، ضمن آن که بازار فصلی زاگرب نیز در این مکان برگزار می گردد. ساختمان های پیرامون آن شامل کافه های مختلف، تراس های رو به میدان و لبه هایی برای نشستن می باشند که سرزندگی آن را به همراه داشته است.





تصویر۵-۳۵- تصاویری از میدان ترج بانا جالسیکا

۵ ۳ ۱٤ - اُسترمامستُرگ[1] واقع در استکهلم:



این میدان که بهترین میدان استکهلم می باشد، در دهه ۱۹۹۰ با بازارهای زیبا و جذاب، بازسازی گردیده است. عنصر بازار که در فصول مختلف فعال می باشد و رستوران هایی که غذاهای مختلف ارائه می نمایند و در فصول مختلف در فضا قبض و بسط می یابند، از جمله عناصری

تصویر۵-۳٦- تصویری از میدان

[1] Ostermalmstorg

هستند که این مکان را در فصول مختلف زنده و پویا گردانده اند. به علاوه این مکان محل ملاقات، نظاره مردم و سرگرمی برای افراد است. ایفای نقش مرکز محله، آرامش، امنیت و جذابیت برای گروه های مختلف سنی و توریست در تمام مدت روز از خصوصیات بارز این مکان می باشد.




تصویر۵-۳۷- تصاویری از میدان استرمامسترگ

۵ ۳ ۱۵ - پلازا دِانترورو[1] واقع در مونته ویدئو:

یکی از چندین میادین شهری فعال در جهان در شهر مونته ویدیو قرار دارد. طراحی رسمی، فضاهای گوناگون که از تجارب و فعالیت های مختلف حمایت می کنند، از شاخصه های این مکان است. ترکیب مناسبی از کافه ها، زمین های بازی و ایستگاه اتوبوس در کنار یکدیگر، ترکیبی خوانا برای مخاطب خود فراهم نموده است. از جمله عوامل مطلوب این مکان، گزینه های مختلف جهت نشستن، مسیر های مختلف، دید و منظر مطلوب و دسترسی به آب نمای مرکزی می باشد. به علاوه، وجود تعاملات اجتماعی و اجتماع پذیری مکان نیز از شاخص های موفقیت این میدان می باشد.




تصویر۵-۳۸- تصاویری از پلازادانترورو

[1] Plaza de Entrevero



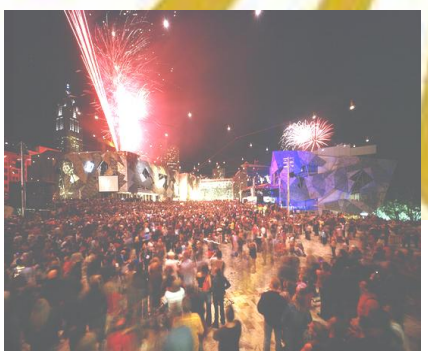

تصویر۵-۳۹- تصاویری از پلازادانترورو

۵ ۳ ۱۶ - میدان فدریشن[1] واقع در ملبورن:

این میدان، میدانی منحصر به فرد در ملبورن، نمادی از این شهر و مکانی برای تجمع، ملاقات دوستان و گذراندن اوقات فراغت است. قرار گیری در موقعیتی بسیار شلوغ در مرکز شهر، دسترسی آسان و جذابیت هایی مثل نمایشگاه و تقویمی از رویدادهای مختلف در آن، از جمله دلایل موفقیت این مکان می باشند.



تصویر۵-۴۰- تصاویری از پلازادانترورو



شاخص هایی مثل دسترسی آسان با هرنوع وسیله نقلیه و به صورت پیاده، شلوغ بودن و پرمراجعه بودن مکان، مطرح بودن به عنوان مکانی برای تجمع افراد و گروه ها، امن و پذیرا بودن در تمامی ساعات روز، کنترل و نگهداری ۲۴ساعته توسط کارکنان، جاذب بون برای گروه های مختلف بومی و توریست و

[1] Federation square



تصویر۵-٤١- تصویری از میدان

وجود رویدادهای مختلف مثل نمایشگاه ها، همگی نشان دهنده موفقیت و پویایی این مکان هستند که آن را در زمان کوتاهی به یک عنصر محلی تبدیل نمودند. چنان که در شش ماه اولیه افتتاح این مکان سه میلیون نفر از آن بازدید نمودند.

۵ ۳ ۱۷ - میدان نقش جهان در اصفهان:



تصویر۵-٤٢- موقعیت میدان نقش جهان

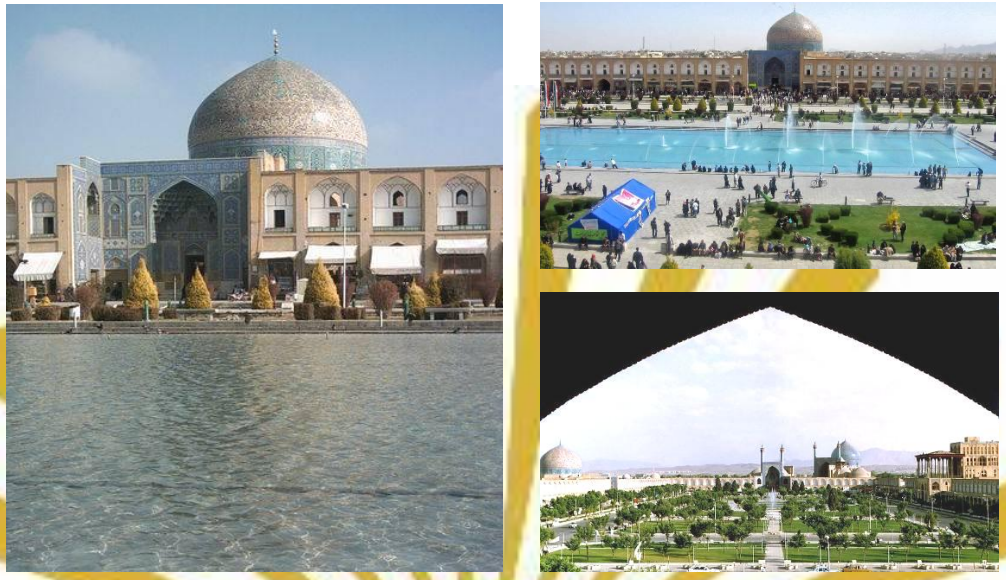
این میدان، دارای مرکزیت در شهر اصفهان، یعنی پایتخت ایران در سه دوره تاریخی بوده است. قرارگیری مغازه ها و کافه ها و دو مسجد بسیار با شکوه بزرگ ترین دلیل شهرت این میدان در جهان به عنوان یک فضای عمومی زیباست.

اگر چه جذابیت مساجد اصفهان، آن را شهری مورد توجه توریست نموده است، این میدان، اولین و بارزترین مکان و نماد غرور شهروندان اصفهانی نیز می باشد.

میدان نقش جهان به شکل امروزین در دوره سلطنت شاه عباس صفوی پایه‌گذاری شده‌است. در گذشته این میدان جایگاه برگزاری آیین‌های گوناگون و بازی چوگان بوده‌است که امروزه به‌صورت یک گردشگاه همگانی و جایگاهی برای برگزاری نماز جمعه و آیین‌های ملی و مذهبی درآمده‌است. میدان نقش جهان در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد و در اردیبهشت ۱۳۵۸ جزء نخستین آثار ایرانی بود که به‌عنوان میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت جهانی رسید. بناهای تاریخی موجود در میدان نقش جهان شامل عالی‌قاپو، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه است. علاوه بر این بناها دویست حجره در پیرامون میدان واقع شده‌است که عموماً جایگاه عرضه صنایع دستی اصفهان می‌باشند.

امروزه چمن‌های این میدان تبدیل به فضایی برای نشستن و گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها شده است. تردد خودروها در بخش‌هایی از میدان هنوز ممنوع نشده‌است. حجره‌های دور تا دور

میدان از گذشته‌های دور به فروش صنایع دستی داشته که متأسفانه خطر تغییر کاربری این فروشگاه‌ها، هویت میدان را تهدید می‌نماید.



تصویر ۵-۴۳- تصاویری از میدان نقش جهان

سردر قیصریه ورودی بازار قدیمی اصفهان در شمال میدان نقش جهان است که در دوران صفویان ساخته شده است. این بنا ورودی شهر صفوی اصفهان بوده که از طریق بازار بزرگ قیصریه قسمت اصفهان جدید را به شهر سلجوقی (میدان کهنه آن روزگار) متصل می کرده است. بیشتر جهانگردانی که از این شهر بازدید نموده اند میدان نقش جهان و بناهای پیرامون آن را تحسین نموده اند. عمارت نقاره خانه نیز بر بالای سردر قیصریه قرار دارد نقاره زنی و نقاره کوبی از قدیم در ایران متداول بود که طلوع و غروب آفتاب را اعلام می کرده است.

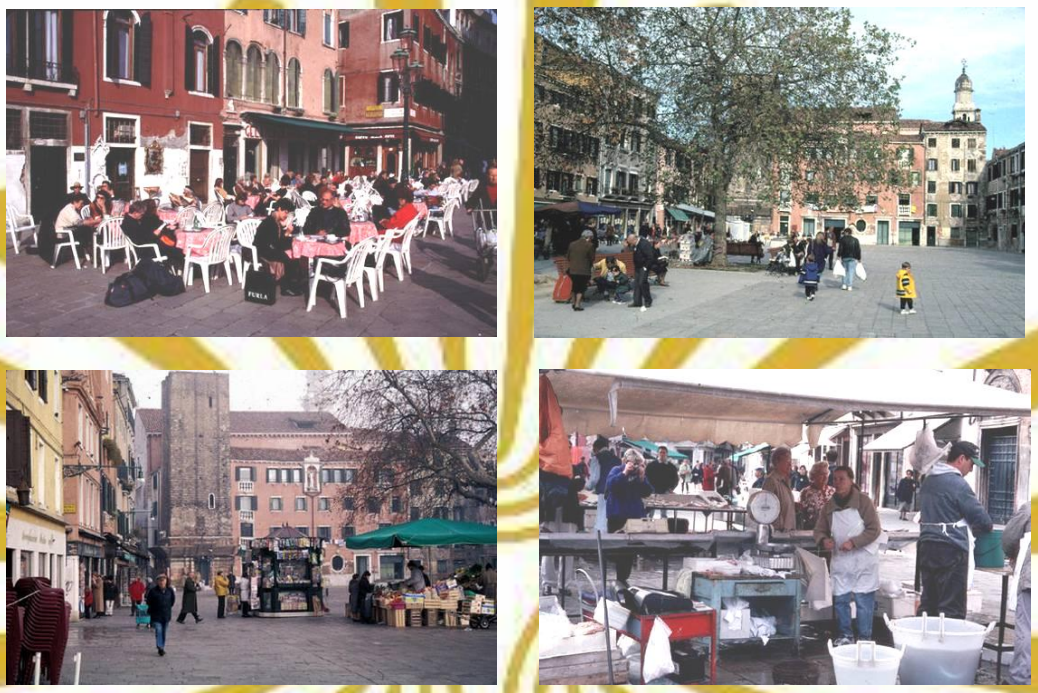
۵ ۳ ۱۸ - کمپو سانتا ماگریتا[1] واقع در ونیز:



تصویر ۵-۴۴- موقعیت کمپوسانتاماگریتا

[1] Campo Santa Margherita

این میدان، فضایی کشیده در قلب اجتماعی شهر ونیز است که ساختمان های آن مربوط به قرن ۱٤ میلادی می باشد. ترکیبی از فضاهای مسکونی، رستوران ها، بارها و بازارهای هفتگی از گُل ها و سایر محصولات محلی و مغازه ها، فضایی جذاب در آن پدید آورده اند. این مکان بیش تر مورد توجه توریست ها بوده و جمعیت توریست در آن غلبه دارد.



تصویر۵-٤۵- تصاویری از کمپوسانتاماگریتا

۵ ٤ تحلیل میدان ریتنهاوس در فیلادلفیا:

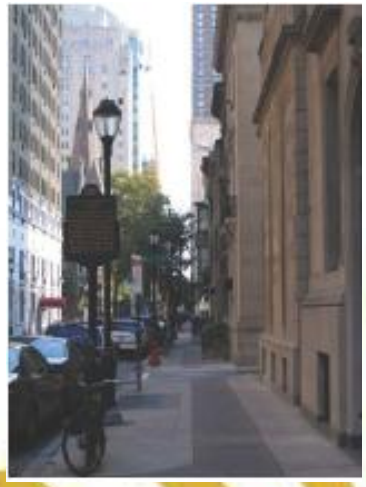
۵ ٤ ۱ -زمینه:



تصویر۵-٤٦- پلان میدان ریتنهاوس

این میدان یکی از شلوغترین و پرمراجعه ترین فضاهای عمومی در مرکز شهر فیلادلفیاست و یکی از پنج میدان خلق شده به وسیله ویلیام پن است. مسیرهای پیاده مورب که گوشه های آن را به یکدیگر متصل می سازد به همراه برخی ویژگی های طراحی کلاسیک مانند گلدانها، طارمی ها، استخر و مجسمه های برنزی در آن وجود دارد. درختان و گیاه آرایی انجام شده درون بیضی

مرکزی، محدوده سبزی در شهر فراهم کرده است. این میدان با خرده فروشی ها، فضاهای مسکونی و نهادهای فرهنگی و برخی ساختمان های مدرن و تاریخی احاطه شده است. وجود معابر مختلف منتهی به میدان سبب نفوذپذیری بسیار مطلوب میدان از واحدهای همجوار گردیده است. این معابر علیرغم عرض کم، توانسته اند گزینه بسیار مناسب برای افراد پیاده بوده و به نحو فعالی عمل کنند.



تصویر۵-۴۷- یکی از معابر منتهی به میدان

۵ ٤ ۲ -هویت:

مردم/ تاریخ/ فرهنگ: پارک و محیط پیرامون آن حس تاریخی به همسایگی پیرامون آن بخشیده و ظاهر کالبدی پارک پس از طراحی اولیه تا حدودی تغییر یافته است. یک اتاقک نگهبانی از دهه ۱۸۰۰ میلادی در مرکز آن قرار دارد که یادآور غنای تاریخی آن است. وجود مجسمه ها در فضا و توجه به موقعیت قرار گیری آن ها به میدان جنبه فرهنگی بخشیده است.



تصویر۵-۴۸- اتاقک نگهبانی

بازدید کودکان از مجسمه های مذکور به همراه والدین آن ها، سنتی دیرینه در این شهر به شمار می رود. به عنوان مثال مجسمه برنزی در این میدان وجود دارد که ساکنین براین باورند که دست کشیدن به شاخ طلایی آن، برای آنها خوش شانسی به همراه دارد. در این میدان نوعی همزیستی میان گروه های مختلف والدین، توریستها و افراد بی خانمان وجود دارد. این مکان متعلق به همه افراد، فارغ از پیشینه آن هاست. ساکنین برای قدم زدن، ورزش و ملاقات با یکدیگر به آن مراجعه می کنند. فضای حاکم بر این میدان به گونه ای ست که توریست ها و سایر افرادی که از سایر نقاط به آن مراجعه می کنند احساس بیگانگی نمی کنند. بسیاری از رویدادهای آن به وسیله ساکنین برگزار می شود که در عین حال روابط میان آنان را نیز توسعه می دهد. ویژگی های طبیعی فضا نیز به آن هویت ویژه ای بخشیده و رابطه میان فضا و کاربرانش را بهبود بخشیده ست.

هنگام مواجهه فردی تازه وارد به آن، تضاد فضا با زمینه به لحاظ وجود فضای سبز و باز و سایه روشنها وی را به درون خود دعوت می کند.

۵ ٤ ۳ -هویت کالبدی:

- **مسیرها:**

خیابان های موجود در چهار جهت، ورودی های گوناگونی را برای دسترسی به میدان فراهم نموده و سبب تسهیل آمد و شد در آن گردیده است. سلسله مراتبی از راه ها در این میدان وجود دارد که به عنوان ابزاری برای ادراک نظم آن و ارتقاء خوانایی آن به کار می رود. مسیرها به صورت مستقیم از ورودی ها به سمت مرکز هدایت می شود که مسیرهای عریض تر در آن بر راههای دیگر غلبه بصری دارند.



تصویر۵-٤۹- پلان دسترسیها

۵ ٤ ٤ -لبه ها:

لبه ها، مرزها و خطوطی برای حوزه های مختلف میدان خلق نموده اند. لبه بیرونی میدان با نرده های آهنی مشکی رنگ و لبه های داخلی آن با طارمی ها و نیمکت ها تعریف شده است. این لبه ها نقش مؤثری در ادراک کاربران و تعریف فضا دارند.



تصویر۵-۵۰- یکی از ورودیهای میدان





تصویر۵-۵۱- تصاویری از لبه های داخلی و خارجی میدان

۵ ٤ ۵ -گره ها:

گره ها مکان هایی هستند که فعالیت ها در آن اتفاق می افتند. بیضی مرکزی، گره اصلی در این میدان به شمار می روند. این مکان جایی ست که والدین کودکان خود را برای دیدن مجسمه ها و آبنماها می آوردند و فضایی ست که مردم در آفتاب نشسته و لذت می برند. این پایان در مسیرهای منتهی به فضای مرکزی آن را به مقصدی برای مردم بدل کرده است. علاوه براین در طول برگزاری رویدادها، گره های موقتی نیز در مکان شکل می گیرند. به عنوان مثال بازار میوه فروشی در مسیر پیاده، آن را به گره ای در فضا تبدیل می کند.



تصویر۵-۵۲- نقاط کانونی میدان

۵ ٤ ٦ -محدوده ها:

این میدان دارای محدوده داخلی و خارجی می باشد. یک محدوده داخلی مدور که مرکز تجمع افرادی ست که برروی نیمکتها نشسته اند و یا در حال ورزش کردن، ملاقات دوستان و یا نظاره کردن اطراف خود هستند. محدوده خارجی نیز شامل فضای سبز می باشد که مردم در آن در حال قدم زدن هستند و یا روی چمن ها دراز کشیده اند. این امر به علت سرسبزی و گشایش فضاست که احساس متفاوت از خیابان های پیرامون خود را ایجاد کرده و هویتی متمایز و دعوت کننده دارد.





تصویر۵-۵۳- تصاویری از فضای داخل میدان ریتنهاوس

۵ ٤ ۷ -لندمارکها:

این فضا علیرغم آن که فاقد لندمارک یا نشانه ای در درون خود می باشد. توانسته است خود، به عنوان یک نشانه در سطح شهر مطرح گردد و به دلیل پیوندهای کالبدی و اجتماعی با پیرامون خود از اهمیت خاصی در سطح شهر برخوردار باشد.



تصویر۵-٥٤- تصویری از پیرامون میدان

۵ ٤ ۸ -موقعیت کالبدی:

محوطه تاریخی پیرامون میدان به آن جذابیت و پایداری بخشیده است. وجود آپارتمانها، مغازه ها، رستوران ها، هتل ها، فضاهای تجاری و کتابخانه ای که در محدوده پیرامون آن قرار گرفته است سبب گردیده فضا در تمام ساعات روز میزبان حضور مردم باشد. که البته دسترسی پیاده و حمل و نقل عمومی نیز در رابطه مؤثر بوده است.



تصویر۵-٥٥- تصویری از پیرامون میدان



تصویر۵-٥٦- تصویری از پیرامون میدان



تصویر۵-٥٧- کاربری های پیرامون میدان

۵ ٤ ۹ -کاربری:

تنوع کاربری در ساعات مختلف روز:

این میدان در طول ساعات مختلف روز کاربری های مختلفی دارد. در ساعات اولیه روز فضایی برای نوشیدن قهوه، ورزش کردن و قدم زدن، در ساعات ظهر برای صرف نهار و در شب نیز پذیرای حضور خانواده ها، بازدیدکنندگان و جوانان است که در آن تجمع می یابند بدون آن که احساس عدم امنیت داشته باشند. به علاوه به دلیل پیش بینی نیمکت ها در بخش های آفتابگیر و سایه در تمامی فصول مورد استفاده قرار می گیرد و همواره زندگی در آن جریان دارد. مطالعه ای که در سال ۱۹۹۵ بر روی این میدان انجام گرفت نشان داد که بازدیدکنندگان این فضا طیف گسترده ای از مردم شامل: کاربران غیررسمی، متخصصین، خانواده ها، نوجوانان، زوجهای پیر و جوان، گروه های دانش آموزان و عابرین هستند. فعالیت گروه های مذکور در فضا، جریان ثابتی دارد که شامل: خوردن، نوشیدن، گفتگو کردن، ملاقات، مطالعه و عبور کردن است. [۱]

تنوع کاربری ها:

عملکرد اولیه این میدان، تجمع، نشستن، مطالعه کردن و استراحت نمودن و یا فعالیت های غیرسامان یافته است. در این میدان فضای برنامه ریزی شده و تفکیک شده ای وجود ندارد ولی در عین حال همواره رویدادی در آن جاری ست که مردم را به خود دعوت می کند. رویدادهایی مانند: بازارهای میوه و سبزیجات، کنسرت، اجرای نمایش، نمایش هنر و سایر فعالیت هایی از این دست.



تصویر۵-۵۸- ساختمان های شاخص پیرامون میدان

[1] Delvin, 1996



تصویر۵-۵۹- تصاویری از حضور مردم در میدان

به طور کلی برپایه مطالعات انجام گرفته بر این فضا، میدان ریتنهاوس در زمره بهترین میادین جهان به شمار می رود و جین جیکوبز نیز از آن به عنوان نمونه موفق یاد می کند. ویژگی های اساسی این میدان را می توان در قالب زیر جمع بندی نمود:

- فضای سبز و باز در بستر خیابان های شلوغ اطراف آن توانسته پیوند عاطفی مطلوبی با کاربران خود برقرار نمایند.
- وجود لبه ها، گره ها (به عنوان کانون فعالیتها) و ورودی های تعریف شده به مطلوبیت فضایی آن افزوده است.
- فقدان لندمارک ها و یا نشانه ها تأثیر منفی بر هویت آن داشته است.
- چندعملکردی بودن محیط پیرامون آن و نیز وجود کاربری های غیر رسمی و رویدادهای مختلف، تأثیر مطلوبی بر فعال بودن آن در ساعات مختلف داشته است.

۵ ۵ - جمع بندی:

با مطالعه این مصادیق در سراسر جهان می توان به برخی ویژگی های مشترک پی برد که عامل موفقیت این فضاها می باشد می توان پی برد که رأی مردم یعنی حضور آن ها، چه گروه های بومی و چه توریست مؤید آن است. این ویژگی ها را می توان در قالب موارد ذیل طبقه بندی نمود:

- تأمین فضاهای نشستن با الگوهای مختلف،مثل دیوارها، لبه ها و مبلمان ها؛
- حفظ، نگهداری و مدیریت مکان؛
- برنامه ریزی فعالیت ها در طول سال؛

- نورپردازی در شب؛
- وجود مبلمان شهری مورد نیاز: صندلی، میز، پارک دوچرخه، نورپردازی، ابعاد، رنگ و طراحی؛
- برتری پیاده به ماشین؛
- رستوران ها و کافه های روباز؛
- فعالیت های خرده فروشی؛
- بهداشت و رسیدگی به مکان؛
- برنامه ریزی و طراحی فضای چندمنظوره؛
- توجه به بدنه ها به لحاظ بصری، عملکردی و هویت جداره ها؛
- فستیوال ها و رویدادها و طراحی مکانی متناسب با فعالیت هایی از این دست؛
- حفظ و تداوم تاریخی مکان؛
- همجواری با بناها و عناصر مهم و شاخص به لحاظ عملکردی یا تاریخی؛
- وجود فضاهای نمایشگاهی؛
- حمایت از کاربران در برابر شرایط اقلیمی نامناسب مثل وجود سایبان؛
- نوع مصالح و نحوه طراحی کف سازی؛
- بهره گیری از هنر در طراحی فضا: مجسمه ها، آب نماها و یادمان ها؛
- فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل: زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و سایر فعالیت های جمعی از این نوع؛
- ارتباط مطلوب با سیستم حمل و نقل شهری؛

به کارگیری استراتژی های فصلی: اسکی، کافه های روباز، نمایش و بازارهای روز که فضا را در فصول مختلف فعال نگاه می دارد. که در این رابطه امکان تغییر کاربری مکان و به ویژه استفاده از مبلمان متحرک، به مقتضای به تغییرات شرایط جوی و فعالیتی در طول سال، بسیار مؤثر است.